



چکیده مقاله‌ها

هفتمین همایش سالانه و سومین همایش بین‌المللی انجمن علمی مطالعات صلح ایران

زنان و صلح اجتماعی



آذر ماه ۱۴۰۲



Proceedings of

**The 7th Annual Conference and the 3rd
International Conference of the Iranian Peace
Studies Scientific Association**

Women and Social Peace

November 1402

Conference Organizer:

Iranian Peace Studies Scientific Association

Organizing Partners: University of Tehran, House of Humanities Scholars, Allameh Tabataba'i University, Ferdowsi University of Mashhad, Society for Advocating Women's Human Rights, Iranian Association of Women's Studies, Iranian Association of West Asian Studies, Khwarizmi Foundation, Manisa Celal Bayar University (Turkey), and Gumilyov Eurasian National University (Kazakhstan), Kabul Research Institute for Peace and Development.

Scientific Secretary:

Elaheh Koolaee

Assistant Scientific Secretary:

Zahra Nezhadbahram

Executive Committee:

Neda HajiVosough, Katayoun Mesri, Asli Abbasi, Aref Bijan

Scientific Committee: Ali Asghar Davoodi, Seyed Ahmad Fatemi Nejad, Naematollah Fazeli, Elaheh Koolaee Mohammad Mansournejad, Mojtaba Maqsoodi, Amirhossein Mirkoushesh, Abdul Amir Nabavi, Zahra Nezhadbahram, Sadiqeh Shakoori Rad, Mandana Tishehyar, Hassan Zandiye, Ezabir Ali, Victoria Arakelova, Nozakat Ismatova, Lana Ravandi-Fadai, Arshi Saleem Hashmi, Ulviyye Sanili Aydin, and Elisa Toldo Todd.

Translator: Aref Bijan

Copyeditor: Rasoul Firouzi

Typeset and Layout: Mehrdad Khoramnash

Cover Design: Fatemeh Naseri

Publisher: Iranian Peace Studies Scientific Association

Publisher's Website: www.ipsan.ir

Publication Year: 2023

برگزار کننده: انجمن علمی مطالعات صلح ایران

مشارکت کنندگان: دانشگاه تهران، خانه اندیشمندان علوم انسانی، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشگاه فردوسی مشهد، جمعیت حمایت از حقوق بشر زنان، انجمن ایرانی مطالعات زنان، انجمن ایرانی مطالعات غرب آسیا، بنیاد خوارزمی. موسسه خیریه مهرگان

Manisa Celal Bayar University- Turkiye, Gumilyov Eurasian National University Astana Kazakhstan, Kabul Research Institute for Peace and Development

دبیر علمی: الهه کولایی- استاد دانشگاه تهران

دستیار دبیر علمی: زهرا نژادبهرام

کمیته اجرایی: ندا حاجی و ثوق، کتابون مصری، اصلی عباسی، فریبا رضایی، عارف بیژن

دستیاران اجرایی: فاطمه ناصری، مریم شایگان، راضیه مینایی، مریم هاشمی نژاد

کمیته علمی: ماندانا تیشه یار (دانشگاه علامه طباطبایی)، علی اصغر داودی (دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد)، حسن زندیه (دانشگاه تهران)، صدیقه شکوری راد (دانشگاه تهران)، نعمت‌الله فاضلی (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، سیداحمد فاطمی نژاد (دانشگاه فردوسی)، الهه کولایی (دانشگاه تهران)، مجتبی مقصدی (دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی)، محمد منصور نژاد (انجمن علمی مطالعات صلح ایران)، امیر هوشنگ میرکوشش (دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود)، عبدالامیر نبوی (دانشگاه تهران)، زهرا نژادبهرام (دانشگاه علم و فرهنگ)

(Manisa Celal Bayar University, Turkiye), Ulviyye Sanili Aydin
Ezabir Ali, Victoria Arakelova (Russian- Armenian University), Elisa
Toldo Todd (Federal University, Brazil), Lana Fadaii Ravandi
(Oriental Studies, Russian), Arshi Saleem Hashmi (National Defense
University, Pakistan), Nozakat Lsmatova (Tajikistan National
University)

مترجم: عارف بیژن

ویراستار: رسول فیروزی

حروف چینی و صفحه آرایی: مهرداد خرم‌نصر

طراح جلد: فاطمه ناصری

ناشر: انجمن علمی مطالعات صلح ایران

نشانی الکترونیکی: www.ipsan.ir

سال انتشار: 1402

Contents

سخن دبیر علمی.....3

The speech of the scientific secretary.....3

محور اول: صلح اجتماعی و زمینه‌های خشونت‌ورزی علیه زنان10

The First Axis: Social Peace and the Fields of Violence against Women.....8

ریشه‌های ساختاری- اجتماعی خشونت‌ورزی علیه زنان11

Structural-Social Roots of Violence against Women.....9

ریشه‌های ساختاری - اجتماعی خشونت‌ورزی علیه زنان در جوامع بنیادگرای دینی.....13

The Socio-Structural Origins of Violence Against Women in Religious Fundamentalist Societies.....10

رابطهٔ میان توسعه و خشونت‌ورزی علیه زنان17

The Relationship between Development and Violence Against Women..... 15

بنیان‌های فرهنگی- عرفی خشونت‌ورزی- منع خشونت علیه زنان21

Cultural-Customary Foundations of Violence/Prohibition of Violence against Women.....19

زنان؛ مقایسه سه رهیافت: تبعیض جنسیتی یا عدالت اجتماعی22

Gender Discrimination or Social Justice: A Comparative Analysis of Three Approaches towards Women.....20

حکمرانی برای صلح؛ نقش نهادهای قدرت در برقراری و تثبیت صلح26

Governance for Peace; the Role of Power Institutions in Establishing and Stabilizing Peace.....	25
27..... سهم زنان ایرانی از قدرت سیاسی	
Iranian Women's Share of Political Power.....	26
31..... مشارکت زنان در روند مذاکرات صلح	
Women's Participation in the Peace Negotiations Process.....	31
36..... صلح مثبت؛ راهکاری برای بازداری خشونت سیاسی نسبت به زنان	
Positive Peace as a Solution to Prevent Political Violence Against Women.....	35
43..... حق پوشش زنان و نقش آن در ارتقای صلح اجتماعی	
Women's Right to Cover and Its Role in Promoting Social Peace.....	41
48..... نقش زنان و اقدام صلح‌مدارانه در حل بحران‌های دیپلماتیک	
The Role of Women and Peaceful Action in Solving Diplomatic Crises.....	46
53..... زمینه‌های حقوقی - قضایی خشونت‌ورزی / نفی خشونت علیه زنان	
Legal-judicial Contexts of Violence/Denial of Violence against Women.....	51
54..... بازنمایی صلح اجتماعی در مفهوم عدالت، آزادی و حقوق بشر	
Representation of Social Peace in the Concepts of Justice, Freedom, and Human Rights.....	52
58..... تاثیر رویکردهای فقهی به حقوق زنان بر صلح اجتماعی	

The Impact of Jurisprudential Approaches to Women's Rights on Social Peace.....	56
خشونت علیه زنان در دیدگاه حقوقی و قضایی در اسناد بین‌المللی.....	63
Violence against Women from Legal and Judicial Perspectives in International Documents.....	61
محور دوم: صلح اجتماعی در فرهنگ؛ رسانه، آموزش و عرف.....	69
The Second Axis: Social Peace in Culture, Media, Education and Customs.....	67
تعامل‌های میان‌فرهنگی ملت‌ها و صلح میان‌اجتماعی.....	70
Intercultural Interactions of Nations and Intersocial Peace	
نقش سازمان زنان ایران در آموزش برقراری و تثبیت صلح اجتماعی.....	71
The Role of the Women's Organization of Iran in Training the Establishment and Stabilization of Social Peace.....	69
Bridges of Art for Intercultural Peace	73
الگوهای فرهنگی - اجتماعی نفی خشونت علیه زنان.....	78
Cultural-Social Patterns of Negation of Violence against Women.....	76
راهکارهای رسیدن به صلح اجتماعی از راه گسترش گردشگری زنان و عدالت جنسیتی.....	79
Solutions to Achieve Social Peace through Developing Women's Tourism and Gender Justice.....	77
جایگاه زن و نقش آنان در پیشبرد صلح در میان اندیشمندان و شاعران کردستان.....	84
Women's Role in Advancing Peace among Thinkers and Poets of Kurdistan.....	82

نقش زنان در صلح اجتماعی با تکیه بر نظریه اخلاق مراقبت.....	87
Women's Role in Social Peace from a Care-Ethics Theoretical Viewpoint.....	85
«اگر فرزند من بود؟» پروامداری و نظریه پردازی برای صلح.....	91
What If It Was My Child? Care Ethics and Theorizing to Obtain Peace.....	89
بنیان‌های فرهنگی-عرفی خشونت‌ورزی-نفی خشونت علیه زنان.....	96
Cultural-Customary Foundations of Violence/Negation of Violence against Women.....	94
زمینه‌های فرهنگی خشونت علیه زنان در ایران و آینده آن.....	97
Cultural Contexts for Violence against Women in Iran and Its Future.....	95
شیوه‌های آموزش مدارا و صلح در جهت نفی خشونت‌ورزی علیه زنان.....	102
Methods of Teaching Tolerance and Peace in the Direction of Negating Violence against Women.....	100
صلح درون پایه‌گذار پیشگیرانه خشونت علیه زنان: ضرورت تجلی خشونت‌پرهیزی در رشد کودک.....	103
Inner Peace as a Foundation to Prevent Violence against Women: the Necessity to Manifest Non-Violence in Child Development.....	101
چگونگی بازنمایی رویدادهای مربوط به زنان در جهت دستیابی به صلح اجتماعی توسط رسانه‌ها با تمرکز بر نظریه‌های ارتباطات.....	107
How to Represent Women-Centered Events in the Media to Achieve Social Peace: with a Focus on Communication Theories.....	105

نظریهٔ صلح برای بشر: زنان و مردان صلح‌آفرین در پرتو.....	111
The Theory of Peace for Mankind: Peace-Making Women and Men in the Shadow of Equal Rights.....	109
رسانه‌های سنتی و مجازی جمعی؛ شکل‌دهی افکار عمومی و نفی خشونت‌ورزی علیه زنان.....	115
Traditional and Mass Virtual Media; Shaping Public Opinion and Denying Violence against Women.....	113
تحلیل جنسیتی رابطهٔ سینما و صلح اجتماعی: جنگ و صلح در سینما برابری حقوق مهربانان و مهربانان.....	116
AGgender-Based Analysis of the Relationship between Cinema and Social Peace: War and Peace in Cinema...	114
دختران جوان و خشونت جنسی در فضای مجازی.....	120
Young Girls and Sexual Violence in Cyberspace	118
روزنامه‌نگاری صلح، بستر کاهش خشونت علیه زنان.....	124
Peace Journalism as a Platform to Reduce Violence against Women.....	121
محور سوم: صلح اجتماعی، حقوق زنان، امنیت بین‌المللی و درگیری‌های مسلحانه.....	130
The Third Axis: Social Peace, Women's Rights, International Security and Armed Conflicts.....	126
پیشینهٔ تاریخی صلح‌آفرینی.....	131
Historical Background of Peace-Making.....	127

نسبت حضور برابر زنان در عرصهٔ سیاسی و ایجاد صلح اجتماعی با تمرکز بر دیدگاه ژاک رانسیر	132
Women's Equal Presence in the Political Arena and the Creation of Social Peace, with a Focus on Jacques Rancière's Ideas	128
آسیب‌های اجتماعی زنان ایران در جنگ جهانی دوم و مشارکت برای ایجاد صلح اجتماعی در جامعه	136
Social Harms to Iranian Women during World War II and Women's Participation in Creating Social Peace in the Society	132
از درگیری تا صلح؛ نقش زنان در صلح‌سازی پس‌ادگرایی	141
From Conflict to Peace; the Role of Women in Post-Conflict Peacemaking	137
اخلاق مراقبت زنانه و صلح جهانی	142
Feminine care ethics and global peace	138
147. Transforming Foreign Policy: Women and Soft Power	
پاسدداشت حقوق زنان در چارچوب صلح و امنیت بین‌المللی	149
Protecting women's rights in the framework of international peace and security	145
هنجارسازی شورای امنیت در ارتباط با زنان، صلح و امنیت (۲۰۲۲-۲۰۰۰)	150
Security Council's Normalizing Measures Concerning Women, Peace, and Security (2000-2022)	146

نقش زنان در کنترل تسلیحات بین‌المللی؛ با تمرکز بر قطعنامه‌های سازمان ملل متحد.....155

Women's Role in International Arms Control: Focusing on UN Resolutions.....150

160.....درگیری مسلحانه حماس و اسراییل در باریکه غزه و حقوق زنان
Armed Conflicts between Hamas and Israel in the Gaza Strip and Its Effect on Women's Rights.....155

165.....صلح اجتماعی، اصلاح اجتماعی
Social Peace and Social Reform.....160

169.....حقوق زنان، سازمان ملل متحد و ابتکارهای صلح‌آفرین
Women's Rights, the United Nations, and Peace-Building Initiatives.....164

175.....محور چهارم: صلح اجتماعی، حقوق زنان و فناوری‌های نوین
The Fourth Axis: Social Peace, Women's Rights and New Technologies.....169

176.....حقوق بشر زنان در پرتو گسترش هوش مصنوعی
Women's Human Rights in Light of the Spread of Artificial Intelligence.....170

177.....کاربرد هوش مصنوعی در برقراری صلح اجتماعی در حوزه زنان
The Use of Artificial Intelligence in Establishing Social Peace in the Field of Women.....171

182.....آینده، فرصت‌ها و تهدیدهای پیش‌روی زن ایرانی
The Future, Opportunities and Threats Facing Iranian women

187..... رسانه‌های نوین و رفع شکاف اطلاعاتی زنان در جهت صلح اجتماعی	181
New Media and Solving the Information Gap of Women in the Direction of Social Peace.....	
188..... شبکه‌های اجتماعی رسانه‌ای، صلح و زنان	182
Social Media Networks, Peace, and Women.....	
193..... زنان و چشم‌انداز صلح در روند توسعه فناوری‌های بشردوستانه	187
Women and the Prospect of Peace in the Development Process of Humanitarian Technologies.....	
194..... جهانی‌شدگی فرهنگ و اجتماع از راه فناوری‌های نوین و تاثیر آن بر کاهش خشونت علیه زنان	188
Globalization of Culture and Society through New Technologies and Its Impact on Reducing Violence against Women.....	
199..... نقش زنان فعال در حوزه فناوری‌های نوین در صلح‌آفرینی	193
The role of active women in the field of new technologies in peacemaking.....	
200..... تاثیر فناوری‌های نوین بر توانمندی‌های سیاسی زنان	194
The Impact of New Technologies on Women's Political Abilities.....	
205.. محور پنجم: صلح اجتماعی و حقوق زنان و تغییرهای آب و هوایی	198
The Fifth Axis: Social Peace, Women's Rights and Climate Change.....	

206..... زنان و صلح آفرینی اقلیمی در جوامع بحران زده
Women and Climate Peace-Building in Crisis-Stricken
Societies.....199

207..... تاب‌آوری اجتماعی زنان گامی به سوی صلح اجتماعی

Women's Social Resilience: A Step towards Social Peace
200

211..... توان‌افزایی زنان در رویارویی پیامدهای ناقض صلح تغییرهای اقلیمی

Empowering Women in Facing the Peace-Violating
Consequences of Climate Changes.....204

212..... Women's Role in Sustainable Development

ضرورت نقش‌آفرینی زنان خاورمیانه در همکاری پیرامون رویارویی با تغییر

214..... اقلیم و تحقق عدالت اقلیمی

The Importance of Middle Eastern Women's Role in
Collaborating on Climate Change and Achieving Climate
Justice.....20

محور ششم: نگاهی به تجربه زنان و صلح اجتماعی در گستره جهانی
219

The Sixth Axis: Looking at the Experience of Women and Social Peace in the Global Scope.....211

صلح اجتماعی و نفی خشونت علیه زنان در مناطق مختلف.....220

Social Peace and Denial of Violence against Women in Different Areas.....212

نگاهی به تجربه زنان و صلح اجتماعی در آفریقا: بررسی موردی سکوی زنان برای صلح در کازامانس-سنگال.....221

Women's Experiences and Social Peace in Africa: A Case Study of the Women for Peace Platform in Casamance-Senegal.....213

توانمندسازی و مشارکت سیاسی زنان در روسیه: گفتمان‌ها و راهبردها.....226

Empowerment and Political Participation of Women in Russia: Discourses and Strategies.....218

مطالعه تطبیقی نسبت زنان و صلح اجتماعی در ایران، افغانستان و عربستان سعودی (۲۰۱۲-۲۰۲۲).....231

A Comparative Study of Women and Social Peace in Iran, Afghanistan and Saudi Arabia (2012-2022).....223

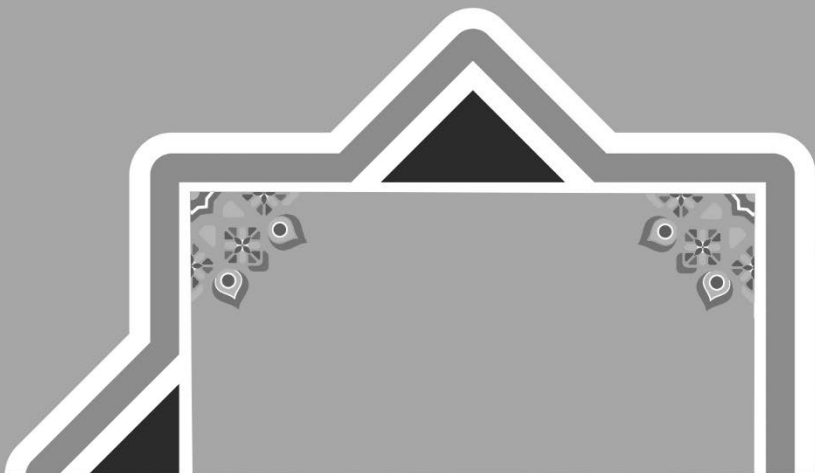
واکاوی تأثیر فقر و وضعیت ناصح در جامعه بر زندگی زنان افغانستان.....236

Analyzing the Impact of Poverty and Dispeace in the Society on the Lives of Afghan Women.....228

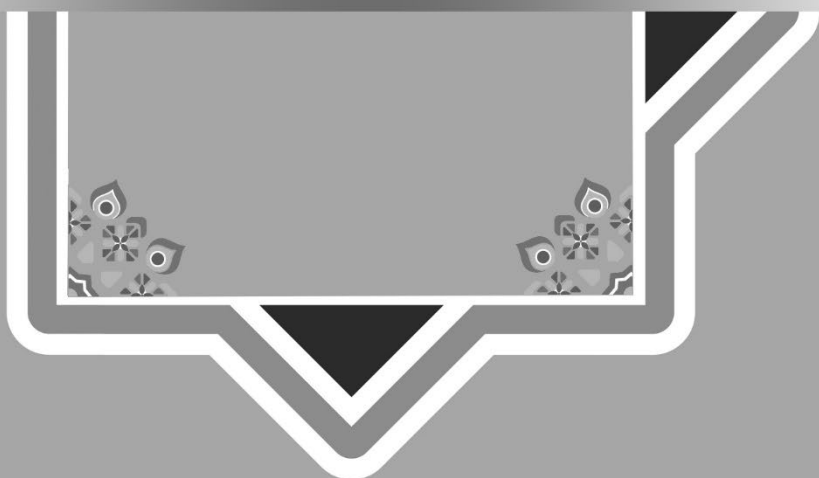
امکان‌سنجی نقش‌آفرینی زنان در تحقق صلح پایدار در غرب آسیا.....241

Feasibility of Women's Involvement in Realizing Perpetual Peace in West Asia.....232

کنوانسیون استانبول و خشونت علیه زنان در ترکیه.....	245
The Istanbul Convention and Violence against Women in Türkiye.....	236
آسیب‌شناسی خشونت‌ورزی علیه حقوق بنیادین زنان در جوامع مسلمان غرب آسیا و الزام‌های صلح‌سازی مثبت اجتماعی.....	250
A Pathological Investigation of Violence against Women's Fundamental Rights in the Muslim Societies of West Asia and the Requirements for Positive Social Peacemaking.....	241
چشم انداز امنیت انسانی، زنان و صلح در غرب آسیا.....	255
The Prospect of Human Security, Women, and Peace in West Asia.....	246
حضور زنان در میدان نبرد (مطالعه موردی اسرائیل).....	259
The Presence of Women on the Battlefield (a Case Study of Israel).....	250
اصلاحات در حوزه زنان؛ تلاش عربستان سعودی برای تحقق توسعه صلح‌محور.....	264
Reforms in the Field of Women: Saudi Arabia's Efforts to Achieve Peace-Oriented Development.....	255
بررسی تاریخی و مقایسه‌ای تحولات حقوق زنان در ایران و روسیه معاصر: تأثیر عوامل اجتماعی و سیاسی.....	268
A Historical and Comparative Study of the Evolution of Women's Rights in Contemporary Iran and Russia: the Impacts of Social and Political Factors.....	259
The False Agenda of Modern Feminism.....	272



سخن دبير علمى





امروزه موضوع خشونت علیه زنان و ضرورت گسترش و تحکیم صلح اجتماعی به یکی از دغدغه‌های جدی جامعه بشری تبدیل شده است. زنان همراه با کودکان همواره در طول تاریخ بشر، قربانیان خشونت‌های گوناگون بوده‌اند. ادامه یافتن این رفتارها در عرصه‌های عمومی و خصوصی با شکل‌ها و محتوای گوناگون، اراده استواری را در نهادهای سیاسی و غیرسیاسی داخلی و بین‌المللی به وجود آورده است. تجلی این اراده در نشست‌ها و گردهمایی‌های نهادهای فعال در عرصه‌های داخلی و خارجی، به ایجاد مجموعه‌ای از مقررات و قواعد در جهان کنونی منجر شده است که امید به کنترل و مهار «قدرت» را در حوزه‌های مختلف افزایش داده است. تا آنجا که در پایان قرن گذشته، رشته محکم و استواری از قواعد آمره در جهان ایجاد شد که امید «نهادگرایان آرمان‌خواه» را برای مهار و به کنترل درآوردن «قدرت» در نظام بین‌الملل و نیز عرصه‌های داخلی افزایش داد.

بی‌تردید «حقوق بشردوستانه» از دستاوردهای این تلاش خستگی‌ناپذیر برای در کنترل قراردادن انگیزه‌های قدرت‌طلبانه و سودجویانه به بهای



پایمال کردن ارزش‌های بشری بوده است. همراه با این دستاوردها، گروه‌های بزرگی از اندیشمندان، سیاستمداران، کنشگران مدنی و سیاسی در حوزه‌های مختلف مبارزه با خشونت و ترویج صلح اجتماعی را هدف قرار داده‌اند. بی‌تردید گفتمان‌سازی و فرهنگ‌سازی در این زمینه، سبب ایجاد تمرکز بیشتر و کم‌سابقه بر مسأله «خشونت‌پرهیزی» و تحکیم و استوارسازی «صلح اجتماعی» و شکل‌های گوناگون آن شده است. فرصتی فراهم شد تا با همت انجمن علمی مطالعات صلح، با یاری دانشگاه تهران و برخی از دانشگاه‌ها و موسسه‌های دیگر، از حدود دو سال پیش این تکاپوی علمی را در جهت گسترش فرهنگ صلح و نفی خشونت‌ورزی آغاز کنیم. به دلیل شکل‌گیری جنبش زن، زندگی، آزادی و بحران سیاسی-اجتماعی پاییز 1401، برگزاری این همایش یک‌سال به تاخیر افتاد.

در پاسداری از استانداردهای علمی و پژوهشی، اعضای محترم کمیته علمی و داوران دقیقی از دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبایی، فردوسی، جمعیت حمایت از حقوق بشر زنان، انجمن ایرانی مطالعات زنان، انجمن ایرانی مطالعات غرب آسیا یاری‌رسان ما بودند. تلاش‌های خانم دکتر زهرا نژادبهرام، خانم دکتر ندا حاجی وثوق، خانم دکتر کتایون مصری و پشتیبانی و پیگیری خانم دکتر ماندانا تیشه‌یار امکان دستیابی به هدف‌های موردنظر از برگزاری این همایش بین‌المللی را در این مرحله فراهم ساخته است. بسیاری از دوستان و همراهان دیگر نیز در هموارکردن این



مسیر ما را یاری کرده‌اند، از همهٔ آنان صمیمانه سپاسگزارم و قدردان تکاپوهایشان هستم.

و اینک در آغاز آذر 1402 در شرایطی خون‌بار و هراس‌انگیزی که مایهٔ شرمساری جامعهٔ جهانی است و غیرنظامیان در غزه، به‌ویژه زنان و کودکان به‌سختی گرفتار شده‌اند و به بیان نماینده‌ای در مجلس بریتانیا «جهنم از آسمان می‌بارد»، این همایش امکان برگزاری یافته است. برگزارکنندگان «همایش بین‌المللی زنان و صلح اجتماعی» امید دارند که این گام کوچک در تقویت «فرهنگ صلح و گفت‌وگو»، در پرتو «احترام به کرامت انسان‌ها» و «ارزش‌گذاشتن برای حقوق بشر»، در روند ارتقاء آرمان‌های انسانی و ترویج آرامش و امنیت داخلی و بین‌المللی موثر باشد. ما بر این باور هستیم که با وجود مناسبات قدرت و توزیع همچنان نابرابر قدرت در سطوح گوناگون جامعه بشری، تلاش‌های علمی و عملی در جهت اصلاح همه‌جانبهٔ روابط ناعادلانهٔ قدرت، سودمند و کارساز خواهد بود.

الهه کولایی - استاد دانشگاه تهران - پاییز 1402



The note of the scientific secretary

Today, the issue of violence against women and the necessity of expanding and strengthening social peace have become serious concerns for human society. Throughout human history, women, along with children, have always been victims of various forms of violence. The continuation of these behaviors in public and private spheres, with diverse forms and contents, has led to a strong determination in domestic and international political and non-political institutions. The manifestation of this determination in the meetings and gatherings of active institutions both domestically and internationally has resulted in the creation of a set of regulations and rules in the current world, increasing hopes for controlling and managing "power" in various areas.

To the extent that by the end of the last century, a robust framework of rules emerged in the world, enhancing the hopes of "idealistic institutions" to control and regulate "power" in the international system and domestic arenas. Undoubtedly, "human rights" have been one of the achievements of this tireless effort to control power-driven and profit-seeking motives at the expense of human values. Alongside these achievements, large groups of intellectuals, policymakers, civil and political activists have aimed to combat violence and promote social peace in various fields. The discourse and culture-building in this area have created a greater focus on the issue of "violence



prevention" and the strengthening of "social peace" and its various forms.

An opportunity arose to initiate this scientific endeavor in the direction of promoting a culture of peace and rejecting violence with the collaboration of the Scientific Society for Peace Studies, supported by the University of Tehran and some other universities and institutions, about two years ago. Due to the emergence of the woman's movement, life, freedom, and the political-social crisis in the autumn of 1401, the organization of this conference was delayed for one year.

In upholding scientific and research standards, the esteemed members of the scientific committee and meticulous judges from the University of Tehran, Alameh Tabatabai, Ferdowsi, the Society for Advocating Women's Human Rights, Iranian Association of Women's Studies, and the Iranian Association of West Asian Studies supported us. The efforts of Dr. Nejadbahram, Dr. Haji Vosough, Dr. Mesri, and the support and follow-up of Dr. Tisheyar have made it possible to achieve the intended goals of organizing this international conference at this stage. Many other friends and allies have also helped us in smoothing this path, and I sincerely thank all of them for their efforts.

Now, in the beginning of November 1402, in the midst of a bloody and terrifying situation that is a source of shame for the global community, and with non-combatants in Gaza, especially women and children, struggling, as stated by a representative in the British Parliament, "hell raining from the sky," this conference has found the opportunity to be held. The organizers of the "International Conference on Women and Social Peace" hope that this small step in



strengthening the "culture of peace and dialogue," in the light of "respect for human dignity" and "valuing human rights," will be effective in the process of promoting human ideals and promoting internal and international peace and security. We believe that despite the power relations and the still unequal distribution of power in various levels of human society, scientific and practical efforts towards rectifying the comprehensive injustice of power relations will be beneficial and effective.

Elaheh Koolaee

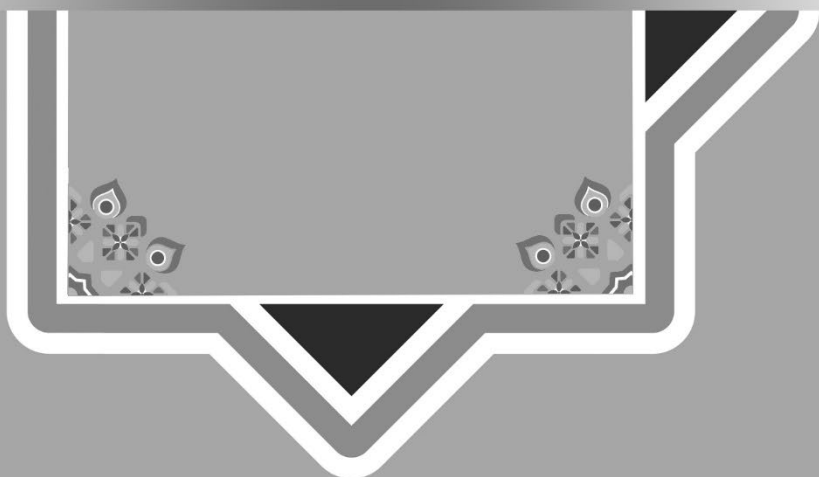
Professor at the University of Tehran

Autumn 1402



محور اول: صلح اجتماعی و زمینه‌های خشونت-

ورزی علیه زنان





ریشه‌های ساختاری - اجتماعی خشونت‌ورزی علیه

زنان





ریشه‌های ساختاری - اجتماعی خشونت‌ورزی

علیه زنان در جوامع بنیادگرای دینی

^۱سمیه توسلی

^۲نسلیشاه باشبو

در عصر حاضر یکی از بارزترین نشانه‌های توسعه‌یافتگی یک جامعه را می‌توان، میزان گرایش به عقلانیت و آگاهی شهروندان آن جامعه، در مسائل اجتماعی دانست. از سویی، هرچه میزان عقلانیت در یک جامعه کمتر باشد، به همان میزان خشونت‌ورزی علیه زنان بیشتر می‌شود. از همین رو، امروزه بیشترین میزان خشونت‌ورزی علیه زنان را در جوامع بنیادگرای دینی می‌توان مشاهده کرد. این درحالی است که هرگونه ایجاد تغییر در این نگرش و مخالفت با آن توسط زنان یا اندیشمندانی که دغدغه حقوق زنان را دارند، منجر به سرکوب، تحقیر و تکفیر آنها می‌شود. بسیاری از عوامل خشونت‌ورزی علیه زنان در جوامع بنیادگرای دینی را می‌توان در مواردی چون: اعتقاد به عیان‌بودگی حقیقت و انحصارگرایی در دریافت آن، نگاه غیرتاریخ‌مند به قرآن و سنت، خشونت نهفته سیاسی - اجتماعی حاکمان دینی علیه انسان، نگاه غیرواقعه‌گرا به جامعه، انسان و نیازهای او

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌المصطفی العالمیه، s.tavassoli.95@gmail.com

^۲ دانشجوی دکتری جامعه‌المصطفی العالمیه، basbugneslisah@gmail.com



خلاصه کرد. بنابراین هدف از نگارش این مقاله بررسی و تحلیل منابع دینی با نگاهی انتقادی و تحلیلی و کشف ریشه‌های ساختاری-اجتماعی خشونت‌ورزی علیه زنان در جوامع بنیادگرای دینی و ارائه راهکارهایی برای عبور از این مسئله است. برای رسیدن به این هدف از رویکرد تحلیل کیفی استفاده شده است. روش اطلاع‌یابی نیز، اسنادی یا سندکاوی بوده که به شیوه استنتاجی و دیگر روشهای همسو با آن تحلیل می‌شود. شایان یادآوری است مراد از خشونت در این مقاله، هرگونه رفتار و کنشی است که با آزادی عملی و عقلانیت نظری سازگاری نداشته باشد. همچنین آن دسته از خشونت‌های اجتماعی‌ای مورد نظر است که به‌طور مستقیم ریشه‌های دینی داشته و مراد از دین هم متن‌های اسلامی و نگرش دینی حاکم بر جوامع بنیادگرای دینی است.

واژگان اصلی: زن، جامعه، خشونت‌ورزی، بنیادگرایی، عقل‌گرایی.



The Socio-Structural Origins of Violence Against Women in Religious Fundamentalist Societies

Somaye Tavasoli¹

Nashah Bashbo²

In today's societies, a clear indicator of societal development lies in the level of rationality and awareness among their citizens regarding social issues. In other words, societies with lower levels of rationality tend to exhibit higher rates of violence against women. Consequently, religious fundamentalist societies currently experience the highest levels of violence against women. Any attempts to challenge this status quo by women or intellectuals advocating for women's rights often lead to their suppression, humiliation, and excommunication. Various factors contribute to violence against women in these societies, including the belief in the absolute truth and its exclusive reception, a non-historical interpretation of the Qur'an and Sunnah, as well as the hidden political and social violence perpetrated by religious leaders against

¹ PhD Candidate, Al-Mustafa International University, Iran.

Email: s.tavassoli.95@gmail.com.

² PhD Candidate, Al-Mustafa International University, Iran.

Email: basbugneslisah@gmail.com.



individuals. This paper aims to critically and analytically examine religious sources, uncover the structural and social origins of violence against women in religious fundamentalist societies, and propose solutions to address the issue. To achieve this, we employed a qualitative analysis approach, utilizing document mining and inferential analysis alongside complementary methods. It is essential to note that, in this paper, violence is defined as any behavior or action contradicting practical freedom and theoretical rationality. It also encompasses those forms of social violence directly rooted in religion, specifically Islamic texts and the prevailing religious attitudes within religious fundamentalist societies.

Keywords: Woman, Society, Violence, Fundamentalism, Rationalism.



رابطه میان توسعه و خشونت‌ورزی علیه زنان

^۱بابک ارسیا

خشونت علیه زنان یک پدیده قدیمی و به نسبت گسترده در همه جوامع است. جامعه ایرانی که در حال گذار نسبی از سنت به مدرنیته بوده و از پدرسالاری به پذیرش تساوی حقوق در حال حرکت، اگرچه صعودی اما سینوسی است از این قاعده جدا نیست. این مقاله بر اساس یک پژوهش پیمایشی و کیفی در نیمه اول سال 1401، نگاشته شده است. پرسش پژوهش این است که: آیا در ایران امروز با وجود رگه‌هایی از توسعه پایدار به‌ویژه توسعه فرهنگی، کاهش خشونت علیه زنان روبه رشد است؟ و آیا در اساس رابطه‌ای بین توسعه و کاهش خشونت علیه زنان وجود دارد؟ فرضیه پژوهش این است که توسعه ناموزون برای نمونه صرف توسعه اقتصادی تاثیر چندانی بر کاهش خشونت ندارد. چارچوب نظری از رهیافت ترکیبی در حوزه خشونت خانگی و نظریه فمینیستی و به‌ویژه حوزه امنیت وجودی از دیدگاه گیدنز است. قلمرو تحقیق نیز شهر تهران است. حجم نمونه‌گیری 483 مورد بوده است که از فرمول کوکران با توجه به جمعیت تهران بیشتر است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در ایران روند خشونت علیه زنان در مناطق کم‌برخوردار (اقتصادی و فرهنگی) بیشتر است. اما از نظر جغرافیایی و اقلیمی میزان خشونت از شمال به جنوب و



از شرق به غرب تهران افزایش تدریجی و گاه صعودی داشته است. مسایل فرهنگی (مانند میزان تحصیلات و شغل) به‌عنوان متغیر تاثیرگذار نیز مورد توجه بوده است، اما الگوی کلی این امر را تایید می‌کند. همچنین 63/8 درصد از زنان با تحصیلات لیسانس و بالاتر معتقدند که خشونت در ایران خاستگاه فرهنگی و ناشی از مبانی فقهی دارد. یعنی فقه نتوانسته و یا به اقتناع کافی نرسیده است که بر اساس نیازهای جامعه امروز خود را به‌روزرسانی کند. از طرفی در 18/4 درصد از مواردی که وضعیت اقتصادی زنان بسیار بالاتر از مردان است، امکان بروز خشونت زنان علیه مردان و یا داوطلبی زنان برای طلاق بیشتر است. یافته دیگر پژوهش این است توسعه اقتصادی هم می‌تواند عاملی برای کاهش خشونت علیه زنان باشد و هم می‌تواند موجب افزایش خشونت شود. اما در میان خانواده‌هایی که در سال‌های 1391 تا 1401 امکان رشد فرهنگی در کنار رشد اقتصادی وجود داشته است، خشونت به میزان 78/1 درصد کاهش یافته است. نکته آخر اینکه در 46 درصد از موارد، افزایش تحصیلات خشونت علیه زنان را کاهش داده است.

واژگان اصلی: زنان، توسعه، خشونت، تهران، تحصیلات



The Relationship between Development and Violence Against Women

Babak Arsia¹

Violence against women is a longstanding and relatively widespread phenomenon in all societies. Iranian society, in the process of transitioning from tradition to modernity and from patriarchy to the acceptance of equal rights, is not exempt from this rule, despite its upward and sinusoidal movement. The present paper is based on a survey and qualitative research conducted in the first half of 2022. The research questions are as follows: (1) Is there a growing trend in reducing violence against women in contemporary Iran, given the traces of sustainable development, especially cultural development, in this country? (2) Is there a relationship between development and the reduction of violence against women? The research hypothesis is that uneven development, like mere economic development, does not have a large impact on reducing violence. The theoretical framework applied in this study is a combination of domestic violence and feminist theories, especially Giddens' Ontological Security theory. The

¹ PhD in Political Science and Assistant Professor at the Academic Center for Education, Culture and Research (ACECR).



research area was Tehran, and the sample consisted in 483 cases, which, according to the population of Tehran, is larger than the Cochran formula. The research findings indicate that there is a higher trend of violence against women in the less economically and culturally privileged areas of Iran. However, in geographical and climatical terms, the level of violence did gradually and sometimes upwardly increase from north to south and from east to west of Tehran. Cultural issues (such as education and occupation) have also been considered as influential variables, but the overall pattern confirms the findings. Additionally, 63.8% of women with a bachelor's and higher degrees believe that violence in Iran has cultural origins and stems from jurisprudence. This means that jurisprudence has not been able or persuaded enough to update itself based on the needs of today's society. On the other hand, in 18.4% of cases where women's economic status was much higher than that of men, there was a higher possibility of women's violence against men or women volunteering for divorce. Another finding of the research was that economic development can both reduce violence against women and increase it. However, in the families where there has been a possibility for cultural growth alongside their economic growth in the years between 2012 and 2022, violence has decreased by 78.1%. Finally, in 46% of cases, increased education has reduced violence against women.

Keywords: Women, Development, Violence, Education, Tehran.



بنیان‌های فرهنگی- عرفی خشونت‌ورزی/ منع خشونت علیه زنان.....

بنیان‌های فرهنگی- عرفی خشونت‌ورزی/ منع

خشونت علیه زنان



زنان؛ مقایسه سه رهیافت: تبعیض جنسیتی یا عدالت اجتماعی

دکتر محمد منصورنژاد^۱

پرسش اساسی که در این نوشتار مورد بررسی قرار می‌گیرد، به قرار زیر است: در کشور ما چرا نقش زنان در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، مدیریتی نسبت به مردان بسیار پایین‌تر است؟ در پاسخ بدین پرسش می‌توان مجموعه دلایل، علل و عوامل مؤثر را در دو سطح تقلیل داد: اول:

^۱ دکتری علوم سیاسی و عضو هیئت مدیره انجمن علمی مطالعات صلح ایران
dr.m@mansoornejad.com



زنان؛ مقایسه سه رهیافت: تبعیض جنسیتی یا عدالت اجتماعی.....

عواملی که به فرهنگ غیردینی باز می‌گردد؛ دوم: عواملی که به فرهنگ دینی و اسلامی باز می‌گردد. در این نوشتار تأکید و تمرکز بر مباحثی است که به بسترهای دینی و اسلامی نبود حضور پر رنگ زنان باز می‌گردد و تبعیض جنسیتی را باز تولید می‌نماید، هر چند در رویکردهای جدید دینی، برداشتهای عدالت مدار هم مطرح می‌شوند. به نظر می‌رسد که نگاه و رهیافت فرهنگ غالب ایران امروز را که شیعی است، می‌توان در سه رهیافت و نگرش زیر خلاصه کرد: اول: رهیافتی که هم در مبنا و هم در بنا، به تحقیر زن و به تبعیض علیه زنان می‌انجامد. دوم: رهیافتی که در مبنا گرایش به عدالت اجتماعی دارد، اما در بنا علیه زنان تبعیض مدار می‌ماند. سوم: رهیافتی که در مبنا و بنا در مباحث زنان سعی بر عدالت محوری دارد. در این مقاله ضمن تبعیض‌آلود دانستن دو رهیافت نخستین؛ از رهیافت سوم دفاع می‌شود. به عبارت دیگر تمام سخن اینجا آن است که در باب مطالعات زنان در این سامان، تا مبنای فکری نخست: عوض نشود و دوم بنای متناسب با آن تعریف نشود، امکان تصحیح در نگاه تبعیض‌آلود به مسایل حقوقی و سیاسی زنان ممکن نیست. نگارنده در این نوشتار تلاش دارد تا با بهره‌گیری از نقل و عقل، ضمن رد رهیافتهای تبعیض‌آلود، از برابری زنان و مردان در مبنا و بنا و در تمام حیطه‌ها دفاع کند.

واژگان اصلی: عدالت جنسیتی، تبعیض جنسیتی، فرهنگ دینی، عدالت، زن.



Gender Discrimination or Social Justice: A Comparative Analysis of Three Approaches towards Women

Mohammad Mansoornejad¹

The central inquiry addressed in this paper is why women's role in cultural, social, and managerial domains is significantly lower than that of men in Iran. To answer the question, the array of causes and influential factors can be categorized into two broad levels: (1) the factors stemming from non-religious cultural aspects; and (2) the factors originating from religious and Islamic cultural elements. Despite the emergence of justice-oriented perspectives in new religious paradigms, the paper primarily focuses on the aspects rooted in religious and Islamic elements that contribute to the limited presence of women and perpetuate gender discrimination. It appears that the prevailing culture in Iran today, which is predominantly Shiite, can be encapsulated in three distinct approaches: Firstly, the approach fostering the marginalization and discrimination against women at both foundational and structural levels; secondly, the approach grounded in social justice, yet still perpetuating discrimination against women; thirdly, the approach that endeavors to prioritize justice in matters concerning women both foundationally and structurally.

PhD in Political Science and Board Member at Iranian Peace Studies¹
Scientific Association. Email: dr.m@mansoornejad.com.



زنان؛ مقایسه سه رویافت: تبعیض جنسیتی یا عدالت اجتماعی.....

The present paper advocates for the third approach and regards the first two approaches as discriminatory. In essence, concerning women's studies within this context, the crux of the matter is that to rectify the discriminatory perspectives on legal and political issues pertaining to women, it is imperative to change the intellectual foundations and establish an appropriate structure. Through narrative and reasoning, the researcher has endeavored to champion gender equality in foundation, structure, and across all spheres and reject all discriminatory approaches towards women.

Keywords: Gender justice, Gender Discrimination, Religious Culture, Justice, Women.



حکمرانی برای صلح؛ نقش نهادهای قدرت در برقراری و تثبیت صلح



سه‌م زنان ایرانی از قدرت سیاسی

ابراهیم اخلاصی^۱

تحقق بهره‌مندی زنان ایرانی از قدرت سیاسی مستلزم تمرکز بر تقویت و گسترش توسعه سیاسی اجتماعی در کشور و تضمین برابری و مشارکت سیاسی در چارچوب حکمرانی خوب است. وضعیت زنان در جامعه ایران در گذشته و قبل از ظهور نهضت مشروطه به دلیل سلطه پادشاهان و حکومت‌های موروثی و الیگارش‌ی باعث شده بود تا زنان حداکثر و تنها در حوزه‌های خانه‌داری، کشاورزی، دامداری و خوشه‌چینی مشغول فعالیت باشند. علیرغم وقوع انقلاب مشروطه، تاسیس مجلس، نگارش قانون اساسی و رسمیت یافتن مشارکت سیاسی بویژه برای جامعه زنان ایران، متأسفانه این مطالبه جدی و حقوق اساسی برای زنان تحقق پیدا نکرده و سهمی از قدرت سیاسی شامل زنان ایرانی نشد. اساسی‌ترین دلایل این امر را می‌توان در یک فرآیند تاریخی در گذشته جستجو کرد که بی‌سوادی بخش اعظم جامعه زنان، نبود اجبار در آموزش همگانی و زیربنای سنتی جامعه زن‌ستیز بخشی از آن بوده است. این فرآیند در پهلوی دوم و به واسطه انقلاب سفید دچار تحول شد و تا سال 1354 هشت زن وارد مجلس، سه زن وارد دولت و یک زن وزیر شد. در پی وقوع انقلاب 1357،

¹ مدرس دانشگاه و پژوهشگر ekhlasiebrahim@gmail.com



شرایط زنان دچار تحول شد و در اولین گام هفت حزب و جریان سیاسی و اجتماعی به زنان اختصاص یافت؛ ولی این روند با فراز و فرودهایی همراه بوده است که از زوایای مختلف قابل تامل است. به همین منظور در این مقاله با استفاده از چارچوب نظری حکمرانی خوب و به استناد شاخص مشارکت سیاسی به بررسی تطبیقی دوره زمانی 1357 تا 1380 پرداخته شد. پرسش اصلی عبارت است از اینکه نوسان‌های حاکم بر وضعیت مشارکت سیاسی زنان در دو دهه نخست انقلاب اسلامی چگونه بوده است؟ فرضیه مقاله ادعا دارد شرایط حاکم بر روند مشارکت سیاسی زنان و سهم آنان از قدرت با درگذشت آیت الله خمینی و گذشت زمان، دچار اعمال سلیقه و تفسیر به رای شده و از روند کاهشی برخوردار بوده است.

واژگان اصلی: سهم زنان، قدرت سیاسی، حکمرانی خوب، مشارکت سیاسی، تحول.



Iranian Women's Share of Political Power

Ibrahim Ekhlesi¹

The realization of Iranian women's political empowerment requires strengthening and expanding the social and political development in the country, ensuring equality and political participation within a good governance framework. Historically and before the occurrence of the constitutional movement, the dominance of hereditary and oligarchy rulers and governments had constrained Iranian women to such traditional roles as housekeeping, agriculture, animal husbandry, and gleaning. Despite the occurrence of the constitutional revolution, the establishment of the parliament, the writing of the constitution, and the formalization of political participation of people, especially Iranian women, the demand for women's basic rights was not realized, and the Iranian women continued to be excluded from political power. The main reasons for the failure might be sought in factors like the illiteracy of the majority of Iranian women, lack of compulsory public education, and the anti-feminist societal norms. However, the White Revolution in the second Pahlavi period brought significant changes, in a way by 1975, eight women entered the parliament, three entered the government, and one became a minister. Following the

¹ University lecturer and researcher. Email: ekhlesiebrahim@gmail.com.



1979 Revolution, there was a drastic change in women's status, their political participation increased, and seven parties and political and social currents were assigned to women. Nonetheless, the process has been accompanied by ups and downs which can be considered from different viewpoints. Using good governance as its theoretical framework and giving due consideration to the political participation indicator, the present paper has conducted a comparative study for the period from 1979 to 2001 and tried to answer how the status of women's political participation fluctuated in the first two decades of the Islamic Revolution. The paper hypothesizes that, following Ayatollah Khomeini's demise and the passage of time, the conditions governing women's political participation and their share of power have been influenced by individual preferences and eiseges, leading to a decrease in women's share of political power.

Keywords: Women's Share, Political Power, Good Governance, Political Participation, Transformation.



مشارکت زنان در روند مذاکرات صلح

¹شراره عبدالحسینزاده

بیش از دو دهه پس از تصویب قطعنامه 1325 در سال 2000 در شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌گذرد و غیبت چشمگیر زنان در مذاکرات رسمی صلح، شکاف نگران‌کننده‌ای را بین آرمان‌های تعهدهای بی‌شمار جهانی، منطقه‌ای و واقعیت فرآیندهای صلح آشکار می‌کند. مشارکت زنان در پیشگیری و حل تعارض می‌تواند نتایج را قبل، در جریان

¹ دکتری علوم سیاسی، پژوهشگر حوزه جامعه‌شناسی سیاسی

sh.abdolhoseinzadeh@gmail.com



و بعد از درگیری بهبود بخشید. اما زنان اغلب از فرآیندهای رسمی صلح حذف می‌شوند. در سال‌های 1992 تا 2019، زنان به‌طور میانگین 13 درصد از مذاکره‌کنندگان، 6 درصد میانجی‌گران و 6 درصد از امضاکنندگان فرآیندهای صلح بزرگ در سراسر جهان را تشکیل می‌دادند. در حالی که پیشرفت‌هایی در مشارکت زنان حاصل شده است، اما از هر ده روند مذاکرات صلح کمتر از هفت مورد شامل زنان میانجی یا امضاکنندگان زن می‌شود. از سوی دیگر حضور کم‌رنگ و اندک زنان در نقش‌های رهبری به عنوان مذاکره‌کننده، ضامن یا شاهد در مذاکرات رسمی صلح است. تلاش‌هایی از سال 2020 به طور مشابه برای مشارکت دادن زنان در روند مذاکرات شده است. اما زنان به‌ویژه در کشورهای کمتر توسعه‌یافته مشارکت فراگیری در روند حل منازعه‌های سیاسی رسمی کشور خود ندارند. به طوری که زنان تنها حدود 10 درصد از مذاکره‌کنندگان در مذاکرات افغانستان و تنها 20 درصد از مذاکره‌کنندگان در بحث‌های سیاسی لیبی را نمایندگی کردند و هیچ سهمی در مذاکرات نظامی لیبی و روند اخیر یمن و همچنین روند مذاکرات برجام در ایران را ندارند. در این پژوهش با نگاهی به روند مذاکرات رسمی صلح در چند کشور، به نقش و تاثیر مشارکت زنان در تیم مذاکرات و حل منازعه پرداخته خواهد شد.



مشارکت زنان در روند مذاکرات صلح.....

واژگان اصلی: زنان، مذاکرات رسمی، تبعیض جنسیتی، صلح، مشارکت سیاسی.



Women's Participation in the Peace Negotiations Process

Sharareh Abdol Hoseinzadeh¹

It has been over twenty years since the United Nations Security Council adopted Resolution 1325 in 2000, and the remarkable absence of women in official peace negotiations highlights a significant disparity between the aspirations of numerous global and regional commitments and the actual practice of peace processes. Women's involvement in conflict prevention and resolution can enhance outcomes before, during, and after conflicts. However, women are frequently excluded from formal peace processes. From 1992 to 2019, women made up an average of 13 per cent of negotiators, 6 per cent of mediators, and 6 per cent of signatories in major peace processes worldwide. Although there has been some progress in women's participation, fewer than seven out of ten peace negotiations involve women as mediators or signatories. On the other hand, there is a noticeable absence of women in leadership roles as negotiators, guarantors, or witnesses in official peace negotiations. Moreover, despite the efforts made since 2020 to

¹ PhD in Political Science & Researcher in Political Sociology.
Email: sh.abdolphoseinzadeh@gmail.com.



incorporate women into negotiation processes, women, particularly in less developed countries, are not fully engaged in their country's official political conflict resolution process. For example, women have represented only about 10% of negotiators in the Afghan negotiations and only 20% of negotiators in the political discussions in Libya. They had no representation in the military negotiations in Libya, the recent process in Yemen, and the JCPOA negotiations in Iran. This research will examine the role and impact of women's participation in the negotiation and conflict-resolution teams by exploring the official peace negotiations in several countries.

Keywords: Women, Formal Negotiations, Gender Discrimination, Peace, Political Participation.



صلح مثبت؛ راه‌کاری برای بازداری خشونت سیاسی نسبت به زنان

^۱ شیوا مدرس‌زاده

^۲ فرناز بیات

^۱ دکتری جامعه‌شناسی، گرایش گروه‌های اجتماعی، مدرس دانشگاه و پژوهشگر در زمینه مسایل زنان، ایمیل: shiva.modareszade@yahoo.com

^۲ کارشناس ارشد مترجمی زبان انگلیسی، فعال حوزه زنان، ایمیل: f56bayat@gmail.com



صلح مثبت؛ راهکاری برای بازداري خشونت سياسي نسبت به زنان .

توسعه شهرها و افزايش جمعيت شهرنشين ساکن در آن، آينده جهان ما را متأثر از خود خواهد ساخت. بر اساس آخرين سرشماری‌ها تا سال 2050، به طور متوسط بيش از نيمي از ساکنان زمين در شهرها سکونت خواهند کرد؛ کشور ما از اين ميانگين سبقت خواهد گرفت و بيش از هفتاد درصد جمعيت آن در شهرها زندگي خواهند کرد؛ بر اين اساس شهرنشيني در آينده به عنوان ساکن حرکت توسعه بشري خواهد بود و تعامل و تلاش براي ايجاد فرصت مشارکت اجتماعي و سياسي، در بستري فراگير و عمومي، کانون توجه بشر را رقم مي‌زند؛ در اين ميان، زنان نيز که نيمي از جمعيت شهرها را تشکيل مي‌دهند، در جستجوي راهکارهاي مؤثر براي حضور خود خواهند بود. در اين راستا «رواداري» که از مؤلفه‌هاي مهم «صلح» محسوب مي‌شود، نقطه کانوني اين حرکت است چراکه مسئله «توانمندشدن در امر رواداري» ضرورتي انکارناپذير در تعريف صلح است و اين مسئله در بستر اين تعريف، به معنای نفی خشونت، تنش و درگيري قابل ديدن است. در واقع وقتی حق طبيعي معيار سنجش قرار گيرد، رواداري جای خود را کسب مي‌کند و زنان مي‌توانند به دور از تبعيض ناشی از خشونت و با امنيت، مفهوم مشارکت را تعريف و تجربه کنند و آنجاست که «گفت‌وگو» شکل مي‌گيرد و رواداري نصب‌العين صلح اجتماعي مي‌شود. مفهوم صلح اجتماعي، از آنجا که به روابط سطوح قدرت و همچنين طراحي و توجه دولت به منافع همه گروه‌هاي اجتماعي وابستگي دارد، با عرصه سياست پيوند دارد و از جمله عوامل مهم بازدارنده



هر نوع خشونت و تبعیض مذهبی، سیاسی، قومی، جنسیتی و طبقاتی محسوب می‌شود؛ در این میان «صلح مثبت» علاوه بر ایجاد امنیت برای زنان و مردان، نتایج دیگری هم در پی دارد که منجر به تاب‌آوری، هم‌زیستی و مشارکت اجتماعی سیاسی می‌شود و همچنین محیط بهینه‌ای برای رشد ظرفیت‌های انسانی ایجاد می‌کند. «صلح مثبت» هشت رکن دارد که شامل «توزیع عادلانه منابع»، «جریان آزاد اطلاعات»، «دسترسی به فرصت رسمی و غیررسمی»، «سرمایه انسانی بالا»، «پذیرش حقوق دیگران»، «فساد کم»، «سلامت محیط کسب و کار» و «عملکرد خوب دولت» است. در نتیجه، صلح مثبت را که زیرمجموعه صلح اجتماعی است، می‌توان پدید آورنده محیطی عاری از خشونت برای توانمندشدن سیاسی زنان توصیف کرد. این پژوهش، روش کیفی و از نوع تحلیل روایت به کار گرفته شده است؛ یافته‌های این پژوهش برآمده از 29 مصاحبه روایی از زنان صاحب سمت سیاسی و خشونت وارده بر آن‌ها در این عرصه است. روایت آن‌ها حکایت از موانع سیاسی و غیرسیاسی ناشی از مشارکت سیاسی در سطح کلان سیاسی در جامعه شهری دارد؛ پرسش اصلی این پژوهش چگونگی فرآیند توانمندشدن سیاسی با تاکید بر مولفه‌های صلح مثبت است و اینکه چگونه با بهره‌گیری از عناصر صلح مثبت می‌توان بر خشونت واردشده بر زنان در عرصه سیاست کاست؟



صلح مثبت؛ راهکاری برای بازسازی خشونت سیاسی نسبت به زنان .

واژگان اصلی: صلح اجتماعی، رواداری، صلح مثبت، زنان، خشونت سیاسی، توانمندشدن سیاسی.



Positive Peace as a Solution to Prevent Political Violence Against Women

Shiva Modareszadeh¹

Farnaz Bayat²

The growth of cities and the increasing urban population will have significant implications for the future of the world. According to the latest census, by 2050 more than half of the world's population will reside in cities on average, and Iran will exceed the average by having over seventy per cent of its population living in urban areas. Accordingly, urbanization will be a major driving force in human development, and the interaction and effort to create opportunities for social and political participation in a comprehensive and general context will be the focus of public attention. Meanwhile, women, making up half of the urban population, will also be seeking effective solutions to their inclusion in this movement. In this regard, “tolerance”, as a key component of “peace”, will be the

¹ PhD in Sociology: Social Groups, university lecturer and researcher in Women's Studies. Email: shiva.modareszade@yahoo.com.

² Master's degree in English Translation, active in women's Studies. Email: f56bayat@gmail.com.



focal point of the movement, since “being empowered in terms of tolerance” is an essential component in defining peace. In this context, tolerance means the negation of any observable violence, tension, and conflict. Where natural rights are considered as the standard of measurement, tolerance gains its due place, and women find the opportunity to define and enjoy real participation in society without fearing the discrimination caused by violence. In this situation, a real “dialogue” will take place, and tolerance will turn into a goal of social peace. As social peace depends on the relations between different power levels and the government’s attention to the interests of all social groups, it has undeniable ties with politics and prevents any religious, political, ethnic, gender, or class violence and discrimination. In the meantime, besides creating security for women and men, positive peace has other consequences that lead to tolerance, coexistence, and social and political participation and create an optimal environment for the growth of human capacities. “Positive peace” has eight pillars, namely the “fair distribution of resources”, “free flow of information”, “access to formal and informal opportunities”, “high human capital”, “acceptance of the rights of others”, “low corruption”, “healthy business environment”, and “good government performance” and creates an environment free from violence for women’s political empowerment. The present research utilized a qualitative and narrative analysis method based on 29 narrative interviews with women holding political positions and the violence they faced in the field. The research aimed to explore the process of political empowerment with an emphasis on the components of positive peace and how to reduce violence against women in the field of politics by utilizing the



elements of positive peace. The findings of the research shed light on the political and non-political obstacles faced by women participating in politics at a macro-political level in an urban society.

Keywords: Social Peace, Tolerance, Positive Peace, Women, Political Violence, Political Empowerment.



حق پوشش زنان و نقش آن در ارتقای صلح اجتماعی

ندا حاجی و ثوق^۱

امروزه، پوشش زنان به عنوان نمادی از هویت فردی و اجتماعی تبدیل به مساله‌ای جدی در فضای بین‌ذهانی و واقعی جامعه ایران شده است. تحولات اساسی در سبک زندگی و باورهای افراد جامعه و از جمله زنان

^۱ عضو هیئت مدیره و مسئول کمیته زنان و صلح انجمن علمی مطالعات صلح ایران
vosough62@gmail.com



سبب شده، زنان از پوشش به عنوان کنشی معطوف به هدف، به معنای استفاده از پوشش به عنوان ابزاری برای دستیابی به هدف خاص بهره‌گیرند. در این رویکرد، پوشش به عنوان وسیله‌ای برای هدف برابری جنسیتی و ایجاد فرصت‌های حقوقی، اجتماعی و اقتصادی برابر و در یک کلام مخالفت با ساختار موجود استفاده می‌شود. استفاده از پوشش به عنوان کنش معطوف به هدف، به دو شکل می‌تواند در جامعه تاثیرگذار باشد؛ اول، این کنش ممکن است موجب ایجاد تفاوت‌ها و شکاف‌هایی در جامعه شود و جامعه را به سمت ناصالح اجتماعی پیش برد. دوم، این کنش می‌تواند با کمک فقه پویا و پذیرش تاریخ‌مندی هنجارهای اجتماعی از سوی تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان جامعه را به سمت صلح اجتماعی پیش برد. برای درک بهتر موضوع با تکیه بر نظریه پیر بوردیو و با روش اسنادی، این فرضیه را به آزمون می‌گذاریم که، حق پوشش یک عامل اجتماعی و تأثیرگذار در تغییرهای اجتماعی و فرهنگی محسوب می‌شود. به رسمیت شناختن این حق برای زنان پیامدهایی چون پایداری اجتماعی، انسجام هویتی و کاهش تعارضات و ناهنجاریهای اجتماعی را به همراه خواهد داشت. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که پوشش زن در ایران نشانگر ایدئولوژی سیاسی است و به‌عنوان اسلامی‌سازی جامعه بدل‌شده، اما با توجه به اقدام‌های رادیکال زنان در جهت تأمین حق پوشش، دستیابی به صلح اجتماعی و کاهش تعارض‌های در گرو درک



حق پوشش زنان و نقش آن در ارتقای صلح اجتماعی.....

نیازهای امروز جامعه و به رسمیت شناختن حق پوشش زنان با تکیه بر
فقه پویا است.

واژگان اصلی: حجاب، صلح اجتماعی، زن، فقه پویا، کنش معطوف به هدف.



Women's Right to Cover and Its Role in Promoting Social Peace

Neda Hajivosough¹

Women's attire, as a symbol of individual and social identity, has evolved into a crucial issue in the intersubjective and real atmosphere of contemporary Iranian society. The radical changes in the lifestyles and beliefs of people, particularly women, have led to the utilization of attire as a purposeful tool, serving as a means to achieve specific objectives. In this perspective, attire is regarded as a vehicle for advocating gender equality, striving for equitable legal, social, and economic opportunities, and ultimately challenging the established structure. The intentional use of attire as a goal-oriented action can significantly impact society in two ways. Firstly, it may exacerbate societal divisions, potentially leading to social displace. Secondly, it has the potential to move society towards social peace provided that a dynamic jurisprudence is embraced and decision-makers acknowledge the historicity of social norms. To better understand the issue, the present study used Pierre Bourdieu's theory and employed the documentary method

Board Member at Iranian Peace Studies Scientific Association ¹ (IPSAN) and responsible for Women and Peace Committee at IPSAN.



to test the hypothesis that the right to cover is an effective social factor with substantial social and cultural consequences, and the recognition of this right for women will contribute to social stability, identity cohesion, and reduced social conflicts and irregularities. The findings of the research indicate that women's attire in Iran is an indicator of political ideology and has turned into a form of Islamization of Iranian society. However, considering women's radical actions regarding their right to cover, the realization of social peace and reduction in conflicts depend on understanding contemporary societal needs and recognizing women's right to cover based on dynamic jurisprudence.

Keywords: Hijab, Social Peace, Women, Dynamic Jurisprudence, Goal-Oriented Action.



نقش زنان و اقدام صلح‌مدارانه در حل بحران‌های

دیپلماتیک

^۱سید محمود کمال آرا

با تمام جنگ و نزاع‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، برخلاف اعتقاد واقع‌گرایان به کسب امنیت از راه کسب قدرت، و یا اعتقاد آرمان‌گرایان به تأمین امنیت از راه صلح، اکنون نیاز به ارائه یک دیدگاه میانی است که بتواند هر

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه شهید بهشتی
mkamalara@yahoo.com



دو مفهوم قدرت و صلح را در خود جای دهد و امنیت را به‌عنوان بهترین هدیه، به جهان عرضه کند. با تغییر در معادلات بین‌المللی، باید پذیرفت که مرزها به یک توهم قراردادی و تنها یک میراث در ساخته‌های بشر تبدیل شده است. در این زمینه، انسانیت در مرزها محصور نمی‌شود و کودکان گرسنه آفریقای و کودکان گریان افغان، عراقی و یا سوری جزئی از مشکل انسانیت و ضمیر ما هستند. بنابراین، مرزها و اختلاف نژاد و زبان از ما رفع مسئولیت نمی‌کنند. در کنار این موضوع برای انسانیت، صلح و اقدام‌های صلح‌طلبانه، نه تنها موضوع‌های جنسیتی مطرح نخواهد بود بلکه نقش زنان در تحقق صلح بین‌المللی بسیار اثر گذار است. در نگاهی گذرا از جنگ جهانی اول تا جنگ جهانی دوم و نیز جنگ‌ها و درگیری‌های منطقه خاورمیانه همه و همه می‌توان دریافت که معضل اصلی نزاع و در جنگ، ناشی از فرو رفت دنیا در چنگال قدرت‌های سیاست‌مداران و در برخی مواقع دردهای بشریت از اختلاف‌های دینی (نگاه جزم‌گرا به زنان)، مذهبی، قومی و نژادی است. تقریب مذاهب اسلامی، تلطیف سیاست حاکمان دینی و نیز دامن‌زدن به اشتراک‌های قومی، نژادی و مذهبی مؤلفه‌هایی بوده‌اند که می‌توانستند رویه صلح جهانی را بر اساس بشردوستی و هم‌نوع‌پذیری بیش از پیش تغییر داده و بدان کمک کنند. در این مقاله با اشاره به برخی دستاوردهای صلح‌مدار با به‌کارگیری رهبران دینی، آموزش و رسانه در فعالیتهای بشردوستانه مانند منطقه سفید و نیز معرفی چگونگی اجرای آن با استفاده از این ارکان "با شعار؛



فراهم‌آوری زمینه تفکر بر صلح جهانی پایدار، چشم‌انداز؛ پذیرش قوانین صادره از کمیته توسط ادیان و اقوام ملل مختلف و با هدف؛ بررسی نقش کمیته بین‌المللی سرخ در صلح و نیز پیش‌بینی و پیشگیری، کاهش فاصله بحران انسان‌ساز تا رویارویی و تضمین شرایط پس از آن بحران " به سراغ پژوهشی جدید با عنوان نقش زنان، آموزش و رسانه صلح در حل بحران- های دیپلماتیک خواهیم رفت.

واژگان اصلی: زنان، صلح، اندیشه، حقوق بین‌الملل، بشردوستانه.



The Role of Women and Peaceful Action in Solving Diplomatic Crises

Seyyed Mahmoud Kamal Ara¹

Despite all regional and international conflicts and disputes and contrary to the realists' belief in achieving security through power or the idealists' belief in obtaining security through peace, there is now a need to present a middle-ground perspective which encompasses both power and peace and can offer security as the best gift to the world. With the changes in international equations, it must be accepted that borders have turned into an arbitrary illusion and a mere legacy in human constructs. In this regard, humanity is no longer confined to geographical borders, and hungry African children and crying Afghan, Iraqi, or Syrian children are all parts of the problem of humanity and our conscience. Therefore, the borders and racial and linguistic differences do not absolve us of our responsibilities. Moreover, in issues such as humanity, peace, and peace-seeking actions, not only are gender issues well embraced, but women's role in achieving international peace is very influential. A brief look at WWI, WWII, and all the other wars and conflicts in the Middle East reveals that the main cause of the wars is the

¹ Master's degree student in International Relations, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: mkamalara@yahoo.com.



world's falling into the claws of politicians and, in some cases, human pains are rooted in religious (dogmatic attitudes towards women), ethnic, and racial conflicts. Today, the approximation of Islamic sects, the moderation of religious leaders' policies, and the embracing of national, racial, and religious commonalities have always been components able to change the course of world peace based on humanism and inclusivity. Referring to some peacemaking achievements by employing religious leaders, education, and the media in humanitarian activities, such as the White Region, this paper has tried to introduce how to implement these elements to obtain peace. The paper has also delved into the possible ways to think about sustainable world peace, the prospect of accepting the laws issued by the committee by religions and different nations, the role of the Red Cross in peace, the predicting, preventing, and reducing of the human-made crises, and the ways to deal with the crisis and ensure post-crisis conditions.

Keywords: Women, Peace, Thought, International Law, Humanitarian.



زمینه‌های حقوقی- قضایی خشونت‌ورزی/ نفی خشونت علیه زنان.....

زمینه‌های حقوقی- قضایی خشونت‌ورزی / نفی

خشونت علیه زنان



بازنمایی صلح اجتماعی در مفهوم عدالت، آزادی و حقوق بشر

محمدتقی فاضل میبیدی^۱

بن‌مایه صلح اجتماعی به سه مفهوم عدالت، آزادی و حقوق بشر برمی‌گردد. بی‌تردید در جامعه‌ای که این سه مفهوم نزد خردمندان و پس از آن، حاکمان گنگ و نامفهوم باشد، هیچ صلحی در آن جامعه محقق

^۱ پژوهشگر حوزه علمیه fazelmeybodi@gmail.com



بازنمایی صلح اجتماعی در مفهوم عدالت، آزادی و حقوق بشر.....

نمی‌شود. این سه مفهوم در کوچکترین واحد اجتماع یعنی خانواده شروع می‌شود، و گستره آن تا میان دولتها و ملت‌هاست. مفاهیم عدالت، آزادی و حقوق بشر نه جنسیت و نه نژاد و دین می‌شناسد. پهنه این مفاهیم، بشر به عنوان بشر است. در این جا میان زن و مرد تفاوتی نیست. مهم این است که این مفاهیم به ذات انسان کار دارد. با این که اسلام تفاوت‌هایی که در عصر جاهلیت میان زن و مرد وجود داشت، آنها را غالبا از میان برد و در ایجاد "حیوة طیبه" مرز میان مذکر و مونث (نحل آیه ۹۷) را برداشت و عدالت و حقوق فطری را حاکم کرد، متاسفانه در فقه و فلسفه و ادبیات ما به این امر مهمی توجه لازم نشد و تفاوت‌هایی صورت گرفت و این تفاوت‌ها تا میان ادیان و مذاهب کشیده شد. در تاریخ چه ظلم‌هایی بر سر زنان و چه جنگ‌هایی میان ادیان و مذاهب صورت گرفته، زیرا عدالت و حقوق آدمیان به عنوان انسان مطرح نبوده است. واژه عدالت، آزادی و حقوق انسان گرفتار تنگنای فقهی و قانونی بوده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد تا مسایل و مفاهیم فقهی و دینی در قالب واژه‌های عدالت، آزادی و حقوق طبیعی و اجتماعی ریخته نشود و با آنها محک نخورد، به صلح اجتماعی دست نخواهیم یافت.

واژگان اصلی: آزادی، حقوق بشر، زنان و مردان، صلح اجتماعی، عدالت.



Representation of Social Peace in the Concepts of Justice, Freedom, and Human Rights

Mohammad Taghi Fazelmaybodi¹

The essence of social peace goes back to the concepts of justice, freedom and human rights. Undoubtedly, no peace can be realized in a society where the three concepts are not well appreciated by the wise and the rulers. These concepts start in the smallest unit of society, which is the family, and its scope then extends to governments and nations. The concepts of justice, freedom and human rights do not depend upon gender, race, or religion, and their scope is humanity per se. In the context of these concepts, there is no difference between men and women, since the concepts apply to human nature. Despite Islam mostly eliminating the differences between men and women in the age of ignorance, removing the boundaries between male and female (*Quran* 16:97) in the creation of "Hayat Tayyaba" and establishing justice and natural rights, our jurisprudence, philosophy, and literature have not paid enough attention to this major issue unfortunately, and the differences have extended to religions. Throughout history, innumerable oppressions have been committed against women and countless wars have taken place between religions, all being due to the failure to recognize justice and the rights of people as human beings. Justice, freedom

Seminary researcher.¹



and human rights have always been caught in jurisprudential and legal bottlenecks. The findings of this research suggest that unless jurisprudential and religious issues and concepts are articulated in terms of justice, freedom, and natural and social rights and tested against them, social peace will remain elusive.

Keywords: Freedom, Human Rights, Women and Men, Social Peace, Justice.



تأثیر رویکردهای فقهی به حقوق زنان بر صلح اجتماعی



¹محمدرضا یوسفی شیخ رباط

عنوان نشست «فقه، صلح اجتماعی و زنان» سه موضوع را در پیوند با یکدیگر قرار داده است. این رابطه سه‌گانه به دلیل وجوه متعدد، بحث را قدری سخت و پیچیده می‌کند. بر اساس برخی تعاریف، صلح اجتماعی را می‌توان در سطح رابطه دولت و ملت، گروه‌های اجتماعی و خانواده با محوریت رواداری تعریف کرد. اگرچه این تعریف به جهت برخی پشتوانه‌های نظری قابل بحث بوده است و نقصه‌هایی دارد. اما در این نوشتار به عنوان مبنا مورد پذیرش قرار گرفته است. در این صورت پرسش این است که موقعیت زنان در این میان چیست؟ زنان به عناوین مختلف می‌توانند در درون موقعیت‌های سه‌گانه جای گیرند. رابطه زنان و صلح اجتماعی را شاید بتوان از دو دیدگاه دنبال کرد. در دیدگاه نخست، زنان به عنوان یک کنشگر فعال علاوه بر هویت انسانی با هویت جنسی معین در محور خانواده و در رابطه دولت - ملت و گروه‌های اجتماعی به عنوان یک عضو از جامعه انسانی می‌تواند مورد مطالعه قرار گیرند. در دیدگاه دوم، زن در مناسبات سه‌گانه بالا دارای حقوق و تکالیفی است. در این



نگاه، نکته این است که برای تحقق صلح اجتماعی، زنان از چه حقوق و تکالیفی برخوردار هستند و یا باید باشند. هر چند بیشتر مباحث با نگاه تبعیض جنسیتی، ناظر به حقوق زنان است. به نظر می‌رسد در صلح اجتماعی، از منظر رواداری به این مناسبات نگاه می‌شود تا بتواند به نقطهٔ بهینهٔ پایدار اجتماعی دست یابد. طبیعی است دستیابی به بهینهٔ پایدار از مجرای ورود به مناسبات تاریخی، اجتماعی و فرهنگی امکان پذیر است. رکن سوم نشست، فقه است. فقه به بررسی حقوق و تکالیف انسانها در روابط انسان با خدا، با خود و با دیگر نهادهای اجتماعی بر اساس منابع دینی می‌پردازد. با این نگاه در دو گانهٔ فقه و صلح اجتماعی، حقوق و تکالیف نهادهای اجتماعی، مدنی و تعامل‌های افراد از دیدگاه فقه می‌تواند با مباحث صلح اجتماعی پیوند خورد. با توجه به نگاه دوم مبنی بر حقوق زنان در صلح اجتماعی، این نوشتار در مقام پاسخ به این پرسش است که آیا رویکرد فقه به زنان می‌تواند در جهت تحقق صلح اجتماعی به‌معنای یادشده باشد.

واژگان اصلی: دولت-ملت، زنان، صلح اجتماعی، فقه، هویت.



The Impact of Jurisprudential Approaches to Women's Rights on Social Peace

Mohammadreza Yousefi Sheikh Robot¹

The conference entitled “Jurisprudence, Social Peace, and Women” has brought together three major issues, and the tripartite relationship makes the discussion somewhat difficult due to the multiplicity of aspects involved. Social peace might be defined in terms of the relationship among the nation-state, social groups, and the family, with a focus on tolerance. While this definition is subject to debate and has its flaws, it serves as the basis for the present paper. The central topic of this research is the role played by women in this context. Women can be positioned in different roles according to the three elements. The relationship between women and social peace can be examined from two perspectives. Firstly, women can be seen as active participants, with a specific gender identity within the family, and as a member of the human society within the broader context of the relationships between nation-states and social groups. Secondly, women have rights and responsibilities within the aforementioned tripartite relationship. In other words, the point is what rights and responsibilities women have or should have to achieve social peace. While discussions about gender discrimination often revolve around women's rights,

¹ Faculty Member at the Economics Department, Mofid University.
Email: yousefi@mofidu.ac.ir.



achieving sustainable optimal social peace seems to require a balanced perspective that considers tolerance, and sustainable optimal social peace can only be obtained through historical, social, and cultural relations. The third aspect of the conference is jurisprudence, which draws on religious sources to explore the rights and responsibilities of individuals in their relationships with God, themselves, and other social institutions. This perspective allows for an examination of the rights and responsibilities of social and civil institutions, as well as the interactions among individuals, from a jurisprudential standpoint concerning social peace. According to the second view based on the rights of women in social peace, the present paper tried to answer the question of whether the approach of jurisprudence to women can be in line with the realization of social peace in the aforementioned sense.

Keywords: Nation-State, Women, Social Peace, Jurisprudence, Identity.



خشونت علیه زنان در دیدگاه حقوقی و قضایی در

اسناد بین‌المللی

^۱ پژمان الهامی طالشمیکائیل

خشونت علیه زنان و دختران یکی از رایج‌ترین موارد نقض حقوق بشر در جهان است که هر روز بارها در همهٔ نقاط جهان رخ می‌دهد، این مسئله پیامدهای جدی کوتاه‌مدت و بلندمدت جسمی و روانی بر زنان و دختران دارد. روز جهانی «مبارزه با خشونت علیه زنان» ۲۵ نوامبر برابر با پنجم

^۱ استاد مدعو گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، ایران pejhmanelhami@gmail.com



آذر است، خشونت علیه زنان از مشارکت کامل و برابر زنان و دختران در جامعه جلوگیری می‌کند. میزان تاثیرگذاری آن، چه در زندگی افراد و خانواده‌ها و چه در کل جامعه، غیرقابل اندازه‌گیری است. خشونت علیه زنان پدیده‌ای است ناپسند که به شکل‌های مختلف مانند خشونت فیزیکی، روحی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و جنسی به وقوع می‌پیوندد و پرداختن به این موضوع موضوعی اجتناب‌ناپذیر است. هرچند قانونگذار در قوانین جزایی، احکام مربوط به این موضوع را تبیین و تقنین کرده است، لیکن در قانون حمایت خانواده توجهی بدان نداشته است. خشونت وارده بر زنان توجه و حساسیت دولتها و سازمانهای بین‌المللی را به خود معطوف داشته که موجب شده سندهای متعددی در راستای ممنوعیت خشونت‌های مختلف بر زنان به تصویب برسد؛ باید پذیرفت که در قوانین داخلی ایران نیز حمایت‌های کم و بیش قانونی از زنان وجود دارد اما پاسخگوی شدت و خرابی جرایم ارتكابی بر زنان ازسوی خانواده یا جامعه نیست. به هر ترتیب گسترش خشونت علیه زنان و دختران در سراسر دنیا، توجه و حساسیت دولتها و سازمان‌های بین‌المللی را به عنوان موضوعی مرتبط با حقوق بشر طبیعی به خود معطوف داشته است. همچنین اسناد بین‌المللی در کاهش یا نابودی خشونت بر زنان کارآیی لازم را ندارد. بنابراین بر اساس ماده 1 اعلامیه رفع خشونت علیه زنان مصوب 1993:

«خشونت علیه زنان عبارت است از هر فعل خشونت بار مبتنی بر جنسیت که به آسیب دیدگی یا رنج جسمانی یا روانی یا جنسی زنان منتهی



خشونت علیه زنان در دیدگاه حقوقی و قضایی در اسناد بینالمللی.....

می‌شود یا ممکن است منتهی شود. از جمله تهدید ارتکاب این‌گونه رفتارها، اجبار و سلب خودسرانه آزدانه، خواه در زندگی خصوصی یا اجتماعی» از این تعریف بالا بر می‌آید که خشونت ممکن است فیزیکی - جسمانی - یا روانی یا عاطفی یا جنسی و مبتنی بر جنسیت باشد.

واژگان اصلی: ایران، حقوق بین‌الملل، خشونت، زنان، جرم قضایی.



Violence Against Women from Legal and Judicial Perspectives in International Documents

Pejman Elhami Taleshmikael¹

Violence against women and girls stands as one of the most prevalent human rights violations globally, occurring numerous times each day across all parts of the world. This issue has serious short-term and long-term physical and psychological consequences for women and girls. November 25 is designated as the International Day for the Elimination of Violence Against Women. Such violence hinders the full and equal participation of women and girls in society, exerting an immeasurable impact on individuals, families, and society at large. Violence against women is a disgusting phenomenon occurring in the forms of physical, mental, social, economic, cultural and sexual violence, and addressing the issue is inevitable. While legislative provisions have been enshrined in criminal laws, insufficient focus has been placed on addressing this issue within family protection laws. Governments and international organizations have shown concern and sensitivity towards violence against women, leading to the adoption of several documents aimed at prohibiting its

¹ Visiting Professor at the Department of Law, Islamic Azad University, Iran.

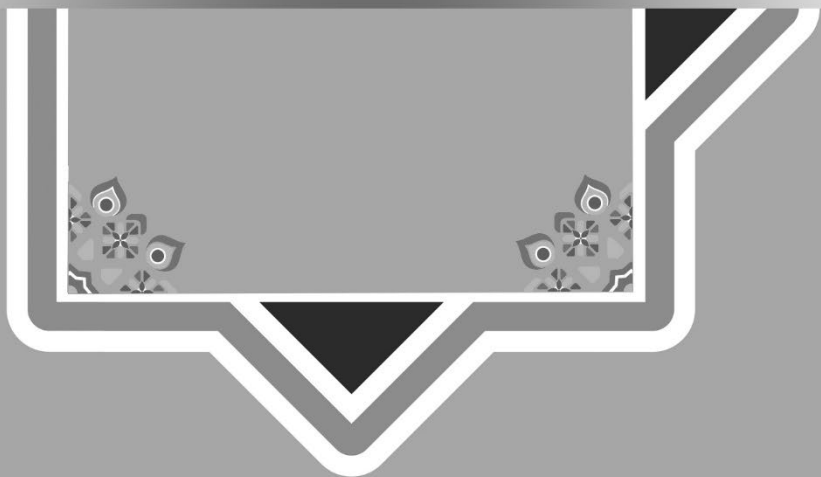


various forms. Despite relative legal protections for women in Iran's internal laws, these measures do not adequately address the severity of crimes committed against women by their families or society. All in all, the widespread occurrence of violence against women and girls globally has captured the attention and sensitivity of governments and international organizations, recognizing it as a matter pertaining to fundamental human rights. However, international documents have not proven effective in reducing or eliminating such violence. According to Article 1 of the 1993 Declaration on the Elimination of Violence Against Women, violence against women encompasses any act of violence rooted in gender that results in, or may lead to, physical, mental, or sexual harm or suffering of women. This includes the threat of such acts, coercion, and arbitrary deprivation of freedom, whether in private or social life. It follows from the above definition that violence might be physical, psychological, emotional, or sexual and based on gender.

Keywords: Iran, International law, Violence, Women, Judicial Crime.



صلح اجتماعی در فرهنگ؛ رسانه، آموزش و عرف





تعامل‌های میان‌فرهنگی ملت‌ها و صلح میان‌اجتماعی



نقش سازمان زنان ایران در آموزش برقراری و تثبیت صلح اجتماعی

^۱ احسن زندیه

^۲ فاطمه سمیعی

با تدوین برنامه انقلاب سفید و تشکیل سازمان زنان ایران در سال 1345، طرح‌ریزی سیاست‌های کلان در تمام وجوه زندگی زنان در دستور کار دولت پهلوی دوم قرار گرفت. پیش‌تر، با تشکیل سلسله پهلوی و برنامه

^۱ عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه تهران zandiyehh@ut.ac.ir

^۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی fateme.s4890@gmail.com



گسترده‌نوسازی دورهٔ رضاشاه، زنان به موضوعی برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی بدل شده بودند؛ این موضوع، به شکل‌گیری مفهوم «آزادسازی زنان» منجر شد. از این‌رو، در فضای گفتمانی نوسازی و نوگرایی، آزادی زن تنها با مفاهیم نوشدگی، تعریف و تنظیم شد. گفتمان نوگرایی عصر رضاشاه که به مفهوم آزادی زن شکل داده و سیاست‌گذاری‌های زنان را پیرامون این منظومه تنظیم کرده بود؛ در این دوران، متأثر از فلسفهٔ انقلاب سفید و تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بود. از این‌رو، مسئله حقوق زن در خانواده و اجتماع؛ نبود تساوی در خانواده، حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مورد توجه، نقد و بازبینی قرار گرفت. با توجه به تحولات دوران انقلاب، وظیفهٔ هر زن ایرانی، شرکت در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی برای کمک به رشد و سازندگی کشور عنوان می‌شد. از آن‌جا که رشد سیاسی، زیر بنای رشد اقتصادی و اجتماعی در نظر گرفته شده بود؛ در نتیجه، وضع قوانین جدید، مطابق با اصول و اهداف انقلاب سفید، برای ایجاد تحول گسترده در جامعه زنان، ضرورت یافت. افزون بر این، رشد جنبش‌های فمینیستی در این دوران، تأثیرهای قابل‌توجهی بر سیاست‌گذاری‌های زنان گذاشت؛ مسئلهٔ جنس و جنسیت، نظام پدرسالار، نقش فرودست زنان و محصور و محدودماندن آنان در محیط خانه، زشت شناخته شد و سبب بازتعریف نقش زن، توانایی‌ها و وظایف او در خانواده و اجتماع شد. در این دوران، سازمان زنان ایران به عنوان یکی از اهرم‌های اصلی دولت پهلوی در اجرای سیاست‌های



کلان برای زنان، مساعی فراوانی داشت. این پژوهش، با استفاده از مفهوم سنتی پیوستگاری در تاریخ و با رویکرد توصیفی - تحلیلی به بررسی رویکردها، طرحها و برنامه‌های سازمان در برقراری و تثبیت صلح اجتماعی زنان از راه وضع قوانین جدید و تغییر سیاست‌های آموزشی می‌پردازد.

واژگان اصلی: آزادسازی زنان، سازمان زنان ایران، صلح اجتماعی، دولت پهلوی.

The Role of the Women's Organization of Iran in Training the Establishment and Stabilization of Social Peace

Hasan Zandieh¹
Fatemeh Samii²

¹ Faculty member at the Department of History, University of Tehran, Iran. Email: zandiyehh@ut.ac.ir.

² MA in Iranian Islamic history, Iran. Email: fateme.s4890@gmail.com



With the formulation of the White Revolution Program and the establishment of the Women's Organization of Iran in 1966, the second Pahlavi government set the planning of macro-level policies related to women high in its agenda. Previously, with the formation of the Pahlavi dynasty and the extensive modernization program in the Reza Shah era, women had turned into focal points for policy-making and planning, leading to the formation of the concept of "women's liberation". In the discursive space of modernization and modernism, women's freedom was defined and regulated only through the lens of modernity. The modernist discourse in Reza Shah's era, which had shaped the concept of women's freedom and the policies adopted in that area, was influenced by the philosophy of the White Revolution and political, economic, and social developments. Therefore, the issues of women's rights in the family and society, inequalities in the family, and civil, political, social and economic rights received a lot of attention and consideration. Given the developments that occurred during the Islamic Revolution, it was defined as every Iranian woman's responsibility to participate in political and social activities and help the development of the country. Moreover, since political growth was considered as the foundation for economic and social development, it became necessary to establish new laws, in accordance with the principles and goals of the White Revolution, to create a large-scale transformation in women's society. In addition, the growth of feminist movements during the period had significant impacts on the policies formulated for women. The issues of sex and gender, the patriarchal system, women's subordinate roles and their confinement within the homes were all



recognized as reprehensible issues, resulting in a redefinition of women's roles, abilities and responsibilities in the family and society. During the same period, the Women's Organization of Iranian, as one of the major driving forces in the Pahlavi government, made several efforts to establish macro-level policies related to women. Drawing on the traditional concept of continuity in history and a descriptive-analytical method, the present research has examined the approaches, plans and programs of the Organization in establishing and stabilizing women's social peace through formulating new laws and introducing changes in educational policies.

Keywords: Women's Liberation, Women's Organization of Iran, Social Peace, Pahlavi Dynasty.

Bridges of Art for Intercultural Peace



Elisa Toledo Todd¹

In Central Asia and the Indian subcontinent, intercultural exchanges flow as naturally as they do in Latin America. Throughout history, humanity has thrived on intercultural interactions, finding enrichment in the diverse perceptions of life held by others. Diversity is the very essence of genetic existence in nature. The coexistence of different realities is a natural aspect of all life, existing without human intervention. The renowned Andalusian philosopher, Ibn Arabi, views diversity as a divine imperative, an expression of the will of God, as the only entity capable of comprehending all the languages of His creation. Could one imagine a song with a single note, a forest with a solitary tree, or a world with a sole language? The importance of diversity is universally acknowledged and recognized as an indispensable element in sustaining life on the planet. By engaging with the beauty created by others, we can draw closer and gain insight into their unique perspectives on life. It allows us to empathize, envision ourselves in the place of another human being, and sense their yearning for security and peace as keenly as we feel our own need for security, recognition, and peace. In this way also, I can invite others to host my path and perceptions, engaging in dialogue, exchange, and negotiation with a world where the right of all plural forms of life needs to be preserved. The question asked in this research was how, amidst the prevailing confusion of values and information, we can draw nearer to one another,

¹ Professor of Vocal Expression and Acting, Federal University of Ouro Preto, Ouro Preto, Brazil.



and the response I obtained was through art, handicrafts, and culture.

Keywords: Intercultural Peace, Diversity, Arts, Culture, Handicrafts.



الگوهای فرهنگی - اجتماعی نفی خشونت علیه

زنان



راه‌کارهای رسیدن به صلح اجتماعی از راه گسترش گردشگری زنان و عدالت جنسیتی

¹مه‌دی کروبی

²فهمیه تقوی‌پور

¹ استاد، گروه مدیریت جهانگردی دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران drkaroubi@atu.ac.ir

² کارشناس ارشد مدیریت برنامه‌ریزی توسعه گردشگری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران، taghavi.fahime@yahoo.com



عدالت جنسیتی و صلح اجتماعی حاکم بر جامعه، از مفاهیمی هستند که تفکر و تعقل در آن‌ها و بازکردن گره‌های کور این مفاهیم در اجتماع به بلوغ جامعه و از پیش‌نیازهای پیشرفت هر جامعه‌ای منجر می‌شوند. مفهوم عدالت جنسیتی مفهومی زنانه نیست، اما به دلیل شکاف‌های موجود در جامعه و نیازهای ادراک‌شده، این مفهوم با جامعه زنان گره خورده است و بیشتر از زاویه زنان و رفع مسائل آن‌ها به واژه عدالت جنسیتی نگاه می‌شود. توسعه صنعت گردشگری به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر جامعه معاصر از مسایل مهمی است که باعث بیش‌تر دیده‌شدن مفهوم عدالت جنسیتی در جوامع و کارکردهای مثبت و منفی آن بوده است. با توجه به پیش‌نیازهای گردشگری زنان که ملزم به تهیه امکاناتی است که دولت‌ها در جهت رسیدن به عدالت جنسیتی باید برای این قشر از جامعه در حوزه گردشگری فراهم کنند، در مجموع موجب حرکت جامعه به سوی صلح اجتماعی فراگیر می‌شوند. هدف اصلی این پژوهش شناسایی راهکارهای رسیدن به صلح اجتماعی از راه توسعه گردشگری زنان و با تحقق عدالت جنسیتی است. در این پژوهش که از نوع کیفی است، با 14 نفر از خبرگان حوزه زنان و گردشگری مصاحبه انجام شد. داده‌های حاصل از مصاحبه‌های انجام‌شده به روش تحلیل چارچوبی و از طریق نرم‌افزار MAXQDA10 تحلیل شد. از مهمترین راه‌کارهای رسیدن به هدف مورد نظر در این پژوهش، می‌توان به ایجاد فرصت‌های برابر در تجربه فضاهای گردشگری و بستر سازی مناسب نام برد. در مجموع می‌توان به اهمیت



موضوع توسعه گردشگری زنان و تحقق عدالت جنسیتی در جامعه و رسیدن به صلح اجتماعی پی برد که موجب ایجاد آثار مثبت در تمام ابعاد جامعه می‌شود.

واژگان اصلی: صلح اجتماعی، توسعه، گردشگری، زنان، عدالت جنسیتی.



Solutions to Achieve Social Peace Through Developing Women's Tourism and Gender Justice

Mehdi Karroubi¹

Fahimeh Taghavipour²

Gender justice and social peace are crucial concepts that, when carefully considered and untangled within society, contribute to societal maturity and are essential for the advancement of any community. While gender justice is often associated with women due to societal gaps and perceived needs, it is not exclusively a feminine concept. The tourism industry, as an integral part of contemporary society, has played a significant role in highlighting the concept of gender justice, shedding light on both its positive and negative impacts. Recognizing the specific requirements of women in tourism, governments should strive to provide the necessary facilities to achieve gender justice, thereby propelling society towards inclusive social peace. This research aims to explore pathways to achieve

¹ Professor, Department of Tourism Management, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Email: drkaroubi@atu.ac.ir.

² MA in Tourism Development Planning Management, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Email: taghavi.fahime@yahoo.com.



social peace through the advancement of women's tourism and the realization of gender justice. As a qualitative study, this research interviewed fourteen experts in the area of women in tourism. The data obtained from the interviews were analyzed using the framework analysis method and MAXQDA10 software. Creating equal opportunities for experiencing tourism spaces and constructing the necessary platform and requirements were identified as the major significant approaches to achieving the research objectives. Overall, it was found that developing women's tourism and realizing gender justice in society are crucial in fostering social peace, yielding positive impacts across all segments of society.

Keywords: Social Peace, Development, Tourism, Women, Gender justice.



جایگاه زن و نقش آنان در پیشبرد صلح در میان اندیشمندان و شاعران کردستان

میکائیل سانپار^۱

زنان به عنوان نیمی از جامعه و داشتن نقش‌های بسیار، یکی از اصلی‌ترین عوامل در ساختن هر جامعه و پیشبرد آن هستند. از آنجا که زنان نقش حیاتی در پیش بردن اندیشه صلح، آزادی، عشق و خانواده دارند، بنابراین اهمیت بررسی جایگاه زن در میان فرهنگ‌ها و جوامع مختلف موضوعی

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی (مسائل ایران) m.sanyar@gmail.com



ضروری است. یکی از راه‌های شناخت منزلت زن در هر جامعه‌ای، بررسی جایگاه آنها در ادبیات و نوشته‌های اندیشمندان، علما، شاعران و همچنین رجوع به اسطوره‌ها، مراسم، عرف و آداب و رسوم آن جامعه است. این مقاله بر آن است تا با رویکرد توصیفی-تحلیلی به این پرسش را که جایگاه زن در میان اندیشمندان و شاعران و فرهنگ کردستان چگونه است؟ پاسخ داده و این فرضیه را که زنان در نزد اندیشمندان گُرد و فرهنگ آنها جایگاه برجسته‌ای دارند، مورد واکاوی و کنکاش قرار دهد. برای پاسخ به پرسش بالا، مفاهیم اندیشه‌ای چون آزادی، برابری زن و مرد، عشق، خانواده و احترام به حقوق زن در نوشته‌های برخی اندیشمندان و شاعران جامعه کردستان و همچنین جایگاه آنان در آداب و رسوم و مراسم کردها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان اصلی: زن، کردستان، اندیشه، آزادی، صلح، برابری، عشق، خانواده.



Women's Role in Advancing Peace Among Thinkers and Poets of Kurdistan

Mikael Sanyar¹

Women, constituting half of society's population and fulfilling multiple roles, are a fundamental factor in the development and progression of any society. Given their crucial role in advocating for peace, freedom, love, and family values, it is imperative to explore the status of women across various cultures and societies. An effective approach to understanding the esteem of women in a society involves examining their portrayal in the literature and works of intellectuals, scholars, and poets, as well as delving into the myths, rituals, and traditions of that society. This paper seeks to investigate the position of women in the intellectual and cultural landscape of Kurdistan using a descriptive-analytical method, aiming to validate the hypothesis that women hold a prominent status in the eyes of Kurdish thinkers and within their culture. To address this inquiry, the paper scrutinizes the depiction of concepts such as freedom, gender equality, love, family, and respect for women's rights in the writings of select Kurdish intellectuals and poets, in addition to women's role in Kurdish customs and ceremonies.

Keywords: Women, Kurdistan, Thought, Freedom, Peace, Equality, Love, Family.

¹ PhD Candidate in Political Science: Iran's Affairs.



نقش زنان در صلح اجتماعی با تکیه بر نظریهٔ

اخلاق مراقبت

^۱ کوثر محمدی هنجروئی

^۲ ابراهیم رضایی راد

زنان از دیرباز به شیوه‌های متعدد در ایجاد فرایند صلح چه درون مرزهای یک ملت و چه در میان ملت‌های گوناگون نقش‌آفرینی کرده‌اند. آن‌ها گاه

کارشناس ارشد مطالعات زنان، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران
Mohammadikosar@gmail.com

دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، دانشکده بیمه اکو، دانشگاه
علامه طباطبایی تهران Ebrahimradrezaei.r@gmail.com



از راه ایجاد انجمن‌های صلح، گاه از رهگذر حضور در مذاکرات صلح و گاهی نیز به واسطه نقش مادری و وظیفه مهم و خطیر تربیت فرزندان به گونه‌ای ریشه‌ای و بنیادین تلاش کرده‌اند تا بذر صلح را در خانواده و جوامع بکارند. برخی از متفکرین معتقدند زنان به واسطه اخلاقیات خاص و متمایز نسبت به مردان می‌توانند در ایجاد فرایند صلح اجتماعی توانمندی بیشتری از خود بروز دهند. یکی از بنیان‌های نظری این نوع تفکر را میتوان در نظریه اخلاق مراقبت پی گرفت. در این مقاله تلاش شد با استفاده از چارچوب نظری اخلاق مراقبت و رویکرد توصیفی-تحلیلی به این پرسش پاسخ داده شود که با توجه به این نظریه، زنان چگونه می‌توانند در ایجاد فرآیند صلح اجتماعی نقش داشته باشند؟ یافته‌های مقاله حکایت از این موضوع دارد که حضور زنان چه در سطح خصوصی و چه در سطح عمومی با توجه به روحیات و خلیقیات خاص آن‌ها می‌تواند زمینه‌های برقراری صلح را در سه سطح خرد (خانواده)، میانی (جامعه مدنی) و کلان (عرصه سیاست) ایجاد کنند. یافته‌ها نشان می‌دهد حضور زنان در جوامع موجب کاهش تنش و خشونت از یک سو و افزایش مهرورزی و مدارای اجتماعی از سوی دیگر می‌شود که این‌ها هم به نوبه خود از مهم‌ترین مولفه‌های صلح پایدار هستند.

واژگان اصلی: زنان، صلح، صلح اجتماعی، نظریه اخلاق مراقبت، فمینیسم.



Women's Role in Social Peace from a Care-Ethics Theoretical Viewpoint

Kosar Mohammadi¹

Ebrahim Rezaei Rad²

For centuries, women have been instrumental in the establishment of the peace process within national borders

¹ Master's degree student in Women's Studies, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Email: mohammadikosar@gmail.com.

² Master's degree student in Central Asia and Caucasus Studies, ECO College of Insurance, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Email: ebrahimradrezaei.r@gmail.com.



and across international boundaries. Their involvement ranges from establishing and participating in peace associations to fulfilling the crucial role of motherhood and nurturing generations of children towards peace within families and communities. Some scholars argue that, compared to men, women may possess a greater aptitude for fostering social peace due to their unique and distinct ethical perspectives. This line of thinking finds theoretical support in Care Ethics Theory. The present paper seeks to explore, through the lens of Care Ethics and employing a descriptive-analytical approach, women's potential to contribute to developing social peace. The study's findings reveal that women, with their particular dispositions and ethical perspectives, can promote peace at three distinct levels: the micro-level (family), mid-level (civil society), and macro-level (politics). The findings also demonstrate that women's presence in society not only diminishes tension and violence but also enhances social compassion and tolerance, which are crucial components for achieving sustainable peace.

Keywords: Women, Peace, Social Peace, Care Ethics Theory, Feminism.



«اگر فرزند من بود؟» پروامداری و نظریه پردازی

برای صلح

^۱مریم نصرافهانی

اخلاق پرواداری از مهمترین رویکردهای فلسفی است که چشم‌اندازهای زنانه‌نگر به صلح را پشتیبانی می‌کند. از این‌رو پرسش اصلی نوشتار بدین قرار است که اخلاق پرواداری چگونه بر صلح تاثیرگذار است؟ یافته‌های

^۱ استادیار فلسفه و عضو گروه مطالعات زنان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

m.nasr@ihcs.ac.ir



پژوهش بر اساس نظریه‌های فیلسوفان پروامدار حاکی از آن است که زنان در رویارویی با تعارض‌ها از الگوی اخلاقی پرواداری پیروی می‌کنند که با الگوی رایج عدالت‌محور متفاوت است و براساس ارزشهای زنانه بنا نهاده شده است. ارزش‌هایی که ریشه در تجربهٔ بیشتر زنان جهان از تیمارداری دارد و می‌کوشد با فرارفتن از دوگانه‌های تقابلی موجود در فلسفه غرب تعارض‌ها را به شیوه‌های خشونت‌پرهیز، مراقبتی، ترمیمی و مبتنی بر گفت‌وگو حل‌وفصل کند. دیدگاه مراقبتی انسان را نه فاعل عاقل خودمختار، که موجودی پیچیده در شبکهٔ روابط انسانی می‌بیند. به این ترتیب، وجودشناسی، معرفت‌شناسی و اخلاقیات متناسب با آن را می‌آفریند. در چنین چشم‌اندازی رویکردهای تقابلی چه در ساحت فردی (من - دیگری) و چه در ساحت جمعی (ما-آنها) نقد شده و بر «وابستگی» به عنوان وضعیت بنیادی بشری تاکید می‌شود. در این زمینه ورزه مادری، حیاتی‌ترین کنش مراقبتی زنان، این توان را دارد که منبع بینش‌هایی نظری برای سیاست‌های صلح باشد. چنانکه سارا رادیک (1989) بنیانگذار «اندیشیدن به شیوهٔ مادران» بیان می‌کند تجلی مادری و پیوند آن با جنگ، چنانکه نظام مردسالار می‌خواهد، مساوی با فرستادن پسران به میدان نبرد و پذیرفتن ازدست دادن آنها نیست که ورزهٔ مادری و ارزش‌های اخلاقی‌ای که ایجاد می‌کند می‌تواند به شیوهٔ ایجابی در خدمت صلح باشد. چراکه مادری در زندگی‌بخشی، حفظ زندگی، تعامل با دیگری، پذیرش او معنا می‌شود و محصول ترکیب عشق



با عقل است پس طرد، نفی، آسیب‌رسانی، حذف، دیگری‌سازی و خشونت در آن پذیرفته نیست، بلکه روادار، بخشنده، پذیرا و تعامل‌کننده است.

واژگان اصلی: پرواداری، صلح، سارا رادیک، مادری، نفی خشونت.



What If It Was My Child? Care Ethics and Theorizing to Obtain Peace

Maryam Nasr Esfahani¹

Care ethics is a feminist philosophy that promotes peace by emphasizing the moral value of care. Care ethicists argue that women tend to approach conflicts with a caring attitude, which differs from the dominant justice-based model and reflects feminine values. These values are rooted in women's shared experiences of nurturing and aim to resolve conflicts in non-violent, empathic, restorative, and dialogical ways, rather than relying on the binary oppositions pervasive in Western thought. The caring perspective views humans not as autonomous rational agents, but as complex beings embedded in a network of relationships, thereby developing a corresponding ontology, epistemology, and ethics. In this perspective, confrontational approaches are challenged, both at the individual level (self-other) and the collective level (us-them), and "interdependence" is recognized as the basic human condition. In this regard, the practice of

¹ Assistant Professor of Philosophy and Member at Women's Studies Department, Institute for Humanities and Cultural Studies. Email: m.nasr@ihcs.ac.ir.



motherhood, as women's most vital caring activity, can offer theoretical insights for peace policies. As Sara Ruddick (1989), the founder of "Maternal Thinking", argues, relating motherhood to war is not about sending sons to war and accepting their loss, as the patriarchal system expects. Instead, the maternal practice and the moral values it yields can contribute to peace in a positive way because motherhood is a life-giving and life-preserving practice that involves interacting with and accepting others. As a product of the combination of love and reason, it does not accept exclusion, negation, damage, elimination of others, and violence. Motherhood is a tolerant, forgiving, receptive, and interactive practice.

Keywords: Care Ethics, Peace, Sarah Ruddick, Motherhood, Elimination of Violence.



بنیان‌های فرهنگی-عرفی خشونت‌ورزی / نفی
خشونت علیه زنان



زمینه‌های فرهنگی خشونت علیه زنان در ایران و آینده آن

^۱شکیبا هاشمیان

یکی از مهم‌ترین مصادیق نقض حقوق بشر، خشونت علیه زنان است. خشونت یعنی از زور فیزیکی یا کلامی استفاده کنیم تا دیگران را در وضعیتی بر خلاف خواسته‌شان قرار دهیم. پیمایشی ملی در ۳۱ استان کشور نشان می‌دهد که تعداد زیادی از زنان در طول زندگی خود دست‌کم یک‌بار خشونت خانگی را تجربه کرده‌اند. به نظر می‌رسد بخشی از

^۱ دکتری علوم سیاسی و پژوهشگر حوزه زنان hashmiyan.shakiba@gmail.com



خشونت‌های موجود، ریشه در فرهنگ و سنت ما دارد و بخشی نتیجه تداوم تبعیض علیه زنان در ساختار حقوقی، اقتصادی و سیاسی است. البته این بخش دوم خشونت نیز ممکن است ریشه در ساختارهای فرهنگی جامعه داشته باشد که موجب پذیرش خشونت توسط افراد می‌شود. مساله خشونت علیه زنان از دو جنبه می‌تواند مورد توجه قرار گیرد: نخست اینکه وقتی زنان جامعه به گونه‌ای جامعه‌پذیر شوند که خود را جنس دوم و در درجه‌ای پایین‌تر از مردان ببینند و این وضعیت را درونی کنند، بسیاری از خشونت‌هایی که برایشان اتفاق می‌افتد را طبیعی می‌دانند. جنبه دوم اینکه بخشی از فرهنگ کتبی و شفاهی رایج در جامعه که در قالب ضرب-المثل‌ها، اشعار، آیات و روایات تبلور یافته، به صورت مشخص و علنی بر نابرابری جایگاه زنان و مردان و در نتیجه خشونت علیه زنان صحنه می‌گذارند. این پژوهش به دنبال پاسخ به خشونت علیه زنان در ایران با بهره‌گیری از ساختار فرهنگی است. بنابراین نتایج پژوهش نشان می‌دهد همهٔ مضامین فرهنگ کتبی و شفاهی که به ما منتقل شده لزوماً درست نیست. بسیاری از آنها محصول بستر زمانی خاص و تجربهٔ زیسته نسل‌های گذشته است که اغلب از سوی مردان و یا با نگاه مردمحورانه تولید و بازتولید شده‌اند. در این میان، بسیاری از باورهایی که رنگ دینی یافته‌اند متأثر از همین تفاسیر و برداشت‌های مردسالارانه بوده‌اند. با نگاهی جامع‌تر درمی‌یابیم آیات و روایات زیادی هستند که به برابری دو جنس اشاره می‌کنند. در مجموع، اسلام در گذشته موجب بهبود شرایط زنان نسبت به



قبل شده و اگر در شرایط کنونی و آینده هم بخواهیم به اسلام رجوع کنیم، باید به آن تفسیری از اسلام باشد که شرایط بهتری را برای زنان فراهم کند.

واژگان اصلی: ایران، اسلام، خشونت علیه زنان، ساختار فرهنگی، مردان.



Cultural Contexts for Violence Against Women in Iran and Its Future

Shakiba Hashemian¹

Violence against women stands as a significant example of human rights violations, encompassing the use of physical or verbal force to impose unwanted situations upon others. A national survey spanning 31 provinces in Iran has revealed that a substantial number of women have encountered domestic violence at least once in their lives. This distressing trend appears to be deeply ingrained within our cultural and traditional fabrics, while also being perpetuated by ongoing discrimination against women within legal, economic, and political frameworks. It is evident that a portion of this violence is entrenched in societal norms, fostering a climate where such behavior is tacitly accepted. The issue of violence against women can be approached from two distinct perspectives. Firstly, when women are socialized to perceive themselves as inherently inferior to men, they may internalize this status, leading to the normalization of violence against them. Secondly, prevalent cultural expressions such as proverbs, poems, verses, and traditions overtly reinforce the unequal status of women and men, thereby perpetuating the

¹ PhD in Political Science and Researcher in Women Studies.



violence against women. This research endeavors to address the pervasive issue of violence against women in Iran by examining the cultural underpinnings that contribute to this phenomenon. The findings of this study underscore that not all themes within our cultural heritage are inherently truthful. Many are products of specific historical contexts and the lived experiences of past generations, often shaped and perpetuated by male-centric or anthropocentric viewpoints. Furthermore, certain beliefs, assuming a religious guise, have been influenced by patriarchal interpretations, further entrenching these perceptions. Taking a more comprehensive view, it becomes apparent that numerous verses and traditions actually advocate for gender equality. In a broader context, Islam has historically sought to ameliorate the conditions of women. Therefore, any reference to Islam in present and future contexts should encompass an interpretation that fosters improved conditions for women.

Keywords: Iran, Islam, Violence, Women, Cultural Structure, Men.



شیوه‌های آموزش مدارا و صلح در جهت نفی
خشونت‌ورزی علیه زنان



صلح درون پایه‌گذار پیشگیرانه خشونت علیه زنان: ضرورت تجلی خشونت‌پرهیزی در رشد کودک

دکتر آرین قاسمی

خشونت علیه زنان، بیش و کم سابقه‌ای به درازای تاریخ دارد. از زمینه‌های درونی و بنیادهای فرهنگی تا ساختارهای اجتماعی، از بسترهای سیاسی و نهادی تا زیرساخت‌های حقوقی، هر یک به اندازه‌ای در سپهر مناسبات فرافردی در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی به گونه‌ای به ایجاد، وقوع و افزایش خشونت



علیه بانوان می‌انجامد. بی‌راه نیست اگر گفته شود، مسئله خشونت علیه زنان بخشی جدایی‌ناپذیر از زیست انسان امروزی است. با وجود همه ناسازگاری‌ها و ناروایی‌ها، تکاپوی همگان به‌ویژه خود بانوان برای ساخت جهانی بهتر که در آن، خشونت نفی و خشونت‌گرایی نقد شود، همتی والا است که گام دشوار خشونت-زدایی از جنسیت را به پیش می‌گذارد. در هیاهوی اقدام‌های گوناگون این عرصه، بذل توجه به جنبه پیشگیرانه موضوع اهمیتی بسیار دارد که جهان آینده را برای آیندگان بهبود می‌بخشد. کودکان به عنوان صاحب‌حقان امروز و شهروندان تمام‌عیار فردا، بازیگران اصلی روزگاران نیامده هستند که می‌توانند دنیای خود را عاری از خشونت، بر مبنای بنیان‌های کرامت‌مداری، ارزش‌گذاری، مداراگرایی، حق‌محوری و احترام‌پنداری پایه گذارند. رسیدن به چنین هدف والایی، در گرو فرآیندی مبتنی بر بنیادهای یادشده در پی‌آیند تربیتی کودک است. به دیگر سخن، احترام به بنیان‌های یادشده، در فرآیند رشد کودک (اعم از آموزشی، تربیتی و تکاملی) و پی‌آیندهای آن (به عنوان سلسله کوشش‌های برسازنده مسیر این رشد) به کودک را به صلحی درونی برساند. برآمد چنین امری، درونی‌شدن و به‌طور طبیعی، بیرونی‌بودن احترام کودک به دیگر آدمیان از جمله زنان از مسیر صلح درونی ساخته و پرداخته در مسیر رشد است. سرانجام، جهان آینده در بیشینه و خوش‌بینانه‌ترین حالت عاری از خشونت علیه زنان و در کمینه و بدبینانه‌ترین حالت هم‌آواتر با بانگ خشونت‌پرهیزی علیه آنان سازد.

واژگان اصلی: خشونت علیه زنان، پیشگیری، صلح درونی، کودک، رشد.



Inner Peace as a Foundation to Prevent Violence Against Women: The Necessity to Manifest Non-Violence in Child Development

Aryan Ghasemi¹

Violence against women has a long and pervasive history, rooted in internal contexts, cultural foundations, social structures, political and institutional platforms, and legal infrastructures. These elements collectively contribute to the emergence and escalation of violence against women in both domestic and international transpersonal relationships. It is undeniable that the issue of violence against women is an integral part of contemporary human existence. Despite the inherent challenges and inconsistencies, the collective endeavor, particularly led by women themselves, to construct a world that rejects violence and condemns violent behavior represents a significant stride towards dismantling gender-based violence. Amid the multitude of actions in this realm, it is crucial to emphasize the preventive dimension, which holds the potential to shape a future world devoid of violence for forthcoming generations. As current rights holders and future fully-fledged citizens, children stand as pivotal agents in shaping a world that is free from violence and founded on principles of dignity, appreciation, tolerance, rights-based approaches, and respect. The realization of such an ambitious objective depends on a process rooted in the

¹ Postdoctoral Researcher in Child Health Law. Email: a_ghasemi@hotmail.com.



aforementioned foundations within the educational journey of a child. In essence, nurturing respect for these foundations throughout a child's growth —spanning educational, developmental, and experiential domains — instills inner peace in children. The culmination of such a process is the internalization and subsequent externalization of the child's respect for all individuals, including women, emanating from the child's inner peace cultivated and nurtured throughout their growth. May the future world be liberated from violence against women, reflecting the most optimistic outlook, and at the very least, may it resonate with the call for non-violence against women in the most pessimistic scenario.

Keywords: Violence, Women, Prevention, Inner Peace, Child, Development.



چگونگی بازنمایی رویدادهای مربوط به زنان در جهت دستیابی به صلح اجتماعی توسط رسانه‌ها با تمرکز بر نظریه‌های ارتباطات

افسانه مظفری

مفهوم صلح اجتماعی که به ایجاد ارتباط مبتنی بر اعتماد و احترام متقابل بین ملت و دولت و به‌ویژه بین مردم با یکدیگر معطوف است، در فضای

¹ دانشیار گروه علوم ارتباطات، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران،

dr.afsaneh.mozaffari@gmail.com ایران



فکری جوامع دموکراتیک مطرح شده است. این مفهوم که بر مشارکت و توانمندسازی افراد در جوامع تاکید می‌کند به معنای پرهیز از جنگ، ستیز و خشونت و در رابطه مستقیم با مفاهیمی چون سرمایه اجتماعی، عدالت اجتماعی و امنیت اجتماعی استوار است. در کنار این مفاهیم که جملگی در جهت تحقق آرمان‌های توسعه‌یافتگی در کشورهای جهان مطرح می‌شود، توجه به زنان، توانمندسازی، اشتغال، مشارکت فعال، حقوق بشر، برابری جنسیتی، صلح و امنیت انسانی و اجتماعی این قشر از جامعه که تقریباً نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، اهمیت دارد. در جامعه اطلاعاتی امروز که با استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، رسانه‌های مختلف جمعی و اجتماعی، شیوه نگاه مخاطبان به رویدادها را شکل می‌دهند و نقش اطلاع‌رسانی فراگیر و فارغ از زمان، مکان و همچنین مدیریت افکار عمومی را بر عهده دارند، بازنمایی و بازتعریف رویدادهای مربوط به زنان و صلح اجتماعی از مهم‌ترین مسئولیت و دغدغه‌ها به‌شمار می‌آید. در این مقاله به بررسی نظریه‌های ارتباطات، چون نظریه چارچوب‌سازی، برساخته‌گرایی اجتماعی، برجسته‌سازی، اثر سی‌ان‌ان و پساحقیقت پرداخته می‌شود تا تاثیر پیام‌های ارتباطی بر اساس بازنمایی و مفهوم‌سازی رویدادهای مربوط به زنان برای کاربران مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

واژگان اصلی: رسانه، زنان، صلح اجتماعی، نظریه‌های ارتباطات.



How to Represent Women-Centered Events in the Media to Achieve Social Peace: With a Focus on Communication Theories

Afsaneh Mozaffari¹

The concept of social peace, aimed at fostering a relationship built on trust and mutual respect between the nation and the government, as well as among people, has recently gained prominence in the intellectual discourse of

¹ Associate Professor, Department of Communication Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
Email: dr.afsaneh.mozaffari@gmail.com.



democratic societies. This concept underscores the participation and empowerment of individuals within societies, with the goal of averting war, conflict, and violence, and is rooted in principles like social capital, social justice, and social security. In addition to these concepts, all of which are proposed to advance development goals worldwide, it is imperative to prioritize the empowerment, employment, active participation, human rights, gender equality, peace, and human and social security of women, who constitute nearly half of any society's population. In today's information society, where information and communication technologies are prevalent, various collective and social media platforms shape how audiences perceive events and play a crucial role in providing comprehensive information, irrespective of time and place, while also influencing public opinion. Therefore, the representation and reframing of events related to women and social peace carry has assumed a major responsibility and concern. This paper delves into communication theories, such as framing theory, social constructionism, highlighting, the CNN effect, and post-truth, to investigate the impact of communication messages on the representation and conceptualization of events related to women.

Keywords: Media, Women, Social Peace, Communication Theories.



نظریهٔ صلح برای بشر: زنان و مردان صلح‌آفرین در

پرتو

محمد مهدی داور¹

صلح از جمله مفاهیمی است که هر فردی در ذهن ارزش آن را تصدیق می‌کند. هر چند افرادی نیز وجود دارند که در مقام عمل به جنگ افروزی روی می‌آورند، ولی حق آن است که آنان نیز در مقام نظر و ذهن، ارزش و اهمیت صلح را تصدیق کرده و به آن آگاه هستند. باید پذیرفت که متفکران همواره در پی طرحی برای ایجاد صلح پایدار در سطح جهانی

¹ کارشناس فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه تهران mohamadmahdidavar@ut.ac.ir



بوده‌اند و این خواسته هر صاحب خردی می‌باشد که صلح مفهومی غالب و پایدار در سطح بین‌المللی باشد. در همین راستا، باید ادعا کرد که اولین قدم برای پی‌ریزی نظریه‌ای بی‌نقص که ایجاد و حفظ صلح پایدار و جهانی را تضمین کند، برابری حقوق زن و مرد است. به این صورت که هر دو جنس علاوه بر اینکه باید در ایجاد صلح و حفظ صلح در جوانب مختلف نقش داشته باشند، باید حقوق یکدیگر را نیز به رسمیت بشناسند. نظریه صلح برای بشر بر پایه مبانی حقوق طبیعی استوار است و یکی از ارکان حقوق طبیعی مسئله مساوات است و به‌طور طبیعی مساوات و برابری از عناصر اساسی نظریه صلح برای بشر است. در نتیجه زنان و مردان از نظر حقوقی با یکدیگر برابر هستند و این خود دلیلی بر این مهم است که مردان و زنان باید حقوق یکدیگر را به رسمیت بشناسند. آنچه که در این گفتاورد بحث و بررسی خواهد شد ابتدا مبانی حقوق طبیعی به عنوان اساس نظریه صلح برای بشر است و به دنباله آن مبانی نظریه صلح برای بشر خواهد آمد. در پایان نیز برابری حقوق زن و مرد که ضامن نقش‌آفرینی هر دو جنسیت برای ایجاد صلح پایدار و آنچه که مقصود این جستار است، مورد بررسی دقیق قرار خواهد گرفت.

واژگان اصلی: صلح پایدار، نظریه صلح برای بشر، حقوق طبیعی، برابری حقوق زن و مرد، صلح جهانی.



The Theory of Peace for Mankind: Peace-Making Women and Men in the Shadow of Equal Rights

Mohammad Mehdi Davar¹

The concept of peace is universally valued, and while some individuals may engage in war-mongering actions, they still recognize the importance of peace. Intellectuals have long sought to establish a plan to realize sustainable global peace, with the ultimate goal of making peace a dominant and stable concept at the international level. The first step in achieving this goal is to ensure the equality of men and women's rights. Both genders must play a role in creating and maintaining peace, while also recognizing each other's rights. The theory of Peace for Mankind is founded on natural rights, with equality being a fundamental element of natural rights. Therefore, men and women must be considered equal in terms of their rights, as this is crucial for them to recognize each other's rights. This paper has addressed the basics of natural rights, the theory of Peace for Mankind, and the equality of men and women's rights,

¹ Bachelor's Degree in Philosophy and Islamic Wisdom from University of Tehran, Iran. Email: mohamadmahdidavar@ut.ac.ir.



which is essential for both genders to play a role in creating lasting peace.

Keywords: Sustainable Peace, Theory of Peace for Mankind, Natural Rights, Equal Rights, Men and Women, World Peace.



رسانه‌های سنتی و مجازی جمعی؛ شکل‌دهی

افکار عمومی و نفی خشونت‌ورزی علیه زنان



تحلیل جنسیتی رابطهٔ سینما و صلح اجتماعی: جنگ و صلح در سینما برابری حقوق مهربانان و مهربانان

اعظم راود راد

در این مقاله به رابطه میان سینما و صلح اجتماعی با تاکید بر نقش زنان و مردان در ایجاد و تداوم خشونت یا صلح در رابطه میان دو جنس پرداخته

¹ استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران ravadrad@ut.ac.ir



شده است. برای نشان دادن این رابطه به مستندهایی از تعدادی از فیلم‌های مربوط اشاره خواهد شد. پیش‌فرضی که وجود دارد این است که زنان در فیلم‌های سینمایی ایرانی معمولاً به عنوان موجوداتی منفعل و قربانی نمایش داده می‌شوند. تعداد فیلم‌هایی که قهرمان زن در آنها نقش فعال از یک سو و موفق و پیروز از سوی دیگر داشته باشد، بسیار اندک است. در این پژوهش تلاش شد به مستندهایی از همین فیلم‌های اندک که قهرمان زن در آنها یا فعال و موفق است و یا دست‌کم قربانی نشده، نیز اشاره شود. شیوه غالب بازنمایی زنان به عنوان قربانی، در عمل به تثبیت نگرش کلی اجتماعی به زن به عنوان منفعل و قربانی منجر شده و کمکی به رشد اجتماعی زنان و نیز نقش‌آفرینی آنان در صلح اجتماعی نخواهد کرد. نتایج نشان می‌دهد دلیل اغلب خشونت‌هایی که رخ می‌دهد این است که در روابط اجتماعی نمایش داده شده در فیلم‌های سینمایی، گفتگوی سازنده وجود ندارد. در این فیلم‌ها شخصیت‌ها در زمینه‌های مختلف خانوادگی و اجتماعی، به هنگام رویارویی با مشکلات مختلف کمتر از گفتگو و بیشتر از سکوت و تصمیم‌ها و رفتارهای شخصی استفاده می‌کنند و گفتگوی سازنده اغلب غایب است. بنابراین و با توجه به تعریف خشونت و انواع آن، تلاش می‌شود بر اهمیت گفتگو در جهت تقویت صلح اجتماعی در فیلم‌ها تأکید شود.

واژگان اصلی: جنگ، خشونت، زنان، سینما، صلح اجتماعی، مردان.



A Gender-Based Analysis of the Relationship Between Cinema and Social Peace: War and Peace in Cinema

Azam Ravadrad¹

This paper explores the relationship between cinema and social peace, focusing on the role of women and men in perpetuating or promoting violence or peace in their interactions. The study draws on a number of movies to illustrate the relationship. It is observed that Iranian movies often portray women as passive and victimized, with very few depicting female protagonists in active, successful, or non-victimized roles. The prevalence of women as victims in these films reinforces societal attitudes towards women as passive and victimized entities, hindering their social advancement and contribution to peace. The lack of constructive dialogue in social relationships depicted in these films was identified as a root cause of the prevalent violence. In these movies, the characters in various family and social contexts tend to rely on silence and personal decisions rather than constructive dialogues when facing challenges. The present paper highlights the importance of dialogue in promoting social peace in movies, emphasizing the need for a shift away from the portrayal of women as victims and towards more constructive and empowering representations.

¹ Full Professor at the Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Iran. Email: ravadrad@ut.ac.ir.



Keywords: War, Violence, Women, Cinema, Social Peace, Men.



دختران جوان و خشونت جنسی در فضای مجازی

^۱تهمینه شاوردی

^۲ریحانه سادات صحراگرد منفرد

نوجوانان و جوانان امروز اولین نسلی هستند که در جامعه ای پرورش یافته‌اند که در آن سواد فناوری برای شهروندی موثر در قرن بیست و یکم ضروری است. با افزایش تعداد جوانانی که از فناوری‌های دیجیتال برای مقاصد آموزشی و تفریحی استفاده می‌کنند، مشکلات اجتماعی در فضای

^۱ دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاددانشگاهی

t.shaverdi@yahoo.com

^۲ پژوهشگر حوزه خانواده reyhanmnf@gmail.com



مجازی افزایش یافته است و آنها را در معرض اشکال مختلف خشونت سایبری قرار می‌دهد. این مقاله مروری بر تحولات فضای مجازی دارد و این سوال اصلی را دنبال می‌کند که فضای مجازی و فناوریهای نوین چه تحولی در زندگی زنان و دختران نسل امروز گذاشته است؟ در پی پاسخ به پرسش اصلی، این نوشتار انواع مختلف خشونت سایبری را توصیف می‌کند و بر آزار و اذیت سایبری در میان دختران و دختران نوجوان به عنوان قربانیان و مرتکبان خشونت‌های سایبری تمرکز دارد. فعالیت‌های آنلاین در معرض خطر در میان دختران و دختران نوجوان و همچنین راهبردهایی برای ارتقای امنیت سایبری ارائه شده است. همچنین پژوهش‌های پیشین در این حوزه مورد بررسی دقیق قرار می‌گیرد. رویکرد پژوهش در این مطالعه توصیفی-تحلیلی است و یافته‌های پژوهش‌هایی که در 10 سال اخیر در ایران تحلیل شده است.

واژگان اصلی: دختران جوان، خشونت جنسی، فضای مجازی.



Young Girls and Sexual Violence in Cyberspace

Tahmineh Shaverdi¹

Reihane Sadat Sahragard Monfared²

The current generation of teenagers and young adults are the first to grow up in a society where technological proficiency is crucial for effective citizenship in the 21st century. As more young people use digital technologies for educational and recreational purposes, social problems in cyberspace have increased, resulting in their exposure to various forms of cyberbullying. The present paper examines the evolution of cyberspace, describes different types of cyberviolence, and focuses on cyberbullying among adolescent girls as both victims and perpetrators of this type of violence. In addition, risky online activities among adolescent girls are presented, and strategies are proposed to promote cybersecurity. The paper also reviews previous research in the field. The research method used in the study is descriptive-analytical, and by analyzing the research conducted in Iran over the past decade, the paper aims to answer the research questions.

¹ Associate Professor at the Research Institute for the Humanities and Social Studies, Academic Center for Education, Culture and Research.

Email: t.shaverdi@yahoo.com.

Researcher in the field of Family Studies. Email: ²

reyhanmnf@gmail.com.



Keywords: Young Girls, Sexual Violence, Cyberspace.



روزنامه‌نگاری صلح، بستر کاهش خشونت علیه

زنان

اکتایون مصری

خشونت علیه زنان که بیشتر در دوگونه کلی آشکار و پنهان دیده می‌شود، یکی از موانع مشارکت زنان در فضای عمومی است، بنابراین بیش از آنکه موضوعی خصوصی برآورد شود، ریشه‌ها و پیامدهای اجتماعی دارد و دست‌اندازی در مسیر توسعه است. ژاک دریدا، فیلسوف فرانسوی، خشونت

¹ دانش‌آموخته دکتری مطالعات زنان از دانشگاه تربیت مدرس

Katayonmesri76@gmail.com



علیه زنان را برآمده از خشونت نمادین در جامعه می‌داند که نتیجهٔ ایجاد تفاوت و تقابلی دوگانه در نظام معنایی و ساختار فرهنگی است. زبان به-عنوان ابتدایی‌ترین شکل یک رسانه، با دوگانه‌های زن-مرد، قوی-ضعیف، خشن-رام و مانند آن، خشونت بنیادین جامعه علیه زنان را بازتولید و توجیه می‌کند. خشونتی که در خوش‌بینانه‌ترین حالت، بیش از 77 درصد زنان، در ایران تجربهٔ آشکار (ضرب و شتم) آن را دارند و بیش از این میزان نیز شامل خشونت‌های روانی و کلامی است که در بیشتر موارد افشا نمی-شود. امروزه رسانه‌ها در جریان اصلی و سایبری، نه‌تنها منبعی از داده‌های زبانی هستند که همهٔ نهادهای سیاست، آموزش، خانواده، اقتصاد و مانند آن را جهت می‌دهند، بلکه شیوهٔ زندگی مردم را می‌سازند. افزایش مخاطبان رسانه‌های تصویری (ماهواره‌ای) و کاربران شبکه‌های اجتماعی می‌تواند گواه تأثیرپذیری آنها از رسانه و بازنمایی خشونت علیه زنان باشد، چرا که بسیاری از آموزه‌ها، معانی و نمادهای زبانی، از رسانه‌ها ریشه می-گیرند. پس از جنگ جهانی دوم، رسانه‌ها در سمت و سو دادن به نظام-های معنایی، تفسیری و ساختارهای فرهنگی از چنان قدرتی برخوردار شده‌اند که می‌توانند بر آتش خشونت‌ها و دشمنی‌ها علیه یک طبقه، قوم یا جنس بدمند. بر همین اساس، یوهان گالتونگ در دههٔ 1970، به ابداع رویکردی جدید در روایت اخبار و اطلاعات در رسانه‌ها پرداخت. روزنامه‌نگاری صلح در برابر روزنامه‌نگاری جنگ، هدف را بر تعهد، پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری گزارشگر و نویسنده قرار داد. این مقاله



تحلیلی- توصیفی با استفاده از روش اسنادی و تحلیل محتوای کیفی 50 کانال تلگرامی و صفحه اینستاگرام، همراه با تاکید بر ادبیات خشن و جنسیت‌زده از سوی کاربران، در پی پاسخ به پرسش این پژوهش است که: پارادایم صلح در عرصه رسانه با چه مولفه‌هایی در برابر روزنامه‌نگاری جنگ (برخورد) به‌جای بازنمایی انتقام و مقابله به‌مثل، به حمایت، جبران خسارت و اصلاح شرایط خشونت‌دیده کمک می‌کند؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که استفاده از رویکرد ترمیمی در روزنامه‌نگاری صلح راهکاری است که می‌توان به‌جای تنش و انتقام در تقابل میان دوجنس، نه‌تنها از گسترش واژه‌پردازی‌های جنسیت‌زده پیشگیری کرد که بازنمایی و بازتولید چرخه خشونت جسمی، روانی و کلامی و ضعیف‌پنداری نهادینه- شده زنان را به عنوان قربانی کاهش داد. بنابراین، با توجه به هژمونی مردسالاری در رسانه‌های جمعی و نظام معنایی شبکه‌های اجتماعی، این مقاله با تحلیل موانع توسعه پارادایم صلح در روزنامه‌نگاری و رسانه ترمیمی، نشان می‌دهد که چگونه می‌توان با تغییر روایت رویدادها از بزّه- دیدگی زنان و اعمال خشونت جنسیتی پیشگیری کرد.

واژگان اصلی: خشونت، روزنامه‌نگاری صلح، زنان، رسانه، جنسیت.



Peace Journalism as a Platform to Reduce Violence Against Women

Katayoun Mesri¹

Violence against women manifests in both overt and covert forms, posing a significant barrier to women's engagement in public spaces. Instead of being relegated to a private sphere, this issue has broader social implications and serves as an impediment to societal progress. Derrida posits that violence against women stems from symbolic

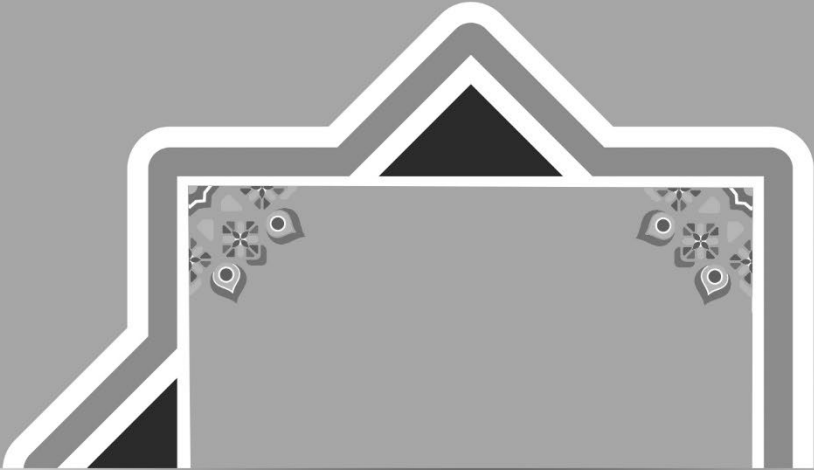
¹ - PhD in Women's Studies, Tarbiat Modares University.
Email: katayonmesri76@gmail.com.



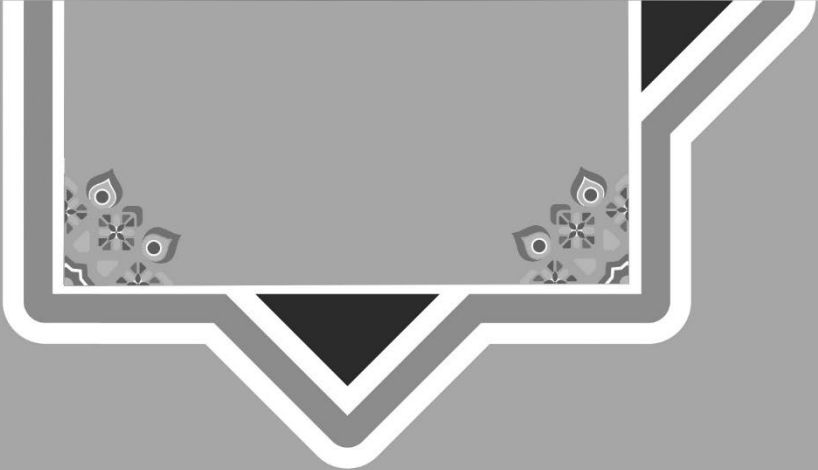
violence within society, which is the result of the creation of binary oppositions and contradictions in the semantic system and cultural structure. Language, as a fundamental mode of communication, perpetuates and legitimizes binary oppositions such as male/female, strong/weak, and violent/submissive, ultimately contributing to fundamental societal violence against women. In Iran, a staggering 77% of women have encountered explicit forms of violence, such as physical abuse, while a larger portion has endured the often concealed, psychological and verbal mistreatment. Today, mainstream and online media serve as influential sources of linguistic content, shaping various societal institutions including politics, education, family dynamics, and the economy. The growing audience for visual media like satellite channels and social networking platforms underscores the impact of these media in portraying violence against women, as they play a pivotal role in disseminating teachings, meanings, and linguistic symbols. Since the aftermath of World War II, the media has amassed substantial influence in shaping semantic systems, interpretations, and cultural frameworks, capable of inciting hostility and violence against specific groups based on class, race, or gender. In response, Johan Galtung introduced a novel approach to news reporting in the 1970s. Contrary to traditional war journalism, peace journalism prioritizes the reporter's commitment, accountability, and responsibility. This analytical-descriptive article employed a documentary approach and performed a qualitative content analysis of fifty Telegram channels and Instagram pages to underscore the prevalence of harsh and sexualized content on social media. It delved into the components of the peace paradigm within the media, emphasizing the need to move away from retribution and instead focus on redress and proactive measures to support victims and improve the situation. The restorative perspective of peace journalism in gender discussions not only avoids gendered terminology but also challenges the representation and perpetuation of physical, mental, and verbal violence, as well as institutionalized gender-based vulnerabilities within society. Given the entrenched patriarchal influence in mass media and social networks, fostering a peace-oriented paradigm in journalism and restorative media, rooted in principles of restorative justice, can help prevent women's victimization and address gender-based harassment.

Keywords: Peace Journalism, Women, Violence, Media, Gender.





محور سوم: صلح اجتماعی، حقوق زنان، امنیت
بین‌المللی و درگیری‌های مسلحانه





پیشینہ تاریخی صلح آفرینی



نسبت حضور برابر زنان در عرصهٔ سیاسی و ایجاد صلح اجتماعی با تمرکز بر دیدگاه ژاک رانسیر

ارز فضلی^۱

از نظر رانسیر سیاست آن هنگام وجود دارد که نظم طبیعی سلطه به واسطه نهاد ایجاد شده توسط بخش بدون سهم‌ها دچار گسست شود. بنابراین برابری به معنی ورود فعال غایبان به عرصه اندیشه و تفکر است. رانسیر بحث می‌کند که چگونه متون کارگری انقلاب فرانسه با تلاش

^۱ عضو هیئت علمی پژوهشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی
rose_fazli@yahoo.com



کارگران در بدل کردن اوقات خواب و خستگی خود در شب، به زمانی فعال برای اندیشه‌ورزی ایجاد شده‌اند. این تغییر رویکرد به تولید متن و زبانی نو از قشری همواره در حاشیه منجر شده است. قشری که با خواست حضور خود در عرصه عمومی از ماندن در جایگاهی که قدرت مستقر برای آن‌ها تعیین کرده بود، سر باز زدند. این اتفاق بارها در طی تاریخ برای دیگر اقشار در حاشیه‌مانده اجتماع چون بردگان در زمان جنبش مدنی سیاهان در آمریکا و یا جنبش حق رأی زنان نیز افتاده است. این مقاله تلاش دارد تا بر اساس نظریهٔ رانسیر به این مسئله بپردازد که چگونه حضور زنان در عرصه سیاسی می‌توانید تحولی رادیکال در نظام‌های کلاسیک سلطه ایجاد کرده، گفتمان‌های رسمی سیاسی را که بخش زیادی از آن‌ها بر پایهٔ تقابل و نابرابری شکل می‌گیرند، با رویکردی نو به برابری صورتبندی کند.

واژگان اصلی: عرصه عمومی، برابری، ژاک رانسیر، صلح اجتماعی



Women's Equal Presence in the Political Arena and the Creation of Social Peace, with a focus on Jacques Rancière's Ideas

Rose Fazli¹

According to Rancière, politics comes into play when the natural order of domination is disrupted by the institution created by the sector without shares. Thus, equality signifies the active inclusion of absentees into the arenas of thought and contemplation. Rancière delves into how the labor texts of the French Revolution emerged from the laborer's endeavors to convert their nocturnal periods of rest and weariness into active moments for reflection. This shift in perspective has given rise to the development of a new type of text and language originating from a stratum that has perpetually existed on the periphery, a stratum that refused to adhere to the role prescribed to them by the established authority, aspiring instead to participate in the public sphere. Similar occurrences have unfolded throughout history with other marginalized segments of society, such as the experiences of slaves during the civil rights movement in America, or the women's suffrage movement, among others. Drawing from Rancière's

¹ Faculty Member, Research Institute for Culture and Communications, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Email: rose_fazli@yahoo.com.



theories, this paper aims to explore how the presence of women in the political arena can instigate a profound transformation in the traditional systems of domination and the official political discourses, many of which are rooted in opposition and inequality, offering instead a fresh perspective on equality.

Keywords: Public Sphere, Equality, Jacques Rancière, Social Peace.



آسیب‌های اجتماعی زنان ایران در جنگ جهانی دوم و مشارکت برای ایجاد صلح اجتماعی در جامعه

¹ ماریا اسرافیلیان سلطانی

با شروع جنگ جهانی دوم در سال 1939 اوضاع جهان دگرگون شد. ایران نیز با این که از همان ابتدا سیاست بی‌طرفی اعلام کرده بود به واسطه سیاست‌های رضاشاه، مبنی بر طرفداری از آلمان و نیز به دلیل

¹ دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه الزهرا
history.esrafilian@gmail.com



موقعیت جغرافیایی و موقعیت راهبردی مورد توجه دولت‌های متفق قرار گرفت. از این رو با حمله متفقین در شهریور 1320 و اشغال نظامی ایران، سیاست بی‌طرفی ایران در جنگ جهانی دوم در عمل نقض شد و آسیب جدی در همه زمینه‌ها، به مردم و سرزمین ایران وارد آمد. هدف پژوهش، در ابتدا مطالعه و بررسی بحران‌ها و آسیب‌های اجتماعی که زنان ایرانی در دوران جنگ جهانی دوم متحمل شدند؛ سپس تلاش زنان برای ایجاد صلح اجتماعی، از راه حضور و افزایش مشارکت اجتماعی-سیاسی در جامعه، با هدف آزادی، احقاق حقوق اجتماعی و حفظ کرامت همه اقشار زنان، با تاکید بر موضوع حق رای زنان است. پرسش اصلی پژوهش این است که آسیب‌های اجتماعی در جنگ جهانی دوم چگونه در میان زنان ایرانی بروز کرد و زنان ایرانی پس از شروع جنگ، چه فرایندی را برای ایجاد صلح اجتماعی در جامعه طی کردند؟ این نوشتار در پی آن است که با رویکرد توصیفی-تحلیلی، ضمن بررسی آسیب‌های اجتماعی زنان ایرانی در دوران جنگ جهانی دوم، دستاوردهای زنان را جهت به‌دست آوردن حق رای، در قالب صلح اجتماعی مورد بررسی قرار دهد. بر اساس یافته‌های پژوهش، از جمله آسیب‌های اجتماعی وارد شده بر زنان ایرانی در دوران جنگ جهانی دوم، مهاجرت خانواده‌های شهری و روستایی از شهرهای کوچک و روستاها به شهرهای بزرگ، فشارهای اقتصادی-اجتماعی، آسیب‌های اجتماعی ناشی از قحطی و تورم بر زنان، افزایش ساعت کاری زنان کارگر، نبود امنیت اجتماعی زنان به واسطه حضور



سربازان متفکین در شهرها است. همچنین زنان برای رسیدن به صلح اجتماعی، برای اساسی‌ترین حقوق خودشان که حق انتخاب‌کردن و انتخاب‌شدن بود تلاش زیادی کردند. سرانجام در سال 1962 به همه زنان ایرانی حق رای داده شد و همچنین زنان به عنوان نماینده به مجلس شورای ملی راه پیدا کردند.

واژگان اصلی: آسیب‌های اجتماعی، ایران، جنگ جهانی دوم، حق رای، صلح اجتماعی.



Social Harms to Iranian Women during World War II and Women's Participation in Creating Social Peace in the Society

Maria Israfilian Soltani¹

The outbreak of World War II in 1939 brought about significant changes worldwide. Despite Iran's initial policy of neutrality, the country's strategic location and Reza Shah's pro-German stance drew the attention of the Allied countries. Consequently, the Allied attack in September 1941 led to the military occupation of Iran, effectively violating its neutrality policy and causing extensive harm to its people and lands. This research aims to examine the crises and social harms inflicted on Iranian women during World War II. It also seeks to explore the efforts made by women to promote social peace through increased socio-political participation, with a focus on freedom, social rights, and the preservation of women's dignity, including their right to vote. The central question of the study is how Iranian women were affected by the social harms of World War II and the process they underwent to establish social peace in post-war society. Through a descriptive-analytical

¹ PhD Candidate in Post-Islamic Iranian History at Al-zahra University. Email: history.esrafilian@gmail.com.



approach, this article analyzes the social hardships endured by Iranian women during the Second World War and their accomplishments in securing the right to vote as a means of achieving social peace. The research findings highlight various social hardships faced by Iranian women during World War II, such as the migration of families from rural to urban areas, socio-economic pressures, the impact of famine and inflation, and the increased working hours for women. Additionally, the absence of social security for women due to the presence of Allied soldiers in cities is noted. Despite these challenges, women exerted considerable effort to attain social peace and secure their fundamental rights, culminating in the granting of the right to vote to all women in Iran in 1962. Furthermore, women were able to gain representation in the National Consultative Assembly of Iran.

Keywords: Social Harms, Iran, World War II, Right to Vote, Social Peace.



از درگیری تا صلح؛ نقش زنان در صلح‌سازی پس‌ادرگیری



اخلاق مراقبت زنانه و صلح جهانی

^۱فاطمه بدوی

^۲بهاره نصیری

^۳آمنه بختیاری

دغدغه مشترک برخی اندیشمندان، واکاوی نسبت میان جنسیت و اخلاق است. از این دیدگاه، فمینیست‌ها اخلاق سنتی را به دلیل نادیده‌گرفتن یا کم‌اهمیت دانستن ارزش‌های فرهنگی و نیز تجربه اخلاقی زنان با نگاهی

¹ دانشجوی دکتری مطالعات زنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران،

f.badvi@yahoo.com

² استادیار گروه پژوهشی مطالعات زنان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

bn.nasiri@gmail.com

³ دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز،

ameneh_b2000@yahoo.co.uk



مردسالارانه نقد کرده‌اند. از این رو، با طرح نظریه‌ها و رویکردهای گوناگون به بازاندیشی اخلاق سنتی پرداخته و سعی کرده‌اند صورت‌بندی نوینی از نظام و روابط اخلاقی متناسب با مفهوم جنسیت ارائه دهند. رهیافت‌های زنانه به اخلاق بر روابط شخصی و اخلاق مراقبت تاکید می‌کنند و به ارزش روابط انسانی می‌پردازند. همچنین، رهیافت‌های مادرانه بر ارتباط خاص بین مادران و فرزندان به منزله الگوی تعامل اخلاقی تاکید می‌کنند. به همین دلیل، این‌گونه رهیافت‌ها برخلاف اخلاق سنتی، که دربردارنده قواعد عام اخلاقی، بدون جانبداری و عقلانی است، رهیافت‌هایی قاعده-گریز، جزیی‌نگر، متن‌محور، عینی و مبتنی بر عواطفی با بنیان جنسیتی‌اند. رادیک (از نظریه‌پردازان اخلاق مراقبت) در بحث خود از «رسم مادری» بر حفظ زندگی فرزند، رشد و مقبولیت فرزندان تاکید می‌کند. او در این زمینه اشاره می‌کند مادران و زنان با توجه به وظیفه‌ای که در طبیعت بر دوش خود احساس می‌کند؛ با وجود تمام سختی‌های این وظیفه و مسئولیت برای ادامه حیات تلاش می‌کنند، از فرزندان مراقبت می‌کنند و بدین ترتیب با هرگونه جنگ و نزاع که می‌تواند تمام زحمات و تلاش آنان را نابود کند و فرزندان را که پرورش داده‌اند، از بین برد مخالفت کرده و در جهت بقا نوع خود همت می‌کنند. در این پژوهش که با بهره‌گیری از چارچوب نظری اخلاق مراقبت زنانه گیلیگان و روش کیفی به تحلیل محتوای پوستره‌های جهانی با سوژه زن، مادری و صلح ایجاد شده‌اند، می‌پردازد. هدف نگارنده این است که با بررسی نمادها،



نمادها و نشانه‌های جهانی صلح به این مهم دست یابد که نخست، نمادها و نمادهای صلح در پوستره‌های عام و پوستره‌های با سوژه زنانه چه تفاوت‌هایی دارند. دوم، آیا حضور زنان با وجود اخلاق مراقبتی که در این جنس قویتر است در روند صلح جهانی بین مردم اقلیم و کشورهای مختلف اثرگذار خواهد بود یا خیر.

واژگان اصلی: اخلاق مراقبت زنانه، جنسیت و زنانگی، جنگ، صلح جهانی، فمینیست‌ها، مردان.

Feminine Care Ethics and Global Peace

Fateme Badavi¹

Bahareh Nasiri²

Ameneh Bakhtiari³

¹ PhD Candidate in Women's Studies, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran. Email: f.badvi@yahoo.com.

² Assistant Professor, Women's Studies Research Group, Research Institute for Humanities and Cultural Studies. Email: bn.nasiri@gmail.com.

³ PhD in Cultural Sociology, Islamic Azad University, Central Tehran Branch. Email: ameneh_b2000@yahoo.co.uk.



Many thinkers share a common concern about examining the connections between gender and ethics. Feminists, in particular, have criticized traditional ethics for neglecting or underestimating the cultural values and moral experiences of women within a patriarchal framework. In response, they have put forth various theories and approaches aimed at reevaluating traditional ethics and presenting a new framework for moral relationships that takes gender into account. Feminist approaches to ethics prioritize personal relationships and care ethics and emphasize the importance of human connections. Additionally, maternal approaches highlight the unique bond between mothers and children as a model for moral interaction. In contrast to traditional ethics, which are characterized by general moral rules, impartiality, and rationality, these approaches are characterized by a lack of strict rules, attention to detail, textual orientation, objectivity, and a foundation in gender-based emotions. In her “maternal custom,” Ruddick focuses on preserving a child's life, growth, and acceptance. She argues that despite the challenges and responsibilities involved, mothers and women feel a deep sense of responsibility to protect and nurture their children, resisting any conflict that could jeopardize their efforts and the well-being of their children. This reflects women’s instinct to ensure the survival of their offspring. This study utilizes Gilligan's framework of female ethics of care and a qualitative method to analyze the contents of global posters related to women, motherhood, and peace. It examined the representation of global peace symbols in these posters to explore (1) the differences between general posters and those featuring women in terms of their portrayal of peace symbols, and (2) the potential impact of women, who have a stronger



connection to care ethics, on the global peace process among people from different countries.

Keywords: Female Care Ethics, Gender and Femininity, Global Peace, War, Feminists, Men.



Transforming Foreign Policy: Women and Soft Power

Ahmet Nazmi USTE¹

The atmosphere of the 21st century has forced the states and individuals to gain different experiences. In this context, which is developing in tandem with technological innovations, foreign policy issues have necessarily fallen out of the traditional framework, and the situation has revealed the need to make adjustments in foreign policy

¹ Department of Public Administration, Dokuz Eylul University, Turkey.

Email: nazmi.uste@deu.edu.tr.



instruments and tools. In response, “soft power” has appeared as a preferred method in the changing landscape of foreign policy in recent years. Developed by Joseph Nye in the 1980s, soft power refers to a country’s ability to convince others to do what it wants without resorting to force or coercion. Although foreign policy is practiced and implemented mostly by men, a major part of the issues on the foreign policy agenda are directly related to women. Women are often the primary and most heavily impacted demographic when it comes to critical foreign policy matters, including migration, climate change, war and conflict, water scarcity, and energy access. The purpose of this study is to shed light on the importance of women’s participation in foreign policy processes in the contemporary developing world and their empowerment in the context of the use of soft power.

Keywords: Foreign Policy, Representation, Soft Power, Women.



پاسداشت حقوق زنان در چارچوب صلح و امنیت

بین‌المللی



هنجارسازی شورای امنیت در ارتباط با زنان، صلح

و امنیت (۲۰۲۲-۲۰۰۰)

^۱ رضا موسی‌زاده

^۲ نیلوفر جعفری

شورای امنیت به‌عنوان رکن اجرایی سازمان ملل متحد که وظیفه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد، با توجه به تحولات جامعه

^۱ مدرس دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران


rmousazadeh88@gmail.com

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی، دانشکده روابط بین‌الملل

وزارت امور خارجه niloofarjafarii1994@gmail.com



بین‌المللی امروزه نیز علاوه بر حل‌وفصل اختلاف‌ها و مناقشه‌های میان دولت‌ها، نقش هنجارسازی در مورد مسائل مختلف از جمله نبود خشونت علیه زنان و نقش صلح‌سازی زنان را برعهده داشته است. بدین منظور با در نظر گرفتن «ملاحظات جنسیتی» در حوزه صلح و امنیت بین‌المللی قطعنامه‌های مختلفی را از سال 2000 تا 2022 تصویب کرده است که در آن‌ها مشارکت زنان برای دستیابی به صلح و امنیت بین‌المللی و تلاش آنان را برای پیشگیری از درگیری، ایجاد صلح، حفظ صلح و حل‌وفصل درگیری‌ها به رسمیت شناخته است. لازم به یادآوری است که هر ده قطعنامه در شرایط مخالفت نکردن اعضای شورای امنیت به شیوه اجماع تصویب شده است که با داشتن عنصر مقبولیت روانی توانسته است به هنجارسازی و ایجاد عرف بین‌المللی در زمینه زنان و صلح و امنیت پردازد که بیانگر نقش برجسته شورای امنیت در این مسئله است. در این پژوهش با توجه به فرضیه مقاله که: شورای امنیت به عنوان نهادی بین‌المللی در تقویت و توسعه رویکرد زنان، صلح و امنیت بین‌المللی مؤثر بوده است. نویسندگان با بررسی اسناد، قطعنامه‌ها و اقدام‌های صورت‌گرفته در این زمینه در سال‌های 2000 تا 2020 توسط شورای امنیت، به دنبال تجزیه و تحلیل روند هنجارسازی شورای امنیت در ارتباط با موضوع زنان و صلح و امنیت بین‌المللی هستند.

..... همایش زنان و صلح اجتماعی 

واژگان اصلی: سازمان ملل متحد، شورای امنیت، هنجارسازی، زنان، صلح.



Security Council's Normalizing Measures Concerning Women, Peace, and Security (2000- 2022)

Reza Mousazadeh¹

Nilofar Jafari²

In light of the current global developments, the Security Council, serving as the executive arm of the United Nations responsible for upholding international peace and security, as well as mediating disputes and conflicts between nations, has played a crucial role in normalizing various aspects, including the prevention of violence against women and the involvement of women in peacemaking efforts. Over the period from 2000 to 2022, the Security Council has passed several resolutions recognizing the participation of women in achieving international peace and security, as well as their contributions to conflict prevention, peacebuilding, and engagement in peacekeeping and conflict resolution initiatives. Notably, all ten resolutions were unanimously approved by the Security Council members, reflecting widespread acceptance and thereby contributing to the

¹ Faculty Member, Faculty of International Relations, Ministry of Foreign Affairs, Tehran, Iran. Email: rmousazadeh88@gmail.com.

² Master's degree student in Diplomacy and International Organizations, Faculty of International Relations, Ministry of Foreign Affairs, Tehran, Iran. Email: nilofarjafarii1994@gmail.com.



establishment of international norms in the realms of women, peace, and security. This underscores the significant influence of the Security Council in this domain. The present study aims to investigate the hypothesis that the Security Council, as an international institution, has effectively contributed to the advancement and reinforcement of the role of women in international peace and security. The research seeks to analyze the normalization process within the Security Council with regard to women's issues and international peace and security.

Keywords: United Nations, Security Council, Normalization, Women, Peace.



نقش زنان در کنترل تسلیحات بین‌المللی؛ با تمرکز بر قطعنامه‌های سازمان ملل متحد

علیرضا زمانیان¹

کنترل سلاح در اساس به عنوان رهیافتی واقع‌گرایانه در برابر خلع سلاح به عنوان رهیافتی آرمان‌گرایانه برای صلح و امنیت بین‌المللی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. از سوی دیگر سازمان ملل متحد عام‌ترین و معتبرترین رژیم و نهاد بین‌المللی برآورد می‌شود که هدفی جز حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ندارد. این مهم در مادهٔ اول بند اول منشور سازمان

¹ کارشناس ارشد روابط بین‌الملل، دیپلماسی کنترل تسلیحات، دانشکده مدیریت و مهندسی صنایع، دانشگاه صنعتی مالک اشتر، تهران، ایران. Politics1648@gmail.com



ملل متحد به روشنی بیان شده است. در چنین شرایطی زنان به عنوان فعالان جامعه مدنی و براساس نقش‌های گوناگون خود در جامعه می‌توانند نقش مهمی در ایجاد صلح و فرایندهای تصمیم‌گیری در صلح و امنیت داشته باشند. با این حال بیشتر آن‌ها در این فرایندهای تصمیم‌گیری تنها نقش ناظر را بر عهده دارند. هدف این پژوهش واکاوی و تبیین نقش زنان در کنترل تسلیحات بین‌المللی؛ با تمرکز بر قطعنامه‌های سازمان ملل متحد در نگهداری از حقوق زنان است. در همین زمینه پرسش اصلی که در این پژوهش مطرح می‌شود این است زنان چه نقشی می‌توانند در کنترل تسلیحات بین‌المللی؛ با تمرکز بر قطعنامه‌های سازمان ملل متحد داشته باشند؟ رویکرد پژوهشی در این نوشتار مبتنی بر تحلیل کیفی است. روش گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، ارکان مختلف سازمان ملل متحد مانند شورای امنیت سازمان ملل متحد و مجمع عمومی سازمان ملل متحد تاکنون قطعنامه‌های مهم و در همان حال راهبردی در زمینه نقش زنان در کنترل تسلیحات بین‌المللی تصویب کرده‌اند. از مهم‌ترین قطعنامه‌های شورای امنیت می‌توان به قطعنامه 1325 شورای امنیت در 31 اکتبر 2000 و قطعنامه 1889 مصوب سال 2009 که به موانع مشارکت زنان در همه مراحل فرایند صلح می‌پردازد، اشاره کرد. نتیجه اینکه زنان می‌توانند نقش مهمی در پیشگیری از دشمنی و درگیری، کنش فعال در



کنترل تسلیحات، مذاکرات صلح، عملیات حفظ صلح و تلاش‌های بازسازی
پس از جنگ داشته باشند.

واژگان اصلی: کنترل تسلیحات، زنان، سازمان ملل متحد، صلح، شورای
امنیت.



Women's Role in International Arms Control: Focusing on UN Resolutions

Alireza Zamaniyan¹

As a realistic approach and standing in contrast to disarmament which is an idealistic approach, arms control is crucial for maintaining peace and security in the international system. The United Nations, regarded as the most inclusive and dependable international regime and institution, is dedicated to upholding international peace and security, a commitment explicitly outlined in the first article of the United Nations Charter. In this context, women, as civil society activists, leveraging their diverse roles at the community level, can significantly contribute to fostering peace and shaping decision-making processes in matters of peace and security. Despite this potential, most women are relegated to the role of observers in these decision-making processes. This research aims to analyze and elucidate the role of women in international arms control, with a specific focus on United Nations resolutions pertaining to the protection of women's rights. Central to this investigation is the question: What role can women play in international arms control, particularly through the

¹ Master's degree in International Relations, Arms Control Diplomacy; Faculty of Management and Industrial Engineering, Malek Ashtar University of Technology, Tehran, Iran. Email: politics1648@gmail.com.



lens of United Nations resolutions? The current study adopts a qualitative analysis approach, relying on library and document-based research methods to collect required data. The research findings highlight that various United Nations bodies, including the United Nations Security Council and the United Nations General Assembly, have endorsed significant and strategic resolutions concerning the role of women in international arms control. Notably, Security Council Resolution 1325, passed on 31 October 2000, and Resolution 1889, ratified in 2009, address the impediments to women's participation across all stages of the peace process. Consequently, women can assume pivotal roles in conflict prevention, active engagement in arms control, peace negotiations, peacekeeping operations, and post-conflict reconstruction efforts.

Keywords: Arms control, Women, United Nations, Peace, Security Council.



درگیری مسلحانه حماس و اسراییل در باریکه غزه و حقوق زنان



مهدی ذاکریان^۱

جداکردن حقوق بشر و حقوق بشردوستانه از حقوق زنان و وضعیت زنان، کودکان، سالخوردگان و مانند آنها در زمان جنگ و صلح، زیبا و بهینه نیست. چه تفاوتی میان آحاد بشر وجود دارد؟ زنان نیز مانند مردان، از توان اندیشه، امرار معاش، اداره امور و مانند آن برخوردارند. مردان و زنان هر دو حق حیات دارند و شکنجه و ستم به هریک، به یک اندازه ناپسند است. با این همه، به واسطه برخی نابرابری‌های اعمال‌شده در تاریخ حیات بشر و برای جبران مافات و پیشگیری از تکرار خطاهای گذشته، در متون و ادبیات حقوق بشر و حقوق بشردوستانه توجه ویژه‌ای به موضوع زنان شده است. در نزاع کنونی حماس در هفتم اکتبر ۲۰۲۳ با اسرائیل و واکنش نظامی اسرائیل، شمار فراوانی از مادران، دختران و زنان غیرمسلح از دو طرف منازعه مورد حمله و آسیب هدفمند و عمدی قرار گرفتند. این موضوع نشانگر آن است که رعایت و توجه به زنان در این درگیری مسلحانه، در هر شرایطی نیازمند رعایت ویژه قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه و کنوانسیون‌های ژنو و حقوق بشر از سوی دو طرف مخاصمه است. پرسش اصلی نگارنده این است که چرا دو طرف منازعه اخیر حماس و اسرائیل، به رعایت حقوق و احترام زنان توجه نکرده و آنها را مورد حمله

^۱ دانشیار دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات



هدفمند قرار دادند. نگارنده با بهره‌گیری از داده‌های مکتوب و تجربه مطالعاتی ده ساله اسراییل‌شناسی، این فرضیه را مورد آزمون قرار می‌دهد که باورهای ایدئولوژیک دو طرف مخاصمه موجب بهره‌گیری از انسان‌ها، به‌ویژه زنان، به‌عنوان سپر انسانی برای پیشبرد مقاصد توسعه‌طلبانه سیاسی می‌شود. متغیرهای وابسته این فرضیه، از زاویه اسراییل، ماندگاری همیشگی اسراییل در سرزمین‌های اشغالی و از زاویه حماس، نابودی اسراییل است. روش پژوهش، تحلیل محتوا بوده و از منابعی چون مقاله‌ها، کتاب‌ها، مصاحبه‌ها و معاشرت علمی با اندیشمندان صاحب‌نظر در موضوع و مشاهده روش‌مند رخدادها و روندهای حقوقی-سیاسی منطقه استفاده شد.

واژگان اصلی: زنان، غزه، اسراییل، حماس، درگیری‌ها، حقوق بشر، حقوق بشردوستانه.



Armed Conflicts Between Hamas and Israel in the Gaza Strip and Their Effect on Women's Rights

Mahdi Zakerian¹

The segregation of human rights and humanitarian rights into women's rights and non-women ones is not a good practice. What sets apart different human beings? Women, like men, have the capacity to think, earn a living, manage affairs, and so on. Both men and women have the right to life, and torture and oppression of either gender are equally abhorrent. However, as a result of historical inequalities and in an effort to rectify past mistakes and prevent their recurrence, special attention has been paid to women in human rights and humanitarian rights. In the recent conflict between Hamas and Israel on 7 October 2023 and Israel's military response, a significant number of unarmed mothers, daughters, and women were deliberately targeted and harmed by both sides of the conflict. This underscores the need for special adherence to the rules of international humanitarian law, the Geneva Conventions, and human rights with regard to women in armed conflicts, regardless of the circumstances. In the present study, the researcher's primary inquiry was why the parties involved in the recent conflict, Hamas and Israel, disregarded women's rights and targeted them. Drawing on written data and a decade of

¹ Associate Professor at the Faculty of Law, Theology, and Political Sciences, Islamic Azad University, Science and Research Branch.



experience studying Israel, the researcher tested the hypothesis that the ideological beliefs of warring parties lead them to use human beings, particularly women, as human shields to advance their political objectives. The dependent variables of the study, from Israel's perspective, were its permanent presence in the occupied territories, and from Hamas' perspective, the destruction and disappearance of Israel. The research method employed was content analysis, utilizing sources such as articles, books, interviews, and systematic observation of legal-political events and trends in the region, in addition to scientific collaboration with experts in the field.

Keywords: Women, Gaza, Israel, Hamas, Conflicts, Human Rights, Humanitarian Rights.



صلح اجتماعی، اصلاح اجتماعی

۱ محمد مهدی مجاهدی

در ادبیات صلح پژوهی، برداشت امنیتی از صلح دیدگاه رایجی است که از واقع‌گرایی سیاسی جان و مایه می‌گیرد. در این برداشت، صلح فقط یکی از حالت‌های موازنه قواست که نه لزوماً همیشه مطلوب است و نه معمولاً پایدار. از این دیدگاه، گاهی با برداشتی مردم‌انگیز و شبه‌دموکراتیک، استدلال می‌شود که صلح تنها هنگامی ممکن است مطلوبیت و مقبولیت یابد و به حالت پایدار نزدیک شود که حالتی خاص از موازنه قوا برقرار



شود. آن حالت خاص از موازنه‌ی قوا وقتی برقرار می‌شود که نیروهای قاعده‌گذار بتوانند با حفظ و بسط و اعمال مؤثر فرادستی خود، اطاعت رضایت‌آمیز یا سازگاری مصلحت‌آمیز نیروهای فرودست و قاعده‌گریز را به نفع خود برانگیزند. صلح اجتماعی، به‌ویژه با تأکید بر عاملیت فعال فرودستان، و از جمله گروه‌هایی از زنان، در برابر این نگاه واقع‌گرا می‌ایستد و خوانش‌های مردم‌انگیز و شبه‌دموکراتیک به صلح را به چالش می‌کشد. در برداشت مردم‌انگیز از صلح واقع‌گرایانه، درون‌مایه‌ی اصلی صلح، امنیتی است که مشتقی از موازنه‌ی قوا باشد و از این رو، فعالیت‌های نیروهای فرودست و قاعده‌گریز برای برقراری صلح اجتماعی همیشه مورد ظن و در معرض امنیتی‌سازی از سوی نیروهای قاعده‌گذار قرار می‌گیرد. در این مقاله می‌کوشیم استدلال کنیم، نخست، چگونه فعال‌شدن کنشگری زنان می‌تواند جریان صلح اجتماعی را نه‌تنها شتاب دهد، بلکه آن را از نو تعریف کند و ابعاد جدیدی به آن ببخشد. دوم، چرا صلح اجتماعی، و به‌ویژه فعال‌شدن زنان، در گام نخست، نیازمند اصلاح اجتماعی است.

واژگان اصلی: صلح اجتماعی، امنیتی‌سازی، کنشگری فعال زنان، اصلاح اجتماعی، مردم‌انگیزی.



Social Peace and Social Reform

Mohammad Mehdi Mojahedi¹

In the field of peace studies, the prevailing security-oriented perspective on the concept of peace is rooted in political realism. According to this viewpoint, peace is considered merely as one potential outcome in the equilibrium of power dynamics, which is not always inherently desirable or stable. This perspective, often characterized by a populist and quasi-democratic approach, asserts that peace becomes desirable and acceptable only when a specific equilibrium is achieved in power dynamics. This equilibrium is, in turn, established when dominant forces can elicit satisfactory compliance or expedient adaptation from subordinate and non-rule-seeking forces, thereby maintaining, expanding, and leveraging their effective influence. Contrary to this realist perspective, social peace, particularly emphasizing the active participation of marginalized groups, including women, challenges populist and pseudo-democratic interpretations. Within the framework of realist peace, the central theme revolves around security, which stems from the balance of power. Consequently, the actions of subordinate and rule-avoiding forces in establishing social

PhD in Political Science and Assistant Professor at the Research ¹
Institute for Humanities and Cultural Studies. Email:
mm.mojahedi@gmail.com.



peace are always looked at with suspicion and are subject to scrutiny by the ruling forces. This paper sought to argue two main points: (1) how the empowerment of women can hasten the realization of social peace and redefine it with new dimensions; and (2) why achieving social peace, particularly through women's empowerment, necessitates initial social reform.

Keywords: Social Peace, Securitization, Women's Active Agency, Social Reform, Demagogy.



حقوق زنان، سازمان ملل متحد و ابتکارهای صلح آفرین

ا^۱قربانی محبوبه

حقوق زنان از موضوع‌های مهم در حوزه حقوق بشر است که برای دستیابی به برابری جنسیتی و رفع تبعیض، نیازمند تلاش‌های گسترده و هماهنگ است. در سال ۱۹۴۵، با تشکیل سازمان ملل متحد، احترام به حقوق بشر و اعلام حقوق اساسی انسان و تساوی حقوق مرد و زن، به‌عنوان آرمان‌های سازمان ملل معرفی و از دولت‌های عضو درخواست شد

¹ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد غرب تهران، ایران. ایمیل: Mahboubehghorbani28@gmail.com



در تحقق این اهداف، همکاری کنند. برای افزایش حساسیت و توجه دولت‌ها، هشتم مارس، روز سازمان ملل متحد برای حقوق زنان و صلح بین‌المللی و 25 نوامبر، روز بین‌المللی حذف خشونت علیه زنان نامگذاری شد. در گذشته، رفتار ظالمانه و نابرابر با زنان در سراسر جهان حکایت از غفلت جوامع بشری در طول تاریخ داشت، اما با تاسیس سازمان ملل متحد و تلاش صلح‌طلبان جهان، اقدام‌های مؤثری در جهت احترام مجدد به حقوق زنان صورت گرفت. سازمان ملل متحد، در حال حاضر با ۱۹۳ عضو، شش رکن اصلی و تعداد زیادی ارکان فرعی و سازمان‌های تخصصی، در زندگی بشر نقش مؤثری دارد. برای بررسی کنش‌گری و تأثیر سازمان ملل در نظام بین‌الملل نامطمئن امروز و اینکه چگونه سازمان ملل متحد و ابتکارهای صلح‌آفرین به بهبود حقوق زنان در جهان کمک می‌کند، نیاز به مطالعات گسترده‌ای در زمینه فعالیت‌های این سازمان است. زنان به‌عنوان نیمی از جوامع بشری، اکنون به‌عنوان چالش حساس و قابل توجه تمام نهادهای بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی مطرح می‌شوند. فرضیه این پژوهش عبارت است از اینکه: سازمان ملل متحد و ابتکارهای صلح‌آفرین، با ارائه برنامه‌هایی برای بهبود حقوق زنان در سطح جهانی می‌توانند بهبود قابل توجهی در شرایط زنان در سراسر جهان ایجاد کنند. در این پژوهش از ابزار کتابخانه‌ای، گزارش‌های سازمان ملل متحد و سایر منابع استفاده شد. سازمان ملل متحد از راه تصویب اسناد معتبر بین‌المللی، تأسیس نهادهای ویژه زنان و برگزاری همایش‌های جهانی با موضوع زنان، نقشی



پویا در زمینه تقویت رویکرد جنسیتی و هنجارسازی در حوزه زنان در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی داشته است. این سازمان در جهت ترویج حقوق زنان و رفع تبعیض، ابتکارهای صلح‌آفرینی را در سطح جهان به‌عنوان راهکارهایی برای دستیابی به برابری جنسیتی پیشنهاد داده است، از جمله برگزاری همایش‌های جهانی و تشکیل کارگروه‌هایی برای ترویج حقوق زنان در کشورها، همکاری با سازمان‌های مردم‌نهاد و نهادهای دولتی، اقدام به ترویج آموزش و پرورش و آگاهی‌بخشی به زنان، ارتقاء شغلی و اقتصادی زنان، ترویج برابری جنسیتی در محیط کار و حمایت از حقوق زنان در قوانین و مقررات داخلی کشورها. این برنامه‌ها می‌توانند بهبود قابل توجهی در شرایط زنان در سراسر جهان ایجاد کنند.

واژه‌های اصلی: حقوق زنان، سازمان ملل متحد، ابتکارهای صلح‌آفرین، تساوی جنسیتی.



Women’s Rights, the United Nations, and Peace-Building Initiatives

Mahboubeh Ghorbani¹

The issue of women’s rights is a crucial aspect of human rights, necessitating extensive and coordinated efforts to attain gender equality and eradicate discrimination. With the establishment of the United Nations in 1945, the pursuit of human rights, including the assertion of basic human rights and the equal rights of men and women, became a primary goal. Member states were called upon to collaborate in achieving these objectives. To heighten government sensitivity and attention, the 8th of March was designated as the United Nations Day for Women’s Rights and International Peace, and 25 November was declared the International Day for the Elimination of Violence against Women. Historically, the mistreatment and inequality faced by women worldwide reflected the disregard on the part of human societies. However, the establishment of the United Nations and the efforts of global peacemakers have led to effective measures to reassert women’s rights. With 193 member states, six main organs, and numerous subsidiary bodies and specialized

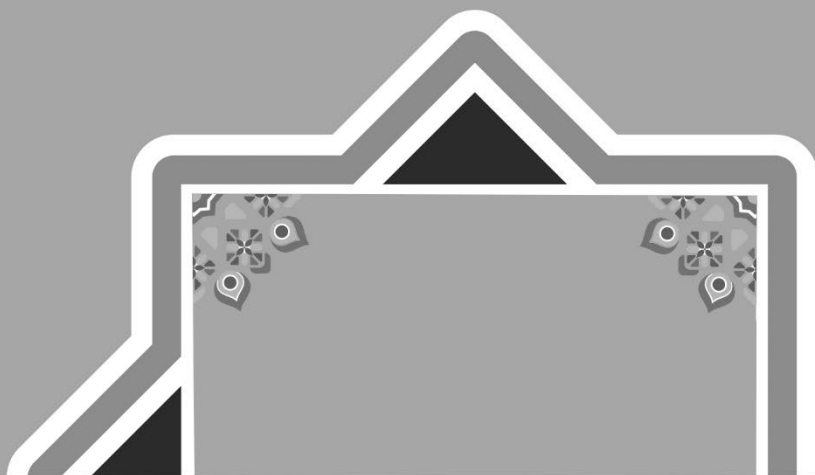
¹ Law Master's student, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, West Branch, Tehran, Iran. Email: Mahboubehghorbani28@gmail.com



agencies, the United Nations plays a pivotal role in human life. Accordingly, extensive research is required to examine the United Nations' activism and impact in today's dynamic and uncertain international system, as well as how its peace-building initiatives contribute to the advancement of women's rights globally. Women, constituting half the population of human societies, are now posing a significant and sensitive challenge for all international, regional, and domestic institutions. The present research hypothesizes that, through global programs aimed at enhancing women's rights, the United Nations and its peace-building initiatives can substantially improve women's status worldwide. The study utilized the library method, United Nations reports, and other sources. By endorsing valid international documents, establishing specialized women's institutions, and convening international conferences on women, the United Nations has played a dynamic role in bolstering the gender approach and setting norms in the political, economic, and social spheres. To promote women's rights and eliminate discrimination, the Organization has proposed peace-building initiatives at the global level, like convening international conferences and launching working groups to advocate for women's rights in countries, collaborating with non-governmental organizations and government institutions, and taking action to enhance education and awareness for women, as well as promoting their professional and economic advancement, gender equality in the workplace, and safeguarding women's rights in domestic laws and regulations. These programs have the potential to significantly improve women's conditions all around the world.

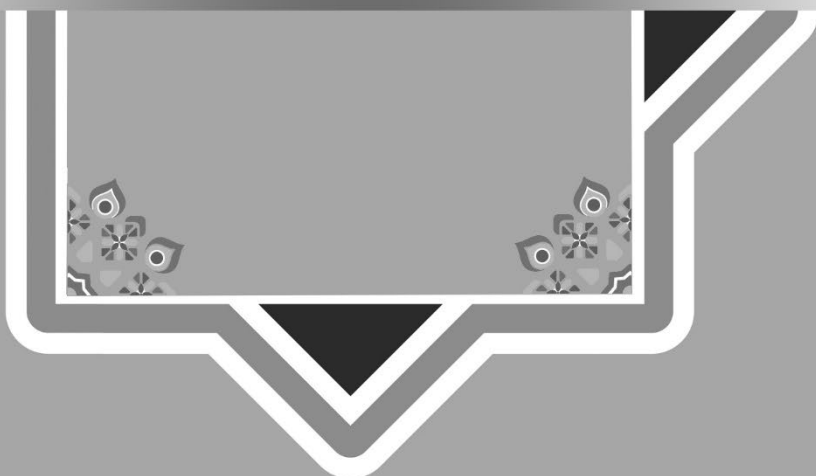


Keywords: Women's Rights, United Nations, Peace-Building Initiatives, Gender Equality.



محور چهارم: صلح اجتماعی، حقوق زنان و

فناوری های نوین





حقوق بشر زنان در پرتو گسترش هوش مصنوعی



کاربرد هوش مصنوعی در برقراری صلح اجتماعی در حوزه زنان

علی اصغر داودی¹

صلح اجتماعی شیوه‌ای از زیست اجتماعی است که در آن بین افراد، روابطی مبتنی بر احترام متقابل، عدالت، تعاون و همبستگی بنا شده باشد و برای همه اعضا (از زن و مرد) صلح و آرامش از راه حل و فصل صحیح و غیرخشونت‌آمیز اختلاف‌ها، تأمین نیازهای اساسی و ایجاد فرصت‌های برابر برای رشد و ارتقا و نیز عدالت جنسیتی به دست آید. صلح اجتماعی بدین

¹ عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد.

ndavoudi@gmail.com



معنا، تنها در نبود جنگ و خشونت محدود نمی‌شود، بلکه بیشتر به خلق محیطی پایدار و آرام برای رشد و توسعه همه افراد جامعه اشاره دارد. متأسفانه در جامعه ما که نیمی از جمعیت آن، یعنی زنان؛ از نابرابری، تبعیض و بی‌عدالتی رنج می‌برند، برقراری صلح اجتماعی به معنای بالا اگر نه امری محال، بلکه دشوار به نظر می‌رسد. بی‌تردید استفاده از ابزارها و سازوکارهای مناسب می‌تواند ما را در رسیدن به این آرمان یاری رساند. امروزه استفاده از فناوری در حال تحول هوش مصنوعی زندگی بشر را در آستانه دگرگونی بزرگی قرار داده است، فناوری که در پی استخراج الگوها و دانش از داده‌ها و استفاده از آن‌ها برای حل مسائل، گرفتن تصمیم‌های بهتر و در نهایت افزایش کارایی سیستم‌ها در حل مسائل پیچیده و بهبود کیفیت خدمات و تجربه کاربران است. پرسشی که مقاله حاضر آن را به کاوش گرفته این است که تا چه حد این فناوری نوین می‌تواند در خدمت تحقق صلح اجتماعی در حوزه زنان قرار گیرد؟ فرضیه طرح شده این است که هوش مصنوعی به عنوان یک فناوری نوین و قدرتمند، می‌تواند در برقراری صلح اجتماعی در حوزه زنان نقش مهمی داشته باشد و امکانات جدیدی برای بهبود وضعیت زنان در جامعه به‌وجود آورد. در این مقاله با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون تلاش شده دیدگاه‌های صاحب‌نظران در حوزه فناوری و نیز حقوق زنان مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که فناوری هوش مصنوعی می‌تواند با تحلیل داده‌ها و شناسایی نقاط ضعف، افزایش آگاهی و ترویج آموزش، ارتباطات و



شبکه‌سازی، حل اختلاف‌ها و تسهیل مذاکرات، مدیریت منابع و پشتیبانی مالی، تعامل با سازمان‌های بین‌المللی، انتقال تجربه‌ها و طرح‌های موفق در حوزه زنان به برقراری صلح اجتماعی در این حوزه کمک کند.

واژگان اصلی: برابری جنسیتی، حقوق زن، صلح اجتماعی، هوش مصنوعی.



The Use of Artificial Intelligence in Establishing Social Peace in the Field of Women

Ali Asghar Davoudi¹

Social peace is a way of social life in which relationships based on mutual respect, justice, cooperation and solidarity are established between people, and peace and tranquility for all members (both men and women) through the correct and non-violent resolution of disputes. providing basic needs and creating equal opportunities for growth and promotion as well as gender justice. In this sense, social peace is not only limited to the absence of war and violence, but rather refers to the creation of a stable and peaceful environment for the growth and development of all members of society. Unfortunately, in our society, half of its population, that is, women; They suffer from inequality, discrimination and injustice, establishing social peace in the above sense seems difficult, if not impossible. Undoubtedly, the use of appropriate tools and mechanisms can help us achieve this goal. Today, the use of the evolving technology of artificial intelligence has put human life on the threshold of a great transformation, a technology that seeks to extract patterns and knowledge from data and use them to solve problems, make better decisions, and ultimately increase the efficiency of systems

¹ Member of the Faculty of Political Science, Islamic Azad University, Mashhad Branch.



in solving problems. complex and improve the quality of service and user experience. The question that this article explores is to what extent this new technology can serve to achieve social peace in the field of women? The proposed hypothesis is that artificial intelligence, as a new and powerful technology, can play an important role in establishing social peace in the field of women and create new possibilities for improving the status of women in society. In this article, using the method of thematic analysis, the opinions of experts in the field of technology and women's rights have been analyzed. The findings of the article show that artificial intelligence technology can analyze data and identify weaknesses, increase awareness and promote education, communication and networking, resolve disputes and facilitate negotiations, manage resources and financial support, interact with international organizations, transfer experiences and successful projects in The field of women should help to establish social peace in this field.

Keywords: Gender Equality, Women's Rights, Social Peace, Artificial Intelligence.



آینده، فرصت‌ها و تهدیدهای پیشروی زن ایرانی

^۱محدثه جزائی

هنگام صحبت کردن از زنان و مقوله جنسیت، همواره بر کاستی‌ها، ستم‌ها، محدودیت‌ها و در یک کلمه «نقصان»‌ها تاکید می‌شود، این در حالی است که فرصت‌ها و دستاوردهای جامعه زنان ایران و «پیشروی آرام» آن‌ها برای تحقق مطالبه‌ها و خواسته‌ها مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. این دید نامتوازن نسبت به زن ایرانی که زنان را گویی همواره محروم، منفعل، طردشده، سرکوب‌شده و عقب‌نگاه‌داشته شده تصویر می‌کشد، موجب از دست‌رفتن آینده و فرصت‌های آن می‌شود. بر همین

^۱ استادیار دانشکده حکمرانی دانشگاه تهران jazae1366@gmail.com



اساس پرسش این نوشتار بر پایه مطالعات پیشینی در مورد چشم‌انداز آتی وضعیت زنان در جهان (طرح هزاره-۲۰۱۷) این است که چه فرصت‌ها و تهدیدهایی پیش‌روی جامعه زنان ایران قرار دارد. به نظر می‌رسد رشد و تغییر شتابان اجتماع‌های انسانی به دلیل پدید آمدن نسل تازه‌ای از فناوری‌ها، به‌ویژه نسل جدید هوش مصنوعی، دریچه‌ای فراخ را برای نگاه به آینده فراهم کرده است و از چنین نظرگاهی می‌توان فرصت‌هایی را که فراهم شده و یا فراهم خواهد شد، به‌منظور بهره‌گیری هرچه بیشتر دریافت و برای آینده آماده شد. با توجه به پژوهش‌های صورت‌گرفته و سناریوهای طرح‌شده برای وضعیت زنان در آینده می‌توان موارد زیر را به‌عنوان پیش‌ران‌های اساسی برای شناسایی تغییرهای پیش‌روی جامعه ایرانی در نظر گرفت: آموزش و تحصیلات عالی، رشد اقتصاد خصوصی، رشد فردگرایی، توسعه آگاهی‌های عمومی و توسعه شبکه‌های ارتباط جمعی. این پیش‌ران‌ها تغییرهای آتی جامعه زنان را شکل خواهد داد و متاثر خواهد ساخت. اما خوش‌بینی به‌آینده و تمرکز بر فرصت‌ها نباید موجب نادیده‌گرفتن تهدیدها شود. چرا که دریچه فراخ آینده، به همان میزان که خوشامدگویی فرصت‌ها است، می‌تواند تهدیدهای بسیار زیادی را نیز متوجه دستاوردهای جامعه زنان کند. در این نوشتار، با توجه به سناریوهای مطرح‌شده در مورد آینده زنان در جهان، تلاش می‌شود تا موقعیت‌ها و فرصت‌های از یک‌سو و مخاطره‌ها و تهدیدهای پیش‌روی زنان



ایرانی از سوی دیگر در چهار حوزه آموزشی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مورد توجه قرار گیرد.

واژگان اصلی: آینده‌پژوهی، پیشروی آرام، زنان، سناریونویسی، هوش مصنوعی.



The Future, Opportunities and Threats Facing Iranian Women

Mohadese Jazaei¹

When discussing women and gender, there is often a focus on the shortcomings, oppressions, and limitations, and Iranian women's achievements and slow progress in fulfilling their demands are generally overlooked. This unbalanced view, which portrays women as always deprived, passive, rejected, repressed, and hindered creatures leads to the loss of their future and opportunities. Accordingly, and drawing on previous studies about the future perspective of women's status in the world (Millennium Project-2017), this paper aims to address the question of what opportunities and threats are facing Iranian women. The rapid growth and changes in human societies due to the emergence of new technologies, especially new generations of AI, have provided a wide window to look into the future, facilitating our access to existing or future opportunities. According to the research conducted so far and the scenarios planned for women's status in the future, the following factors can be considered as key drivers for change in Iranian society: Tertiary and other forms of education, and growth of the private economy, individualism, public awareness, and mass

¹ Assistant Professor, Faculty of Governance, University of Tehran.
Email: jazaei1366@gmail.com.



communication networks. While it is important to have an optimistic focus on opportunities, it is also crucial not to ignore threats. The present paper aims to consider both the opportunities and threats facing Iranian women in the fields of education, economy, politics, and society.

Keywords: Future Studies, Slow Progress, Women, Scenario Writing, Artificial Intelligence (AI).



رسانه‌های نوین و رفع شکاف اطلاعاتی زنان در جهت صلح اجتماعی



شبکه‌های اجتماعی رسانه‌ای، صلح و زنان

زهرا نژادبهرام^۱

شبکه‌های اجتماعی مجازی یا رسانه‌های نوین فرصتی یگانه برای ارتقا مشارکت جویی و مشارکت‌پذیری و اجتماعی‌کردن زنان در قرن حاضر است؛ این رسانه‌ها با ویژگی‌های متمایز، مانند آسان بودن دسترسی، ارزان بودن، گسترش فراگیر، بستری برای ارتباط فعال و منبعی برای دریافت آگاهی، مسیر رشد زنان را در همه جهان تسهیل کرده‌اند. این

^۱ دکتری علوم ارتباطات، مدرس دانشگاه و فعال حوزه زنان
mnejadbahramster@gmail.com



شبکه‌ها، تحولی شگرف در اندیشه، رفتار و دسترسی به هویت جمعی ایجاد کرده‌اند؛ رسانه‌های نوین که بر بستر شبکه‌های مجازی گسترش یافته‌اند، با تشکیل جهان مشترک برای زنان بستری برای انتقال تجارب و فرصتی برای آموزش و آگاهی در کنار کسب هویت جمعی یا همان تشکل‌گرایی که کالایی کمیاب در حوزه اجتماعی ایجاد کرده‌اند. دردهای مشترک، تنش‌های مداوم، مشکلات محیط زیستی و بحران‌های اقتصادی و نظامی ... که جمله در اولین مخاطب زنان را هدف گرفته‌اند، با اتکا به این شبکه‌های عمومی شده و زنان با درک این مهم در این زیست‌جهان مشترک در پی جستجوی راههای مقابله با آن هستند. روش این مطالعه بهره‌گیری از ظرفیت‌های مطالعات پیشین بر مبنای کتابخانه‌ای با تکیه بر هدف توسعه‌ای با پارادایم تفسیری و روش کیفی است. این نوشتار در پی پاسخ به این پرسش اصلی است که آیا در بستر شبکه‌های ارتباطی تحقق صلح در جهان با کمک زنان امکان‌پذیر است؟ فرضیه قابل پیگیری این است که از آنجا که پیشران تحقق صلح در شبکه‌سازی و اشتراک تجربه‌ها و جستجوی راه کارهای عملی برای آن است، که زنان در این حوزه‌ها توانمندی لازم را دارند. آنها در کشاکش خشونت ناشی از بحران و تنش و درگیری آموخته‌اند که آنچه می‌تواند به آنها کمک کند مفعول خشونت یا همان خشونت‌دیده است!

واژگان اصلی: رسانه‌های نوین، شبکه‌های اجتماعی، زیست‌جهان مشترک، صلح، زنان، خشونت.





Social Media Networks, Peace, and Women

Zahra Nejadbahram¹

In the 21st century, virtual social networks and new media offer a unique opportunity to promote women's participation and socialization. These platforms have played a key role in raising awareness among women worldwide, offering easy access, affordability, and a widespread reach, while also providing a space for active communication and knowledge sharing. The impact of these networks has been transformative, influencing attitudes, behaviors, and the development of a collective identity. They have created a global space for women to exchange experiences, gain education and awareness, and form a collective identity, which is often lacking in traditional social spheres. The rise of new media on virtual networks has provided a platform for women to address common challenges such as ongoing tensions, environmental issues, and economic and military crises, which target women in the first place. By leveraging these networks, women have been able to bring attention to these issues and seek solutions. The present study employs a library approach, drawing on previous research, and adopts a qualitative and interpretative paradigm to explore the potential for women to contribute to global peace through these communication networks. The central question of

¹ Researcher and PhD in Political Science. Email: mnejadbahramster@gmail.com



this paper is whether women, through their engagement in these communication networks, can play a role in achieving global peace. Given that networking, sharing experiences, and seeking practical solutions are essential for realizing peace, and women possess these capabilities, they have learned, amidst the challenges of violence caused by crises, tensions and conflicts, that the key to addressing the issue of violence is in the hands of the objects of violence.

Keywords: New Media, Social Networks, Common Lifeworld, Peace, Women, Violence.



زنان و چشم‌انداز صلح در روند توسعه فناوری‌های

بشر دوستانه



جهانی‌شدگی فرهنگ و اجتماع از راه فناوری‌های نوین و تاثیر آن بر کاهش خشونت علیه زنان

^۱عباسقلی انصاری

^۲فریبا رضایی

اگر ابتدای موضوع خشونت علیه زنان را بر اساس تعریف سازمان متحد قرار دهیم که می‌گوید خشونت علیه زنان هر عمل خشونت آمیزی که بر پایهٔ اختلاف جنسیت باشد و به آسیب و رنج بدنی جنسی یا روانی زنان بینجامد یا احتمال منجر شدن آن به این نوع آسیبها و رنجهای وجود داشته

^۱ عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد تاکستان، ایران.

^۲ عضو شورای مرکزی و رئیس دفتر حقوقی جمعیت حمایت از حقوق بشر زنان، ایران.



باشد و چنانچه دیگر مبنای موضوع را به قبول این نکته استوار کنیم که خشونت سایبری علیه زنان و دختران همانند خشونت فیزیکی زیانبار و آزار دهنده است ضمن قبول اینکه یکی از اصلی‌ترین قربانیان خشونت در جهان زنان هستند و با پیشرفت جوامع و فناوری و جهانی شدن ارتباطات گستره اعمال خشونت‌آمیز علیه زنان تغییر شکل داده و در اشکال مختلف بروز می‌کند. کاهش سطح خشونت در تمام سطوح خود، نخست موجد ضرورت طراحی مسیرهای منتهی به تحقق صلح اجتماعی است و در این میان شکل‌گیری اجماع جهانی در تهیه این مسیر امری دوری‌ناپذیر می‌نماید. اکنون که دهکده جهانی در شرف تحقق تام و تمام است لازم است انسانها به سواد جدیدی به نام سواد رسانه دست یابند. گرچه رسانه آن هم در محیط دیجیتال مانند شمشیری دولبه است. اما قابل انکار نیست که بواسطه همین فضا می‌توان با به در آفتاب کشاندن و پرده برداشتن و انتقال تجربه‌ها و توضیح خشونت با تحمیل بار رسوایی بر عاملان آن ساده‌انگاری تعرض به حقوق زنان را مخدوش کرد. به‌طور قطع گسترش فضای مجازی و تسهیل و تسریع دسترسی به آن از مهمترین عوامل امروزی در گسترش مبارزه با خشونت علیه زنان و مهار آن است. در همین زمینه اراده حکومت‌ها که مشرف بر این فضا بوده و نبض آن را در اختیار دارند، در تبیین مسیر تحقق عدالت اجتماعی و رفع موانع و در جهت دست یافتن به صلح اجتماعی ضروری می‌نماید که نیازمند درک واقعیت غیرقابل انکار و پرهیز از پدیدآمدن اشکال جدیدی از ارتباطات



انسانی در جوامع بشری است که به مثابه قطاری پرسرعت جوامع سنتی و جدید را در نور دیده و نوع جدیدی از زیست انسانی را به جهانیان معرفی و عرضه می‌کند.

واژگان اصلی: صلح اجتماعی، خشونت علیه زنان، فناوری‌های نوین، دهکده جهانی.



Globalization of Culture and Society Through New Technologies and Its Impact on Reducing Violence Against Women

Abbasqoli Ansari¹
Fariba Rezaei²

The issue of violence against women can be approached from the perspective of the United Nations, which defines it as any act of violence rooted in gender differences, resulting in physical, sexual, or psychological harm, or the potential for such harm. Acknowledging that cyberviolence against women and girls is as detrimental as physical violence, it is crucial to recognize that women are among the primary victims of violence globally. As societies, technology, and communication become more interconnected, the landscape of violent acts against women has evolved into various forms. Mitigating violence across all levels necessitates the development of pathways towards achieving social peace. Consequently, establishing a global consensus to pave the way forward becomes imperative. As the global village nears full realization, it becomes essential for individuals to attain a new type of literacy called media literacy. While the digital

¹ Faculty member of Takestan Azad University, Iran.

² Member of the Central Council and head of the legal office of the Women's Human Rights Protection Society, Iran.



environment presents a double-edged sword in the form of media, it also offers an opportunity to challenge the simplistic portrayal of women's rights violations by sharing experiences and clarifying the nuances of violence. Undoubtedly, the expansion of cyberspace and the increased ease of access to it play a significant role in broadening the fight against violence against women and curtailing its prevalence. In this context, the commitment of governments, which oversee and regulate this space, becomes a critical factor in articulating a path towards social justice and removing barriers to its realization. Moreover, it is vital to comprehend the undeniable reality of the emergence of new forms of human communication within societies, which are rapidly evolving in both traditional and modern settings, presenting a new facet of human life to the world.

Keywords: Social Peace, Violence against Women, New Technologies, Global Village.



نقش زنان فعال در حوزه فناوری‌های نوین در صلح آفرینی



تأثیر فناوری‌های نوین بر توانمندی‌های سیاسی زنان

اسیده زهرا موسوی

فناوری‌های نوین از مهمترین و موثرترین عوامل شکل‌گیری جوامع آینده خواهند بود. پیشرفت و دامنه تأثیر فناوری‌ها چنان پر شتاب است که تصور آن‌ها شگفتی‌ساز است. فناوری‌های نوین بسیاری از الگوهای اجتماعی و سنتی رایج را به چالش کشیده است. در چند دهه اخیر و با

¹ دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد واحد شاهرود
musavisz2002@yahoo.com



پیدایی فناوری‌های نوین منابع جدیدی برای به‌دست آوردن قدرت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به‌وجود آمده و قابلیت‌های زیادی جهت توانمندسازی گروه‌های اقلیت از نظر جغرافیایی، نژادی و حتی جنسیتی فراهم کرده است. امروزه شاهد فعالیت‌های زنان در حوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی در مشاغلی که در دهه‌های اخیر اغلب در اختیار مردان بوده هستیم. شاید مهمترین دلیل این امر عبور فناوری‌های نوین از مرزهای جنسیتی و ایجاد فرصت‌های برابر برای همه فارغ از جنسیت است که هر کس بتواند با تلاش و آموزش و مهارت‌آموزی موفق به کسب جایگاه مناسب گردد. در طول تاریخ مردان همواره با نگرشی مثبت نسبت به توانمندی‌های خود و شناخت نیازمندی‌های زنان در جهت تثبیت قدرت و موقعیت خود جایگاه برتر را در اختیار داشته‌اند. اما زنان نسبت به توانمندی خود و نیاز مردان، بی‌تفاوت و یا کم‌توان عمل کردند. با توجه به قابلیت‌های کم‌نظیر و غیر قابل پیش‌بینی رشد فناوری‌های نوین در همه‌لایه‌های زندگی بشر می‌توان انتظار داشت که زنان هم نگرشی مثبت نسبت به توانمندی‌های خود بدست آورند. پرسش اصلی این مقاله این است که فناوری‌های نوین که قابلیت‌های فراجنسیتی دارند، زنان چگونه می‌توانند با حفظ خصوصیات زیستی الگویی مثبت و الهام‌بخش در عرصه مشارکت سیاسی همسان با مردان و سرانجام جایگاه رهبری سیاسی را به‌دست آورند.



واژگان اصلی: فناوری‌های نوین، زنان، جنسیت، رهبری سیاسی،
مشارکت سیاسی.



The Impact of New Technologies on Women's Political Abilities

Seyed Zahra Mousavi¹

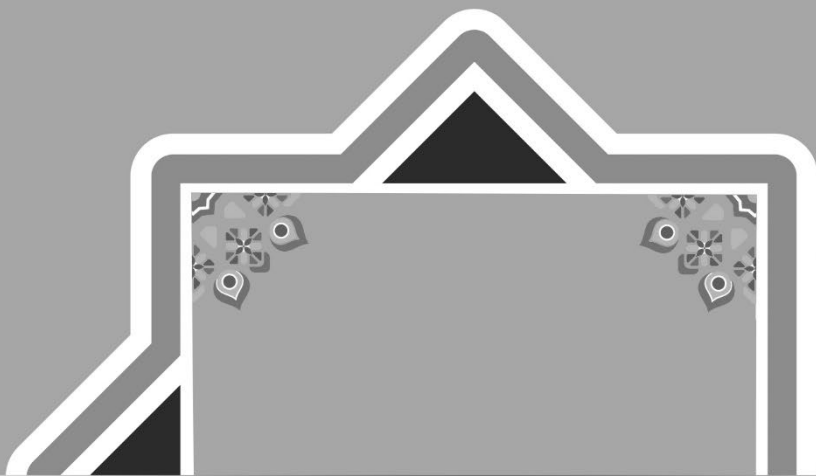
As one of the most vital and effective factors in the formation of future societies, new technologies exert a profound and swift impact that defies imagination. The advancements have disrupted established social and traditional norms during recent decades, creating new avenues for political, social, and economic empowerment. They have also facilitated the empowerment of minority

¹ PhD Candidate in International Relations, Islamic Azad University, Shahrood Branch. Email: musavisz2002@yahoo.com.

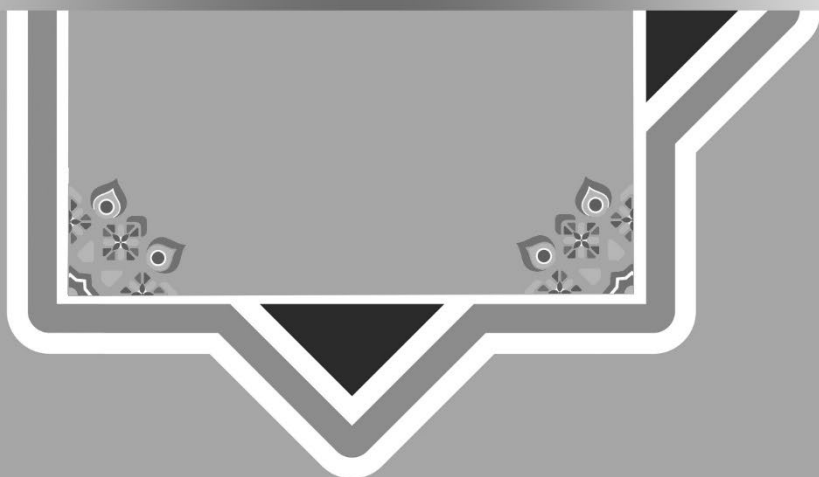


groups from geographical, racial, and gender perspectives. Notably, women have increasingly engaged in diverse spheres—social, economic, and political—previously dominated by men. This shift can be attributed, in large part, to the blurring of gender boundaries by new technologies, which have created equal opportunities for all individuals, irrespective of gender, enabling anyone to attain a suitable position through effort and training. Throughout history, while recognizing women’s needs, men have had a positive attitude towards their capabilities and held a superior position in securing and maintaining their power and status. Conversely, women have often been indifferent or undervalued in terms of their capabilities and the needs of men. Given the unique and unpredictable impact of new technologies on all aspects of human life, it is foreseeable that women will develop a more positive attitude towards their capabilities. This paper seeks to explore how modern technologies, with their transformative potential, can enable women to maintain their biological characteristics while becoming positive and inspirational models in political participation, ultimately achieving positions of political leadership equal to men.

Keywords: New technologies, Women, Gender, Political leadership, Political participation.



محور پنجم: صلح اجتماعی و حقوق زنان و
تغییرهای آب و هوایی





زنان و صلح آفرینی اقلیمی در جوامع بحران زده



تاب‌آوری اجتماعی زنان گامی به سوی صلح اجتماعی

¹شادی نصرالله‌زاده شالچی

تاب‌آوری اجتماعی به معنای توانایی گروهی از افراد برای مقابله با بحران‌ها و فشارهای اجتماعی و سیاسی، از موضوع‌های مهم و پرچالش جوامع امروز است. ظرفیت تاب‌آوری یک جامعه فرصتی است برای

¹ فعال حوزه زنان و کارشناس ارشد روابط بین‌الملل shalchishadi@gmail.com



پایداری و دستیابی به صلح اجتماعی. در ایران تاب‌آوری اجتماعی زنان، کمتر مورد مذاقه جدی قرار گرفته است. بنابراین در پژوهش حاضر برآنیم تا از راه پژوهش‌های کیفی انجام شده در رابطه با این موضوع و با استناد به آراء ویلیام نیل‌آدگر به بازشناسی این مساله بپردازیم. پرسش اساسی پژوهش حاضر این است که تاب‌آوری اجتماعی زنان ایران معلول چه شرایطی است و تاثیر آن بر صلح اجتماعی چیست؟ فرضیه مورد اعتنا این است که تاب‌آوری اجتماعی زنان نیازمند تقویت سرمایه اجتماعی آنان، افزایش سطح مشارکت سیاسی و اجتماعی و رفع کلیشه‌های فرهنگی-جنسیتی است. چنانچه سه متغیر بالا به میزانی برای زنان ایجاد شود، تاب‌آوری اجتماعی آنان تقویت و جامعه به سوی صلح اجتماعی رهنمون می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان از تایید فرضیه بالا را دارد؛ اما موانعی چون قوانین مردسالارانه، نابرابری‌های حقوقی، سهم اندک زنان از بازار کار، همزمانی چندین نقش و مسئولیت برای زنان و ضعیف‌بودن شبکه‌های ارتباطی زنان بر سر تحقق آن وجود دارد و بدین ترتیب دستیابی به صلح اجتماعی مشکل به نظر می‌رسد.

واژگان اصلی: تاب‌آوری، زنان، صلح اجتماعی، سرمایه اجتماعی، کلیشه‌های فرهنگی _ جنسیتی.



Women's Social Resilience: A Step Towards Social Peace

Shadi Nasrollahzadeh Shalchi¹

Social resilience, the ability of a community to deal with societal and political pressures and crises, stands as a pivotal and formidable concern in contemporary societies. The potential for resilience within a society offers the promise of attaining sustainability and fostering social peace. Despite its significance, the social resilience of women in Iran has received scant scholarly attention. Consequently, this study seeks to address the gap through qualitative research, drawing on the insights of William Neil Adger. The central inquiry of this research revolves around the conditions underpinning the social resilience of disabled Iranian women and its impact on social peace. The hypothesis posits that bolstering women's social resilience hinges on fortifying their social capital, enhancing levels of political and social engagement, and dismantling cultural and gender stereotypes. It is believed that if these three variables are cultivated to a certain degree among women, their social resilience will be fortified, thereby steering society towards social peace. The research findings substantiate the aforementioned hypothesis; however, they also highlight impediments such as patriarchal laws, legal inequalities, women's limited representation in the labour market, the simultaneity of

¹ Women's Studies Researcher and Master's degree in International Relations. Email: shalchishadi@gmail.com.



women's multiple roles and responsibilities, and the weakness of women's social networks. Consequently, achieving social harmony in such circumstances appears to be a formidable challenge.

Keywords: Resilience, Women, Social peace, Social Capital, Gender-Cultural Stereotypes.



توان‌افزایی زنان در رویارویی پیامدهای ناقض صلح

تغییرهای اقلیمی



Women's Role in Sustainable Development

Ulviyye Sanlı Aydın¹

Women play a crucial role in societies worldwide, taking on responsibilities such as childbirth, which ensures population continuity, as well as contributing to economic growth and the satisfaction of basic human needs, like food and care. Empowering women is thus essential for social prosperity and peace. As UN Sustainable Development Goals can only be achieved through establishing a close link among the political, economic, social, and environmental issues, focused attention to women is

Department of Political Science and International Relations, Manisa ¹
Celal Bayar University, Turkey. Email: ulviyye.aydin@cbu.edu.tr.



critical in the world today. By leveraging the potential of the female population, countries can increase economic growth, reduce poverty, improve social well-being, and contribute to sustainable development. This study aims to analyze women's integral and natural role in the process of achieving the UN Sustainable Development Goals, with a focus on finding better ways and tools to optimize their economic, social, and environmental impact.

Keywords: Climate Change, Environment, Social Peace, Sustainable Development, Women.



ضرورت نقش آفرینی زنان خاورمیانه در همکاری

پیرامون رویارویی با تغییر اقلیم و تحقق عدالت

اقلیمی

شهره دانشور^۱

تغییر اقلیم به‌عنوان پدیده‌ای بحران‌ساز، به باور بسیاری از پژوهشگران، بزرگ‌ترین چالش پیش روی جهان است. عدالت اقلیمی نیز مفهومی است که بعد اخلاقی و حقوقی تغییرهای اقلیمی را از جنبه تنها زیست‌محیطی آن برتر می‌داند و به مسئله بحران‌های اقلیمی از دریچه حقوق بشر نگاه می‌کند. با نظر به اینکه منطقه خاورمیانه، یکی از آسیب‌پذیرترین نقاط دنیا، در برابر بحران ناشی از تغییر اقلیم بوده است و پیامدهای ناشی از تغییر اقلیم در این منطقه، از جمله خشکسالی، بی‌آبی، گرمای شدید و افزایش ریزگردها و آلودگی هوا، زندگی مردم این منطقه را به شدت زیر تاثیر قرار داده است، این منطقه چاره‌ای جز ارائه راهکارهایی برای

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات تهران

Daneshvar.shohreh@yahoo.com



جلوگیری از تشدید پیامدهای ناشی از تغییر اقلیم در جهت تحقق عدالت اقلیمی نخواهد داشت. از آنجا که زنان که حدود نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، بر اساس برخی گزارش‌ها، آسیب‌پذیری بیشتری در برابر تغییرهای آب‌وهوایی دارند. بنابراین در سیاست‌گذاری‌ها، تدبیرها و اقدام‌های دولت‌های خاورمیانه و سازمان‌های بین‌المللی مربوط، باید جنبه‌های جنسیتی مورد نظر قرارگیرد. باید به نقش‌آفرینی زنان خاورمیانه در رویارویی با این بحران بیشتر توجه شود. از سوی دیگر، در تعریف صلح اجتماعی نیز مانند تعریفی که از مولفه‌های عدالت اقلیمی ارائه می‌شود، همواره صحبت از رعایت حقوق بشر، تامین آزادی و امنیت اجتماعی، امنیت کاری و محیط زیستی است. این اشتراک‌ها نیاز به بررسی و توجه بیشتر به ارتباط میان این دو مسئله دارد. بنابراین مقاله پیش رو درصدد است با اشاره بر آثار زیان‌بار تغییرهای آب‌وهوایی بر منطقه، تبیین و تحلیل راهکارها و اقدام‌های جهانی و ارتباط آن با مسئله صلح اجتماعی، به این پرسش پاسخ دهد که چگونه نقش‌آفرینی زنان در منطقه خاورمیانه می‌تواند به تحقق اهداف رویارویی با تغییر آب‌وهوا و دستیابی به عدالت اقلیمی کمک کند؟ در پاسخ به این پرسش، فرضیه پژوهش این است که مشارکت فعال و مثبت زنان در فرآیندها و طرح‌های مقابله با تغییر آب‌وهوا و حمایت از عدالت اقلیمی در منطقه خاورمیانه، موجب افزایش توانمندی‌های جامعه‌ای و سازمانی برای رویارویی با چالش‌های تغییر اقلیمی می‌شود. مشارکت زنان به بهبود مدیریت منابع محیط زیست،



ترویج فرهنگ حفاظت از محیط زیست و ارتقاء انعطاف‌پذیری اجتماعی و اقتصادی منجر می‌شود. روش انجام این پژوهش ترکیبی از کمی و کیفی است.

واژگان اصلی: تغییرهای اقلیمی، حقوق بشر، خاورمیانه، صلح اجتماعی، عدالت اقلیمی.



The Importance of Middle Eastern Women's Role in Collaborating on Climate Change and Achieving Climate Justice

Shohreh Daneshvar¹

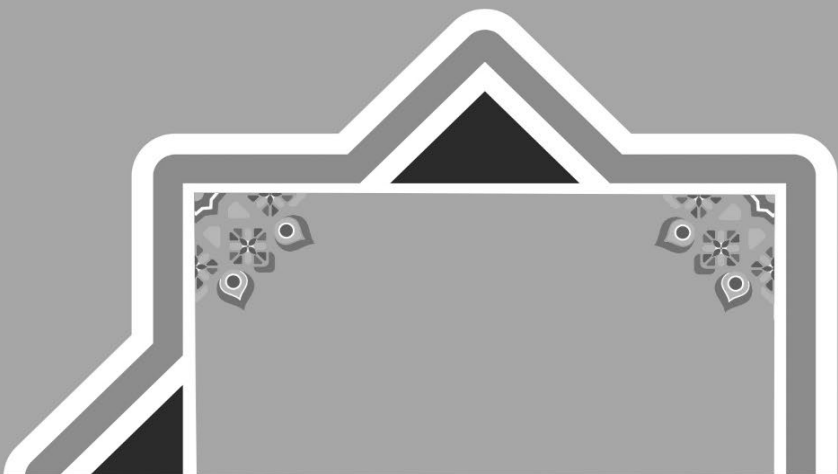
Climate change is widely regarded as the most pressing challenge facing the world today. Climate justice prioritizes the moral and legal dimensions of this phenomenon over its purely environmental aspects and views climate crises through the lens of human rights. The Middle East is particularly vulnerable to the effects of climate change, with drought, dehydration, extreme heat, and increased fine dust and air pollution severely impacting the lives of its people. Therefore, to prevent further consequences and achieve climate justice, the region has no other choice but to develop solutions. Given that women, making up about half the world's population, are often more vulnerable to the effects of climate change, gender considerations must be taken into account in policy-making and actions by Middle Eastern governments and international organizations and Middle-Eastern women's role in dealing with the crisis should receive more attention. Accordingly, the paper explores the relationship between social peace and climate justice, highlighting the importance of respecting human rights and ensuring social, professional, and environmental freedom and security. The

MA Student in International Law, Islamic Azad University, Science ¹ and Research Branch, Tehran. Email: daneshvar.shohreh@yahoo.com.



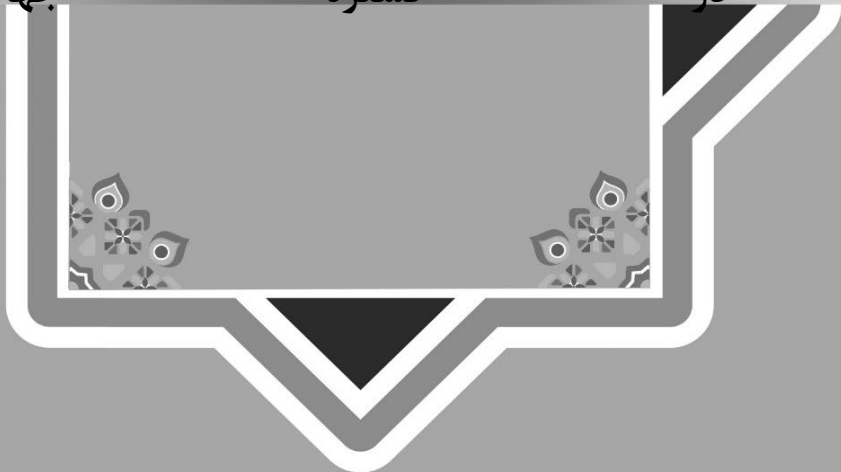
role of women in dealing with climate change in the Middle East is also examined, with a focus on their managerial power and capacity to promote environmental preservation and human rights. Finally, the paper has concluded by proposing necessary solutions to address the climate-driven crises through a regional cooperation framework.

Keywords: Climate Change, Human Rights, Middle East, Social Peace, Climate Justice



محور ششم: نگاهی به تجربه زنان و صلح اجتماعی

در گستره جهانی





صلح اجتماعی و نفی خشونت علیه زنان در مناطق

مختلف



نگاهی به تجربه زنان و صلح اجتماعی در آفریقا:
بررسی موردی سکوی زنان برای صلح در
کازامانس-سنگال

محمد رضا دهشیری^۱

این مقاله به بررسی نقش سکوها، انجمن‌ها و نهادهای اجتماعی و فرهنگی و کارآفرین حامی زنان در هماهنگ‌سازی و بهینه‌سازی نقش‌ها و

^۱ استاد علوم سیاسی دانشکده روابط بین‌الملل
mohammadreza_dehshiri@yahoo.com



ابتکارهای بانوان افریقایی در پیشگیری و اجتناب از منازعه‌ها و برقراری صلح و امنیت اجتماعی در افریقا با تاکید بر سکوی زنان برای صلح در کازامانس^۱ در جنوب سنگال می‌پردازد. این ابتکار با هماهنگ‌سازی حدود 170 انجمن زنان به به تلاش برای پایان بخشیدن به پیامدهای منفی جنگ داخلی سنگال در دههٔ نخست سده بیست‌ویکم و استقرار صلح اجتماعی در این منطقه می‌پردازد و به تجمیع انرژی‌ها، توانمندی‌ها و تجربه‌های بانوان با هدف پیشنهاد راه‌حل‌های عینی و مناسب برای پایان دادن به پیامدهای بحران‌های قبلی و مدیریت مناقشه‌های خانوادگی و منازعه‌های میان‌روستایی در کازامانس مبادرت می‌ورزد. این سکو بر آموزش، آگاهی بخشی و کارآفرینی زنان تاکید دارد تا صلح را در اذهان آنان برسازی کند و آنان را به اشتغال مولد رهنمون سازد تا از رهگذر توانمندسازی آنان زمینه را برای داشتن نقش سازنده بانوان در جامعهٔ سنگال فراهم سازد. همچنین، این سکو بر مشارکت جنبش‌های زنان برای حل بحران و بازسازی جامعه در دوران پسامنزعه به عنوان پاسخی بشردوستانه برای کمک به قربانیان درگیری‌های مسلحانه تاکید دارد و تلاش می‌کند با برگزاری نشست‌های گفتگو و هم‌اندیشی، کارزارهای گردآوری امضاء، درخواست از نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری، مجلس و شهرداری‌ها برای ارائه طرح‌هایشان در جهت حل مشکلات زنان منطقه و برگزاری رویدادهای بزرگ ملی و منطقه‌ای برای صلح در زیگن شور،

¹(PFPC)



صدای بانوان کازامانسی مبنی بر علاقمندی به تحقق صلح پایدار اجتماعی را به گوش سیاستمداران سنگالی و نهادهای منطقه‌ای از جمله اکواس برساند.

واژگان اصلی: زنان، سنگال، صلح اجتماعی، کازامانس، مدیریت
پسامنازه.



Women's Experiences and Social Peace in Africa: A Case Study of the Women for Peace Platform in Casamance

Mohammad Reza Dehshiri¹

This paper explores the role of women-centred platforms, associations, social and cultural institutions, and entrepreneurs in coordinating and optimizing African women's efforts to prevent conflicts and establish social peace and security in Africa, with a special focus on the Women for Peace Platform (PFPC). PFPC was launched in Casamance, southern Senegal, and currently coordinates approximately 170 women's associations. The initiative aims to address the negative consequences of Senegal's civil war in the early 21st century and promote social peace in the region. It harnesses the collective energy, capabilities, and experiences of women to develop effective solutions for addressing the aftermath of past crises and managing family and inter-village conflicts in Casamance. The platform also prioritizes women's education, awareness-raising, and entrepreneurship to promote a peace-oriented mindset and guide women

¹ Professor of Political Science, Faculty of International Relations, Ministry of Foreign Affairs, Tehran, Iran.



towards productive employment, thereby empowering them to play a constructive role in Senegalese society. Furthermore, the platform underscores the potential of women's movements in resolving crises and rebuilding society in the post-conflict era, offering a humanitarian response to assist victims of armed conflicts. It engages in convening activities like roundtable conferences, and petitions, requesting presidential, parliamentary, and municipal candidates to address women's issues in their plans, and organizing large national and regional events to advocate for peace in Ziguinchor and amplify the voices of Casamance women in the pursuit of sustainable social peace to Senegalese politicians and regional institutions like ECOWAS.

Keywords: Women, Senegal, Social Peace, Casamance, Post-Conflict Management.



توانمندسازی و مشارکت سیاسی زنان در روسیه:

گفتمان‌ها و راهبردها

^۱ سید اسدالله اطهری

^۲ عارف بیژن

این مقاله به تحلیل راهبردها و گفتمان‌های عمومی رهبری و مشارکت سیاسی زنان در روسیه امروزی در سطوح مختلف مدیریتی می‌پردازد. فعالیت سیاسی و مشارکت زنان در فرآیند تصمیم‌گیری را می‌توان به عنوان یکی از موضوع‌های بحث‌برانگیز برای تحولات دموکراتیک در روسیه پساکمونستی در نظر گرفت. بیش از 30 سال پس از فروپاشی اتحاد شوروی، مشارکت سیاسی زنان همچنان یک چالش مهم در روسیه پس از شوروی است. نمایندگی سیاسی نابرابر و مشارکت زنان و مردان در فدراسیون روسیه بینش‌های مهمی را در مورد روابط جنسیتی و برابری در جامعه معاصر روسیه ارائه می‌دهد و نشان می‌دهد که این موضوع هنوز حل نشده است. کاهش و ادامه سطوح پایین مشارکت زنان در

¹ عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان و رئیس هیات مدیره انجمن ایرانی مطالعات غرب آسیا Athary.asadolah@yahoo.com

² دکتری مطالعات منطقه‌ای دانشگاه دولتی سن پترزبورگ روسیه و مدیر دپارتمان جنگ و صلح انجمن ایرانی مطالعات غرب آسیا Aref.Bijan2018@gmail.com



تصمیم‌گیری‌های سیاسی از سال 1991 پیامدهای جدی برای فرهنگ سیاسی روسیه و جامعه گسترده‌تر دارد. با وجود اینکه ظرفیت انسانی و شاخص‌های توسعه جنسیتی در روسیه بسیار بالا در نظر گرفته می‌شود، اما پیشرفت زنان در سیاست و مدیریت عالی همچنان پایین است و جمعیت روسیه در معرض تعصب علیه زنان و نقش آنها در جامعه هستند. بررسی سازوکارها و عوامل روان‌شناختی بازدارنده حمایت از زنان در عرصه‌های مختلف فعالیت برای درک نبود تغییرهای مثبت و کاهش نابرابری در جامعه اهمیت دارد. بنابراین در این متن تلاش شده است به این سؤال که چه عوامل و شرایطی بر مشارکت سیاسی زنان و تداوم تعداد اندک زنان در مجلس و ساختار اجرایی روسیه تأثیر گذاشته، پاسخ داده شود. نتایج نشان می‌دهد عواملی که موجب نبود مشارکت فعال زنان روسی در سطوح مختلف می‌شود از این قرار است که نخست، تفاوت‌های جنسیتی در جامعه‌پذیری سیاسی موجب ضعیف شدن انگیزه زنان در فعالیت‌های سیاسی می‌شود. دوم، ناهمواری در توزیع منابع مختلف است که ممکن است مورد استفاده مردان و زنان قرار گیرد و این ناهمواری امکانات سیاسی زنان را در سیاست محدود می‌کند. سومین عامل اساسی شامل ویژگی‌های خاصی از مسیر زندگی زنان است که آنها را مسئول تربیت فرزندان و خانه‌داری و مردان را به عنوان مدیران سیاسی می‌دانند. چهارم، وجود تبعیض است که هم از طریق نبود تمایل به دادن سمت‌های اصلی در سازمان‌های احزاب و نهادهای دولتی به زنان و هم از



راه غلبه کلیشه‌های جنسیتی سنتی، که موجب بی‌اعتمادی نسبت به زنان در سیاست می‌شود. در این مقاله سعی شده است گفتمان‌های مربوط به کنش‌گری سیاسی و هویت زنان سیاستمدار، راهبرهای مشارکت سیاسی آن‌ها و درک نقش‌های زنان در گذار پس از کمونیسیم بررسی شود.

واژگان اصلی: توجیه نظام جنسیتی، جنسیت‌گرایی، زنان سیاستمدار، فمینیسم، مشارکت سیاسی، نابرابری جنسیتی.



Empowerment and Political Participation of Women in Russia: Discourses and Strategies

Seyed Asadollah Athari¹
Aref Bijan²

This paper delves into an analysis of the strategies and public discourses surrounding women's leadership and political participation at various management levels in contemporary Russia. Over 30 years after the dissolution of the Soviet Union, the role of women in political activity and decision-making processes is still a contentious issue for democratic progress in post-communist Russia. The unequal representation of women and men in the Russian Federation offers crucial insights into gender relations and equality within modern Russian society, highlighting that the issue remains unresolved. The persistent low levels of women's participation in political decision-making since 1991 have significant implications for Russia's political culture and broader society, despite the country's high human potential and gender development indicators. Although Russia boasts high human potential and gender development indicators, the advancement of women in politics and top management levels remains low, with the population subject to prejudices against women and their

¹ Faculty Member at Islamic Azad University, Takestan Branch, and Chairman of the Board of Directors in the Iranian Association for West Asian Studies. Email: athary.asadolah@yahoo.com.

² PhD in Regional Studies from St. Petersburg State University, Russia, and Director of the War and Peace Department, Iranian Association for West Asian Studies. Email: aref.bijan2018@gmail.com.



societal roles. Investigating the psychological factors and mechanisms that hinder women's support across various fields of activity is crucial for understanding the lack of positive changes and reducing societal inequality. This study aims to address the factors and conditions influencing women's political participation and the continued low representation of women in the Russian parliament and executive structure. The findings reveal that several factors contribute to the lack of active participation of Russian women at different levels. Firstly, gender differences in political socialization weaken women's motivation to take part in political activities. Secondly, the uneven distribution of resources between men and women limits women's political possibilities. Thirdly, certain characteristics of women's lives, such as childcare and housekeeping responsibilities, are considered obstacles to their political involvement, while men are viewed as political managers. Finally, discrimination manifested through reluctance to grant key positions in party organizations and government bodies to women, as well as the prevalence of traditional gender stereotypes, fosters mistrust towards women in politics. This paper also endeavors to examine discourses related to political activism, the identity of women politicians, and the understanding of women's roles in the post-communist transition, shedding light on the challenges and complexities surrounding women's political participation in contemporary Russia.

Keywords: Gender System Justification, Sexism, Women Politicians, Feminism, Political Participation, Gender Inequality.



مطالعه تطبیقی نسبت زنان و صلح اجتماعی در

ایران، افغانستان و عربستان سعودی (۲۰۱۲-)

(۲۰۲۲)

اعطفه دارابزاده

این پژوهش با پیگیری رهیافت نهادگرایی تاریخی و با توجه به اهمیت تاثیرهای غیرقابل انکاری که ساخت سیاسی با اولویت‌های هستی‌شناختی آن می‌تواند بر دیگر شئون اجتماعی بگذارد، پویش‌های درونی نهادهای سیاسی سه کشور ایران، افغانستان و عربستان سعودی را در رابطه با



موضوع زنان، مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهد. بر همین اساس پرسش اصلی مقاله این است که تحولات سیاسی که در محدوده زمانی 2012-2022 میلادی در سه کشور ایران، افغانستان و عربستان سعودی رخ داده؛ چه تأثیرهایی بر وضعیت زنان و شکاف‌های جنسیتی در این جوامع داشته است؟ پاسخ اولیه‌ای که در این پژوهش اعتبارسنجی خواهد شد این است که در ایران، در چند دهه ثبات نظام سیاسی، سیاست‌های ناهمگون دولت به طور متناقضی از یک طرف رویکردی آمرانه نسبت به موضوع زنانه داشته و از طرف دیگر با افزایش شدید امکان تحصیل و اشتغال زنان، موجب شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی زن‌محور، تحول-خواهانه و اساسی شده است. در افغانستان، نبود بستر شکل‌گیری دولت ملی و تداوم بیش از سه دهه بی‌ثباتی سیاسی، موجب تعمیق شکاف‌های جنسیتی، افزایش خشونت علیه زنان و به دنبال آن افزایش مطالبه‌گری زنان برای دستیابی به حقوق اولیه‌شان شده است. اما در مورد عربستان سعودی، تحول محافظه‌کارانه از بالا توانسته قدم‌هایی ابتدایی در جهت کاهش شکاف جنسیتی بردارد و همین امر لزوم ایجاد تحول‌خواهی رادیکال از پایین را از بین برده است. بنابراین اگرچه در ایران و افغانستان، مبارزه اجتماعی زنان برای بازتعریف نقش خود در اجتماع همچنان (هرچند در سطوح متفاوت) ادامه دارد، در عربستان سعودی جنبش اصیل زنان وجود نداشته و به جای آن نهاد دولت مشغول این بازاندیشی و بازتعریف است. مقاله در چارچوب مطالعات نهاد‌گرایان در ادبیات توسعه و



بر اساس ادبیات نظری حکمرانی خوب، پویس‌های متقابل سیاست‌های دولتی و جنبش زنان در سه کشور یادشده را مورد ارزیابی تطبیقی قرار می‌دهد. روش پژوهش کیفی است. شیوهٔ روایت توصیفی - تاریخی بوده و در تحلیل‌های تطبیقی، اتکا به استدلال علی و استفاده از داده‌های کمی و کیفی دست اول، محور پژوهش بوده است.

واژگان اصلی: زنان، عربستان سعودی، افغانستان، ایران، دولت، حکمرانی خوب



A Comparative Study of Women and Social Peace in Iran, Afghanistan and Saudi Arabia (2012-2022)

Atefeh Darabzadeh¹

Utilizing a historical institutionalism approach and acknowledging the significant influence that political constructs and their ontological priorities can have on various social issues, this study delves into the internal dynamics of political institutions in Iran, Afghanistan, and Saudi Arabia with a specific focus on women's issues. The central question of the paper is to examine how the political developments in the years 2012-2022 in these three countries have impacted the status of women and gender disparities within their respective societies. The hypothesis under scrutiny posits that in Iran, the government's heterogeneous policies, despite decades of political stability, have paradoxically taken an authoritarian stance on women's affairs. This has resulted in a notable increase in women's access to education and employment, ultimately giving rise to transformative and radical social movements centered around women's issues. In Afghanistan, the lack of the foundations for the

¹ PhD in Political Science from University of Tehran, Iran.
Email: atefedarabzade@ut.ac.ir.



establishment of a national government and three decades of political instability have deepened gender gaps, leading to increased violence against women and heightened demands for basic rights. In contrast, the conservative, top-down developments in Saudi Arabia have initiated steps to reduce gender gaps, alleviating the need for radical changes on the part of women. As a result, while women in Iran and Afghanistan continue their social struggle to redefine their role in society, albeit at varying levels, Saudi Arabia lacks a genuine women's movement as the government is preoccupied with rethinking the issue. This paper explores the mutual dynamics between government policies and women's movements in three countries within the framework of institutionalist studies in development literature and based on the theoretical literature of good governance. The research method employed was qualitative, utilizing a descriptive-historical narrative approach. Comparative analyses relied on causal reasoning and first-hand quantitative and qualitative data to provide insights into the dynamics being studied.

Keywords: Women, Saudi Arabia, Afghanistan, Iran, Government, Good Governance.



واکاوی تأثیر فقر و وضعیت ناصح در جامعه بر زندگی زنان افغانستان

آتنا غلام نیارمی^۱

فقر و وضعیت ناصح در جامعه دو مقوله بسیار تأثیرگذار بر زندگی زنان به ویژه در جوامع سنتی، آسیب‌پذیر و کمتر توسعه‌یافته است. جامعه افغانستان یکی از این جوامع سنتی و کمتر توسعه‌یافته‌ای است که زیست‌جهان زنان در آن، زیر تأثیر بی‌ثباتی سیاسی، فقر اقتصادی، ناامنی

^۱ دکترای جامعه‌شناسی، پژوهشگر مطالعات اجتماعی و مطالعات زنان غرب آسیا
atenaniaramy@gmail.com



اجتماعی و تبعیض جنسیتی در وضعیتی نامطلوب قرار دارد. وضعیت حقوق زنان به ویژه در دو سال اخیر و با قدرت گرفتن طالبان در حالتی وخیم و بحرانی قرار گرفته و فقر و بی‌ثباتی و ناامنی و نبود صلح اجتماعی پیامدهای بسیار منفی در زندگی آنان داشته است. هدف مقاله حاضر، واکاوی تأثیر این فقر و وضعیت ناصح در جامعه بر زندگی زنان افغانستان است. داده‌های پژوهش به روش اسنادی گردآوری شده و با بهره‌گیری از روش کیفی نظریه‌مبنایی استراوس و کوربین مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های مطالعه نشان می‌دهد با وجود تلاش‌های انجام‌شده در دوره جمهوری برای بهبود وضعیت زنان، در دوره طالبان وضعیت اجتماعی-اقتصادی زندگی زنان با چالش‌های بسیاری روبه‌رو شده که ریشه در فقر و وضعیت ناصح جامعه افغانستان دارد. ساختار پدرسالار جامعه و گفتمان طالبان با تفسیرهای افراطی از دین، زنان افغانستان را از حقوق اولیه و بدیهی یک انسان محروم ساخته است. موانع فرهنگی، آموزشی، اقتصادی، جنسیتی و چالش‌های امنیتی برای حضور اجتماعی زنان، مهمترین مشکلات زنان در افغانستان است که این مشکلات و همچنین پیامدهای آن در پژوهش حاضر به طور مفصل مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. همچنین نتایج این مقاله، تأثیرهای سلبی دو مقوله آسیب‌زنده فقر و نبود صلح اجتماعی بر کیفیت زندگی زنان افغانستان را نشان می‌دهد.

..... همایش زنان و صلح اجتماعی



واژگان اصلی: زنان، فقر، وضعیت ناصح، تبعیض جنسیتی، گفتمان
طالبان.



Analyzing the Impact of Poverty and Dispeace in the Society on the Lives of Afghan Women

Atena Gholam Niaramy¹

Poverty and dispeace in society are two categories very influential on women's lives, especially in traditional, vulnerable, and less developed societies. Afghanistan is a traditional and less developed society where women's lifeworld is negatively affected by political instability, economic poverty, social insecurity, and gender apartheid. The rights of women, especially in the last two years under the Taliban's rule, have been in a critical state, with poverty, instability, insecurity, and the lack of social peace leading to detrimental consequences. This paper aims to examine the impact of poverty and social dispeace in Afghan society on the lives of Afghan women. Research data was collected through the documentary method and analyzed using the qualitative method outlined in Strauss and Corbin's Grounded Theory. The findings of the study show that, despite efforts during the republic period to enhance the status of women, the Taliban era has presented numerous challenges to women's socio-economic standing, which are rooted in the poverty and dispeace prevalent in Afghan society. The societal patrimonial structure and the Taliban's extremist religious discourse have deprived Afghan women of their fundamental human rights. The

¹ PhD in Sociology, Researcher in Social Studies and West Asian Women's Studies, Tehran, Iran. Email: atenaniaramy@gmail.com.



paper has also delved into the cultural, educational, economic, and gender barriers, as well as security challenges, hindering women's social participation in Afghanistan. Furthermore, the present study has thoroughly investigated these issues and their repercussions. The results underscore the adverse impacts of poverty and social dispeace on the well-being of Afghan women.

Keywords: Women, Poverty, Dispeace, Gender Discrimination, Taliban discourse.



امکان‌سنجی نقش‌آفرینی زنان در تحقق صلح

پایدار در غرب آسیا

ابراهیم معراجی^۱

دال مرکزی در مناسبات منطقه غرب آسیا، هویت‌ها هستند. هویت‌های قومی، زبانی و مذهبی مهمترین عناصر هویتی هستند که پدیده‌های اجتماعی را در منطقه شکل می‌دهند و معرف گونه‌های متنوع روابط از دوستی تا دشمنی را می‌نمایانند. در میان طیف وسیع هویت‌های ازلی در

^۱ مدرس دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز و مدیر بخش مطالعات آمریکا انجمن ایرانی مطالعات غرب آسیا. Ebrahim.meraji@gmail.com



منطقه، هویت جنسیتی استثنا است و به صورت منفرد به کنش‌های عملگرایانه و جریان‌ساز منجر نشده است. سنت‌های هزاران ساله منطقه‌ای، کنشگری مردها را پیش فرض مسلم دانسته و مجالی برای بروز فعالیت‌های اجتماعی موکول به هدف و نتیجه زنان را باقی نگذاشته است. از آنجا که تحقق صلح پایدار مستلزم نقش‌آفرینی و حضور فعالانه همه گروه‌های اجتماعی (از جمله زنان) است، امکان‌سنجی دستیابی به آن، هدف این پژوهش است. اینگونه به نظر می‌رسد که با وجود قابلیت‌های بالفعل زنان امروزی در منطقه و تحصیلات عالی‌ها و حضور گسترده آنها در همه شئون اجتماعی، سنت‌های ریشه‌دار موجود در کشورهای منطقه غرب آسیا، مجالی برای گفتمان‌های جریان‌ساز هویت زنان قائل نیست و تحول در این معنا در آینده قابل پیش‌بینی متصور نیست.

واژگان اصلی: تحقق صلح پایدار، منطقه غرب آسیا، زنان، هویت.



Feasibility of Women's Involvement in Realizing Perpetual Peace in West Asia

Ebrahim Meraji¹

The central element shaping the relations within West Asia is identity. Ethnic, linguistic, and religious identities play pivotal roles in shaping social phenomena in the region and represent various types of relationships, from friendship to enmity. Among the wide range of ancient identities in the region, gender identity stands out as an exception, as it has not individually led to pragmatic and trend-generating actions. The region's thousand-year-old traditions have historically acknowledged men's activism as a given while leaving little room for women's social activities. Given that the realization of Perpetual Peace necessitates active participation and action by all social groups, including women, this study aims to examine the feasibility of achieving it. Today, despite the actual capabilities of women in the region, their higher education, and their widespread presence in all social affairs, it appears that the deep-rooted traditions in West Asian countries do not allow for discourses that shape women's identity, and no

¹ Faculty Member, Faculty of Political Sciences, Islamic Azad University, Tehran Branch; Head of the Department of American Studies, Iranian Association for West Asian Studies. Email: ebrahim.meraji@gmail.com.



change in this regard can be envisioned in the foreseeable future.

Keywords: Realization of perpetual peace, West Asia, Women, Identity.



کنوانسیون استانبول و خشونت علیه زنان در

ترکیه

¹هانیه پناهلو

²زهره سادات فیروزی

بر پایهٔ تعریف سازمان ملل خشونت علیه زنان و دختران به عنوان هر نوع خشونت مبتنی بر جنسیت تعریف می‌شود که به آسیب فیزیکی، جنسی،

¹ دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات ترکیه، دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران و عضو

انجمن ایرانی مطالعات غرب آسیا Hanieh.panahlou@gmail.com

² دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات ترکیه، دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران و عضو

انجمن ایرانی مطالعات غرب آسیا Zahrafirouzi.sf@gmail.com



روحي يا رنج آن‌ها منجر شود؛ تهديد به انجام چنين اعمالی، اجبار يا محروم کردن خودسرانه فردی از آزادی، چه در ملا عام و چه در زندگی شخصی نیز در این دسته قرار می‌گیرند. خشونت علیه زنان و دختران مشتمل بر خشونت‌های جسمی، جنسی و روانی فقط محدود به خانواده نیست، بلکه در جامعه نیز به وقوع می‌پیوندد که گاهی نیز از طرف دولت نادیده گرفته می‌شوند. در پس این خشونت، در اولویت قرار گرفتن مرد در جامعه و نابرابری حقوقی بین زن و مرد وجود دارد. در سال 2011 کنوانسیون شورای اروپا معروف به کنوانسیون استانبول توسط 47 کشور به امضا رسید که ترکیه نیز جزء آن‌ها بود اما در سال 2021 رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور این کشور تصمیم به خروج از این کنوانسیون گرفت. با این تصمیم بر اساس آمار منتشر شده توسط گزارش برنامه متوقف کردن جنایت علیه زنان، شمار خشونت علیه زنان شاهد افزایش قابل توجهی بوده‌است. پرسشی که مطرح می‌شود این است که افزایش آمار خشونت چه ارتباطی با خروج از کنوانسیون استانبول دارد. فرضیه‌ای که وجود دارد این است که به دلیل نادیده گرفته‌شدن اهمیت این موضوع برای دولت ترکیه، زنان تمایل کمتری برای شکایت قانونی دارند و به همین دلیل مردان نیز از اعمال خشونت ابایی ندارند. با بهره‌گیری از نظریهٔ دونالد داتون که ترکیبی از چند عامل متفاوت در بروز خشم است می‌توان خشم را پدیده‌ای چندبعدی در نظر گرفت که از تعامل بین عوامل فردی، محیطی، فرهنگی و اجتماعی ایجاد می‌شود. بر همین اساس با



مقایسه آماری می‌توان پیامدهای خروج ترکیه از کنوانسیون استانبول و نیز دلایل افزایش آمار خشونت علیه زنان را در این پژوهش مورد بررسی قرار داد.

واژگان اصلی: زنان، خشونت، آسیب، کنوانسیون استانبول، ترکیه.



The Istanbul Convention and Violence Against Women in Turkey

Hanieh Panahlou¹

Zahra Sadat Firouzi²

According to the United Nations, violence against women and girls encompasses any form of gender-based violence resulting in physical, sexual, or psychological harm or suffering. Threats to do such acts, coercion, or arbitrary deprivation of liberty, whether in public or private spheres, are also considered similarly. These forms of violence are not confined to familial settings but also pervade society and are often overlooked by authorities. Behind such forms of violence, there are societal male primacies and the inequality of rights of men and women. The 2011 ratification of the Council of Europe's Istanbul Convention by 47 nations, including Turkey, marked a significant step in this respect but in 2021, President Recep Tayyip Erdoğan opted to withdraw from the convention. Subsequent to this decision and according to the data published from the program to eliminate violence against women, there has been a surge in the cases of violence against women. The question to be addressed is how this

¹ Master's degree student in Turkish Studies, Faculty of World Studies, University of Tehran, and member of the Iranian Association for West Asian Studies, Tehran, Iran. Email: hanieh.panahlou@gmail.com.

² Master's degree student in Turkish Studies, Faculty of World Studies, University of Tehran, and member of the Iranian Association for West Asian Studies, Tehran, Iran. Email: zahrafirouzi.sf@gmail.com.



upsurge correlates with Turkey's withdrawal from the Istanbul Convention. The study hypothesizes that owing to the government's diminished emphasis on the issue, women have avoided seeking legal recourse, thereby emboldening men to commit more violence. Following Donald Dutton's theory underscoring the multifaceted nature of anger, this study aims to explore the interplay of individual, environmental, cultural, and social factors contributing to anger. Through comparative analysis of statistics, the research has sought to illuminate the repercussions of Turkey's withdrawal from the Istanbul Convention and elucidate the factors driving the escalation of violence against women.

Keywords: Women, Violence, Injury, Istanbul Convention, Turkey.



آسیب‌شناسی خشونت‌ورزی علیه حقوق بنیادین زنان در جوامع مسلمان غرب آسیا و الزام‌های صلح‌سازی مثبت اجتماعی

فاطمه سلیمانی پورلک

تحقق حقوق بنیادین زنان در همهٔ زمینه‌های مدنی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی از دغدغه‌های مهم اندیشمندان، کنشگران و نهادهای

¹ عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس، چالوس، ایران
m.soleimani@yahoo.com



فعال در این حوزه است. زنان در جوامع مسلمان غرب آسیا به شکلی مضاعف درگیر نقض حقوق بنیادین در حوزه‌های پیش‌گفته هستند. زنان این منطقه علاوه بر تجربه تبعیض و خشونت در درازای تاریخ، نظاره‌گر و قربانی جنگ‌های داخلی پر دامنه و مصیبت‌باری نیز چند دهه اخیر بوده‌اند؛ جنگ‌هایی که محصول رشد نامیمون گروه‌های تروریستی و تندرو به‌شمار می‌آیند. گزارش‌هایی که از نقض گسترده حقوق زنان در این بستر درگیری‌ساز ارائه می‌شود، وجدان جمعی جهانیان را به درد و اندوه وامی‌دارد. زنان در جوامع سنتی غرب آسیا در حالی قربانی انواع خشونت‌های ناشی از جنگ می‌شوند که پیش از این نیز در یک بستر تاریخی در چارچوب آموزه‌ها و هنجارهای رفتاری مسلط و از طریق الگوهای جامعه‌پذیری همواره در معرض خشونت و تبعیض بوده‌اند. هدف این نوشتار آن است تا بر اساس رویکرد آسیب‌شناسی موانع تحقق حقوق بنیادین زنان در جوامع مسلمان غرب آسیا را مورد بررسی قرار دهد و الزامات ناظر بر رفع موانع و بازیابی نقش زنان در فرایند صلح‌سازی مثبت اجتماعی را شناسایی کند. از این‌رو، پرسش اصلی آن است که چه عواملی از تحقق حقوق بنیادین زنان در کشورهای غرب آسیا جلوگیری کرده است و راه‌کارهای جبرانی مقابله با آن چیست؟ فرضیه مورد واریسی آن است که ساختارهای اجتماعی-فرهنگی سنتی و ساختارهای سیاسی پدرسالار از موانع اصلی تحقق حقوق بنیادین زنان در کشورهای غرب آسیا به‌شمار می‌آیند. رویکرد پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است که بر



اساس روش جامعه‌شناسی تاریخی روندهای متحول در حوزه تبعیض‌آفرینی و خشونت‌ورزی علیه زنان مورد مذاقه قرار می‌گیرد. یافته پژوهش آن است که زنان در جوامع مسلمان غرب آسیا در معرض انواع خشونت‌های ساختاری تاریخی و نوپدید از داخل و خارج بوده‌اند. مهمترین الزام ناظر رفع این کژریسگی هنجاری، تغییرهای ساختاریست؛ به‌گونه‌ای که زمینه‌های خشونت و تبعیض علیه زنان برچیده شود تا صلح در معنای مثبت آن تحقق یابد. در چنین بستری می‌توان نظاره‌گر نقش‌آفرینی زنان در صلح‌سازی مثبت اجتماعی نیز بود.

واژگان اصلی: زنان، غرب آسیا، صلح اجتماعی، صلح مثبت، خشونت.



A Pathological Investigation of Violence Against Women's Fundamental Rights in the West Asia and the Requirements for Positive Social Peacemaking

Fatemeh Soleimani Pourlak¹

The realization of women's fundamental rights, encompassing civil, political, economic, and socio-cultural rights, is a significant concern for scholars, activists, and organizations active in the field. In West Asian Muslim societies, women face particularly severe violations of their fundamental rights. In addition to enduring various forms of discrimination and violence throughout history, women in this region have also been deeply affected by large-scale and devastating civil conflicts in recent decades, with the conflicts mainly stemming from the rise of terrorist and extremist groups. Reports of the widespread violations of women's rights in this conflict-ridden environment are deeply troubling to the global community. In traditional West Asian societies, women are subjected to various forms of violence resulting from war and have historically faced discrimination within the framework of prevailing teachings, social norms, and socialization patterns. This paper aims to analyze the barriers to the realization of

¹ Faculty Member, Department of Political Science, Islamic Azad University, Chalous Branch, Chalous, Iran. Email: m.soleimani@yahoo.com.



women's fundamental rights in Muslim societies of West Asia from a pathological perspective and to identify the necessary steps to overcome these barriers and restore women's involvement in positive social peacemaking processes. The central questions at hand are the factors that have impeded the realization of women's fundamental rights in West Asian countries and the possible compensatory strategies which can be employed to address the issue. The study hypothesizes that traditional socio-cultural structures and patriarchal political systems are the primary obstacles to the achievement of women's fundamental rights in West Asian countries. Utilizing a descriptive-analytical approach and drawing on the methodology of historical sociology, the research has examined the patterns of discrimination and violence against women. The findings indicate that women in the Muslim societies of West Asia have been subjected to various forms of historical and contemporary structural violence from both within and outside of their societies. The most crucial step in addressing this normative deviation is implementing structural changes, thereby dismantling the foundations of violence and discrimination against women to achieve a positive sense of peace. In this context, one can observe the role of women in promoting positive social peacemaking.

Keywords: Women, West Asia, Social Peace, Positive Peace, Violence.



چشم انداز امنیت انسانی، زنان و صلح در غرب

آسیا

¹مریم خالقی نژاد

مطرح شدن آیین امنیت انسانی در 1994 رویکرد نوینی را به حیات و امنیت بشر وارد کرد. یکی از محورهای مهم این آیین آن است که در زمان بروز بحران و درگیری‌ها باید زنان و کودکان را در مرکز توجه قرار داد. این درحالی است که در برخی از کشورهای غرب آسیا درگیری‌ها به واسطه موقعیت جغرافیایی و فرهنگی ناشی از قومیت‌ها، منابع انرژی و دخالت کشورهای خارج از منطقه منجر به آن شده است که محورهای اصلی امنیتی در این منطقه بیشتر پیرامون امنیت دولتی، ملی و منطقه‌ای باشد و امنیت انسانی به سطح پایینتر انتقال یابد. با عطف به شرایط موجود اکنون این اوضاع رهاوردی برای تامین سطوح عالی امنیت انسانی و تحکیم صلح را در غرب آسیا نخواهد داشت چرا که از مهمترین اصول صلح توجه به امنیت انسانی است که در سازمان یونسکو نیز به ثبت

¹ دبیر گروه دیپلماسی فرهنگی هنر و سینمای انجمن علمی غرب آسیا، دبیر گروه کتاب و صلح
انجمن صلح ایران khaleghinezhad.m@gmail.com



رسیده است. بر همین اساس در این مقاله به مساله جایگاه زنان، امنیت انسانی و صلح در غرب آسیا پرداخته شد. پرسش اصلی مقاله آن است که وضعیت تحقق مولفه‌های امنیت انسانی برای زنان در غرب آسیا چگونه است؟ فرضیه اصلی بر این ادعا است که عوامل مختلف مانند انرژی، فناوری و تسلیحات هسته‌ای، تروریسم در منطقه، مشکلات دولت ملت-سازی و مواردی از این نوع موجب نبود توجه کافی به امنیت انسانی به-ویژه در حوزه زنان شده است و ادامه این مسیر و نبود توجه بیشتر به امنیت انسانی زنان در کنار مسائل اولویت‌دار ممکن است موانعی را برای افزایش صلح و توسعه انسانی ایجاد کند که به برخی سرخوردگی‌ها یا تهدیدها منجر خواهد شد.

واژگان اصلی: امنیت انسانی، غرب آسیا، صلح، زنان، توسعه.



The Prospect of Human Security, Women, and Peace in West Asia

Maryam Khaleghinezhad¹

The introduction of the doctrine of human security in 1994 established a new approach to human welfare and security. A core tenet of this doctrine is the prioritization of women and children during times of crisis and conflict. However, in some West Asian countries experiencing conflicts due to geographical, cultural, and ethnic factors as well as disputes over energy resources and foreign interference, national, regional, and state security tend to overshadow human security concerns, reducing their importance to the lowest levels. This situation is unlikely to facilitate high levels of human security and peace in West Asia, given that attentiveness to human security, as registered by UNESCO, is a paramount principle in any peacemaking process. Therefore, this paper examines issues relating to the status of women, human security, and peace in West Asia. The central research question asks: To what extent

¹ Secretary, Department of Cultural Diplomacy, Art, and Cinema, Iranian Association for West Asian Studies; Secretary, Department of Book and Peace, Iran Peace Studies Scientific Association (IPSAN).
Email: khaleghinezhad.m@gmail.com.



have components of human security been realized for women in West Asia? The paper hypothesizes that various influences such as energy, technology, nuclear weapons, regional terrorism, challenges of nation-state building, and similar issues have diverted attention away from human security, especially regarding women. Continuing this trend and failing to adequately consider women's human security could obstruct increases in peace and human development, which will lead to frustrations or threats.

Keywords: Human Security, West Asia, Peace, Women, Development.



حضور زنان در میدان نبرد (مطالعه موردی اسرائیل)

احسان اعجازی

زنان در طول تاریخ بشری نماد صلح، عطوفت، احساسات و صلح‌طلبی بوده‌اند. هر چند ممکن است که فمنیست‌ها درستی این گزاره را به چالش بکشند اما حضور مستقیم مردان و حضور غیرمستقیم زنان در بیشتر

¹ دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان و مدیر بخش اسراییل و فلسطین انجمن ایرانی مطالعات غرب آسیا ehsanejazi95@gmail.com



جنگ‌ها سبب شده است تا مردان نماد خشونت و زنان نماد مهرورزی لقب بگیرند. با این وجود در قرن 21 حضور زنان در جبهه‌های نبرد به موضوعی مهم در استراتژی قدرت‌های نظامی در جهان تبدیل شده است. این پرسش که آیا ارتش‌های جهان می‌توانند از سربازان زن در خط مقدم جبهه استفاده کنند یا نه، به مسئله‌ای چالش‌برانگیز برای فرماندهان نظامی تبدیل شده است. اسرائیل یکی از رژیم‌های سیاسی است که بدون هیچ واژه‌ای از زنان در جبهه نبرد استفاده می‌کند. در همین راستا پرسش این مقاله بدین شرح است: چه عامل یا عواملی سبب شده است که برخی حکومت‌ها، نظیر رژیم اسرائیل، استفاده از زنان در میدان نبرد را مجاز بدانند؟ فرضیه پژوهش از این قرار است که ضرورت بقای رژیم و کمبود افسر نظامی، در صورت سربازگیری صرف از میان مردان، سبب شده است که اسرائیل سیاست جنسیتی را در به کارگیری سرباز کنار بگذارد و مردان و زنان را به خدمت در ارتش فراخواند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که نیازهای امنیتی، مانند نیاز به بقا، و سیاست‌های توسعه‌طلبانه این رژیم را مجبور ساخته است، که بدون توجه به آسیب‌های اجتماعی ناشی از حضور زنان در میدان جنگ، انگاره صلح‌طلبی زنان را نادیده بگیرد و در جنگ‌های خود از نیروی رزمی زنان استفاده کند. در همین راستا واحد 8200 اطلاعات نخبگان ارتش اسرائیل پا را از این فراتر گذاشته است و سربازان رزمنده زن خود را برای انجام عملیات به درون خاک دیگر کشورها اعزام می‌کند. بنابراین می‌توان



نتیجه گرفت که نیاز به بقا در عرصه بین الملل و بدتر از آن اتخاذ سیاست جنگ طلبانه می‌تواند حکومت‌ها را وادار کند که با نادیده‌انگاری نقش اجتماعی زنان آنان را به میادین جنگ اعزام کنند. این پژوهش براساس روش کیفی مطالعه اسناد و قوانین مرتبط با نیروهای نظامی در اسرائیل انجام شده است.

واژگان اصلی: جنگ، زنان، صلح‌طلبی، خشونت، اسرائیل.



The presence of women on the battlefield (a case study of Israel)

Ehsan Ejazi¹

Throughout history, women have been a symbol of peace, compassion, emotions, and pacifism. Although feminists may challenge the correctness of this statement, the direct presence of men and the indirect presence of women in most wars has caused men to be labeled as symbols of violence and women as symbols of kindness. Nevertheless, in the 21st century, the presence of women on the battlefields has become a crucial issue in the strategy of great powers in the world. Whether the world's armies can use female soldiers on the battlefield has become a challenge for military commanders. Israel employs women on the battlefield without fear. In this regard, the question of this article is: What factors have caused some governments, such as the Israeli regime, to deploy women on the battlefield? The hypothesis of the research is that the survival of the regime and the lack of military officers has led Israel to abandon the gender policy in the recruitment

¹ PhD in International Relations, Gilan University and director of the Israel and Palestine Department of the Iranian Association for West Asian Studies
ehsanejazi95@gmail.com



of soldiers and call men and women to serve in the army. The findings suggest that the security needs, such as the necessity of survival, and the expansionist policy have forced this regime, regardless of its social harm, to ignore the idea of women's pacifism. Meanwhile, the 8200 elite intelligence unit of the Israeli army sends its female combat soldiers to carry out operations in the territory of other countries. It can be concluded, therefore, that the need to survive in the international arena and the adoption of a warmongering policy can force governments to send women to the battlefields by ignoring the social role of women. This research is conducted through the qualitative method of assessing documents and laws related to the military forces in Israel.

Keywords: war, women, pacifism, violence, Israel.



اصلاحات در حوزه زنان؛ تلاش عربستان سعودی برای تحقق توسعه صلح‌محور

^۱ علی‌اکبر اسدی

^۲ حسین امیرآبادی فراهانی

در عربستان سعودی از سال 2016 و با روی کارآمدن ملک سلمان فصل جدیدی از حکمرانی و سیاست‌ورزی با انجام اصلاحات به راهبری ولیعهد محمد بن سلمان آغاز شده که می‌تواند تاریخ این کشور را به دو بخش قبل و بعد از 2016 تقسیم کند. اصلاحات بی‌سابقه و گسترده جاری در عربستان در ابعاد اجتماعی با اصلاحات در حوزه زنان جلوه بیشتری دارد. امروزه زنان سعودی از حقوق و امکانات بیشتری برخوردار شده‌اند که می‌توان به حق رانندگی، اجازه ورود به ورزشگاه‌ها، فرصت‌های شغلی بیشتر، اجازه سفر خارجی بدون همراه مرد، حضور در سمت‌های عالی مدیریتی و سیاسی، فعالیت‌های هنری آزاد نظیر موسیقی، آزادی پوشش و افزایش حضور اجتماعی اشاره کرد. با انجام این اصلاحات، زنان در عربستان به یک نقطه بازگشت ناپذیر رسیده‌اند که چشم‌انداز پیش رو نیز مؤید گسترش این اصلاحات است. پژوهشگران و فعالان سیاسی در سراسر

¹ عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی a.asadi@ihcs.ac.ir

² دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس
farahani.tmu@gmail.com



جهان در تحلیل رویکرد جدید آل سعود در قبال زنان دلایل متعددی از جمله ارتقاء در شاخص‌های حقوق بشری و درامان‌ماندن از انتقادهای غرب؛ جلوگیری از طغیان اجتماعی؛ تبلیغات گسترده رسانه‌ای و افزایش مشروعیت هیأت حاکمه جدید در این کشور را مطرح کرده‌اند. با این حال به نظر می‌رسد باید به دنبال یک صورت‌بندی مفهومی برای فهم این موضوع بود. از این رو این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش است که اصلاحات در حوزه زنان در عربستان سعودی چگونه قابل تبیین و تحلیل است؟ در پاسخ به این پرسش استدلال می‌شود که عربستان برای توسعه اجتماعی و اقتصادی نیازمند استقرار صلح در داخل و خارج و در اشکال مختلف است که اصلاحات در حوزه زنان از لوازم استقرار صلح به ویژه «صلح مثبت» است. به عبارت دیگر دولت سعودی به‌عنوان یک دولت توسعه‌گرا، صلح‌گستری در حوزه زنان را در دستور کار قرار داده است. روش این پژوهش تحلیلی-تبیینی و روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای و آماری است.

واژگان اصلی: اصلاحات، توسعه، زنان، صلح مثبت، عربستان سعودی.



Reforms in the Field of Women: Saudi Arabia's Efforts to Achieve Peace-Oriented Development

Ali Akbar Asadi¹

Hossein Amirabadi Farahani²

Since 2016, with King Salman's rise to power in Saudi Arabia, a new era of governance and politics has begun in the country. So significant are the reforms made under the leadership of Mohammad bin Salman that the history of this country can be divided into the pre- and post-2016 periods. The social reforms in Saudi Arabia, particularly in relation to women, have been unprecedented and widespread. Women in Saudi Arabia now enjoy increased rights and opportunities, such as the right to drive, access to stadiums, expanded job prospects, the ability to travel abroad without a male companion, and the opportunity to hold high-level management and political positions. They also have the freedom to engage in artistic activities like music and have an increased social presence. These reforms have brought about irreversible changes for women in Saudi Arabia, and the outlook for the future suggests that the reforms will continue to expand. Various reasons have been attributed to Saudi Arabia's new approach towards women by researchers and political activists around the world. These include improvements in human rights indicators, a desire to avoid criticism from

¹ Faculty Member, Research Institute for Humanities and Cultural Studies. Email: a.asadi@ihcs.ac.ir.

² MA in International Relations, Tarbiat Modares University.



the West, the prevention of social unrest, extensive media advertising, and increased legitimacy of the ruling body in the country. However, a conceptual framework is needed to fully understand the issue. This paper aims to address the question of how the reforms in the field of women in Saudi Arabia can be explained and analyzed. It is argued that for Saudi Arabia to achieve social and economic development, it needs to establish peace both within the country and internationally, in various forms. Reforms in the field of women are seen as essential for the establishment of peace, particularly “positive peace,” and the Saudi government, as a development-oriented entity, has prioritized the expansion of peace in the realm of women. This paper utilized an analytical-explanatory method to answer the research question, with the collection of necessary data through the use of library and statistical methods.

Keywords: Reforms, Development, Women, Positive Peace, Saudi Arabia.



بررسی تاریخی و مقایسه‌ای تحولات حقوق زنان در ایران و روسیه معاصر: تأثیر عوامل اجتماعی و سیاسی

الانا راوندی فدایی^۱

مقایسه و بررسی تحولات حقوق زنان در ایران و روسیه نشان می‌دهد که تأثیر عوامل اجتماعی و سیاسی بر حقوق زنان در دو کشور، یک موضوع پیچیده و جذاب است که تاریخ و فرهنگ هر جامعه را زیر تأثیر قرار داده است. پرسش اصلی در این نوشتار این است که چه عوامل اجتماعی و سیاسی در دو کشور ایران و روسیه بر تحولات حقوق زنان از گذشته تا امروز تأثیرگذار بوده‌اند و چگونه این تأثیرها با یکدیگر مقایسه می‌شوند؟ فرض این است که تحولات حقوق زنان در ایران و روسیه زیر تأثیر متغیرهای اجتماعی و سیاسی مختلف قرار گرفته‌اند. این فرضیه تفاوت‌ها و تشابه‌های موجود در تاریخ تحولات حقوق زنان در دو کشور را به نمایش خواهد گذاشت و نشان خواهد داد که نقش عوامل اجتماعی و سیاسی در تغییرهای این حقوق چقدر اهمیت داشته و دارد. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که در روسیه زنان پس از انقلاب سوسیالیستی سال 1917 از حقوق مساوی با مردان برخوردار شدند و قوانینی چون حق رای،

¹ دکترای تاریخ و محقق ارشد شرق شناسی، روسیه.



حق مالکیت برابر با مردان، سقط جنین و حق برابر طلاق به رسمیت شناخته شد که این قوانین در میزان اشتغال و موفقیت اجتماعی زنان نقش به‌سزایی داشته است. در ایران نیز تحولات حقوق زنان از دوره پهلوی شکل و پس از انقلاب اسلامی ادامه یافت. در هر دوره کاستی‌هایی وجود داشته مانند کشف حجاب اجباری دوره رضا شاه و تغییر قوانین حوزه خانواده در دوره بعد از انقلاب اسلامی اما در کنار کاستی‌ها زنان در دوره بعد از انقلاب اسلامی از پیشرفت‌ها و موفقیت‌های چشمگیری برخوردار شده‌اند.

واژگان اصلی: حقوق زنان، ایران، روسیه، انقلاب 1917، انقلاب 1979



A Historical and Comparative Study of the Evolution of Women's Rights in Contemporary Iran and Russia: The Impacts of Social and Political Factors

Lana Ravandi-Fadai¹

A comparison and study of the evolution of women's rights in Iran and Russia reveals the complex and fascinating impact of social and political factors on the history and culture of these societies. This paper aims to explore the significant social and political factors that have influenced the evolution of women's rights in both countries and to compare their impacts. The hypothesis posits that the evolution of women's rights in Iran and Russia has been shaped by different social and political variables. This study will illustrate the differences and similarities in the history of women's rights evolution in the two countries and demonstrate the influence of social and political factors on these changes. The research findings indicate that in Russia, women gained equal rights with men following the Socialist Revolution of 1917. This led to the recognition of laws granting women the right to vote, equal property rights, abortion rights, and equal rights in divorce, which significantly impacted women's employment and social success. In Iran, the evolution of women's rights

¹ PhD in history and senior researcher at Oriental Studies, Russia.



began during the Pahlavi era and continued after the Islamic Revolution. While each period had its challenges, such as the mandatory unveiling of women during Reza Shah's reign and changes in family laws after the Islamic Revolution, Iranian women have made significant progress and achievements in the post-revolution period.

Keywords: Women's rights, Iran, Russia, 1917 Revolution, 1979 Revolution.



The False Agenda of Modern Feminism

Victoria Arakelova¹

The feminist subculture has become an integral part of the leftist movement, with women's issues placed constantly on the agenda of many left-wing parties and groups, among other post-modernist popular trends, such as ecology, minorities' rights, etc. Appeal to the female audience has been considered a promising political strategy, given the fact that women make up the majority of the population in many countries. Moreover, women's issues are expected to highlight numerous negative clichés regularly applied to traditional societies, regardless of their religious identity. However, the feminist perspective has been found to be inconsistent with the reality of women's status in certain traditional societies, as evidenced by statistics showing radical changes in women's education and professional involvement in these societies. The gap between feminists' expectations and reality forced the ideologists of feminism to radicalize the agenda of the movement, turning it into a sophisticated political instrument. This paper has analyzed established clichés that have been erroneously or purposefully applied to certain traditional societies, creating false ideas about the role and status of women in

¹ Faculty Member, Institute of Oriental Studies, Russian-Armenian (Slavonic) University, Yerevan.



them. The paper has mainly discussed the cases of Iran and Armenia.

Keywords: Modern feminism, Women's Issues, Negative Clichés, Expectations and Reality, Iran, Armenia.